

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## شرح دعای ندبه

نویسنده و محقق: فاطمه پورشفیغ

کارشناس ارشد علوم قران و حدیث

تیرماه ۹۶

## چکیده:

غیبت مسئله مهمی است غیبت یعنی انتظار بشر، غیبت یعنی بالا رفتن فهم و ادراک بشر، غیبت یعنی خاموشی هر ظلم و ستمی ، غیبت یعنی شیوایی بیان و شگفتگی بینشها و کشف مهارتها و بصیرتها، غیبت یعنی اتحاد ملت مسلمان بر علیه کفر و نفاق، غیبت یعنی شناخت معصوم و مبارزه با غاصبین خلافت، غیبت یعنی خوف و رجاء در اعمال ، غیبت یعنی شفافیت و پاکی و صداقت و عدالت غیبت یعنی درک توحید و خالقیت و ربوبیت، غیبت یعنی وصل به ولایت، غیبت یعنی شیعه شناسی و شیعه پروری ، غیبت یعنی تلاش و جهاد در راه خدا یعنی جهاد با نفس، جهاد با فقر فکری و فرهنگی و تهاجم فرهنگی ، غیبت یعنی کلاس مقاومت و ایثار ، غیبت یعنی پرتاب نیزه به سمت فرقه های گمراه کننده و ظالم ؛ غیبت یعنی شورحقیقت طلبی و حقیقت یابی ، غیبت یعنی سوزش و شورش ..... حال چگونه باشیم ؛ چگونه نگریم برای این همه ناملایمات و دوری از تنها فرزند باقی مانده حضرت رسول الله(ص) و وصی ایشان علی ابن ابیطالب(ع).

کلید واژگان: انتظار- دعا- ندبه-شناخت

دعا و توسل، دو نیاز آدمی و دو بال پرواز او برای فرار از دل مردگی حاکم بر فضای زندان دنیا هستند. همین امر انسان را بر آن می‌دارد تا در پی دست یابی به عواملی باشد که او را در راه درک مفاهیم ادعیه و زیارات یاری می‌رسانند. در میان این عوامل، دقت در فرازهای دعا، سهم بسزایی در فهم معنای روح بخش آن ایفا می‌کند؛ یعنی فهم سیر و انتقالی که برای تربیت روح انسان‌ها در نیایش‌های معصومین علیهم‌السلام است، همانطور که نیاز به ترجمه و شرح واژگان دارد، محتاج آگاهی از اسرار پنهان در بین فقرات و نظم و سیاق کلی آن‌ها نیز می‌باشد؛ زیرا ترکیب کلی و مجموعه‌ی فرازهای دعا، منظومه‌ی به هم پیوسته‌ای هستند که بر زبان اولیای خدا علیهم‌السلام برای رشد و صعود و در نهایت تقرب روح آدمی به معبود یکتا، جاری شده‌اند.

باید باور داشت که مشیت تشریحی این است که خداوند خواسته، ما عبد باشیم و این مشیت قابل تخلف نیست چون خداوند تعالی با اختیاری که به بشر داده خواسته او عبد باشد نه اینکه دنبال بهانه گردد و بدینوسیله سیمای وجودی خود را بدست افکار باطل و عملکرد نادرست بسپارد تا عقاب الهی را فراموش کند. علم ذاتی خداوند با تدوین شریعت اسلامی برای بشر، حقایق جهان خلقت را ترسیم کرده تا به انسانها شیوه حرکت در راستای رسیدن به کمال و یافتن حقایق جهان را بیاموزد.

شرح ادعیه مأثور که دعای ندبه یکی از آن است حقیقتی را در بر دارد حقیقتی بنام انتظار و اینکه منتظر واقعی کیست؟ آیا می‌توان انتظار را یک مشیت الهی دانست؟ اینکه تکلیف انسان در این انتظار پرثمر چگونه تکلیفی است؟ دانستن این حقایق مسئولیت سنگین وباری بر دوش انسانهاست تا عقل اجازه مانور به تفکرات کاذب ناشی از جهل را ندهد و نظام بی تکلیفی، با ورود شبهات ناشی از جهل مرکب بر بشر حاکم نگردد.

ندبه یعنی گریه؛ حال چرا گریه کنیم؟

انسان وقتی کسی را دوست دارد اگر معشوق بخواهد عاشق را ترک کند آنقدر دنبالش می‌دود و گریه می‌کند تا او برگردد. ما گریه می‌کنیم ولی عزم خود را راسخ می‌داریم که معشوق از ما روی بر نتابد بلکه خطاء ما را ببخشد و به لحظات انتظار ما پاسخ مثبت دهد. اگر گریه نمی‌کنی و دنبال معشوق نمی‌دوی، بدان که معنای غیبت را نمی‌دانی.....؟

غیبت مسئله مهمی است غیبت یعنی انتظار بشر، غیبت یعنی بالا رفتن فهم و ادراک بشر، غیبت یعنی خاموشی هر ظلم و ستمی، غیبت یعنی شیوایی بیان و شگفتگی بینشها و

کشف مهارتها و بصیرتها، غیبت یعنی اتحاد ملت مسلمان بر علیه کفر و نفاق، غیبت یعنی شناخت معصوم و مبارزه با غاصبین خلافت، غیبت یعنی خوف و رجاء در اعمال، غیبت یعنی شفافیت و پاکی و صداقت و عدالت غیبت یعنی درک توحید و خالقیت و ربوبیت، غیبت یعنی وصل به ولایت، غیبت یعنی شیعه شناسی و شیعه پروری، غیبت یعنی تلاش و جهاد در راه خدا یعنی جهاد با نفس، جهاد با فقر فکری و فرهنگی و تهاجم فرهنگی، غیبت یعنی کلاس مقاومت و ایثار، غیبت یعنی پرتاب نیزه به سمت فرقه های گمراه کننده و ظالم؛ غیبت یعنی شورحقیقت طلبی و حقیقت یابی، غیبت یعنی سوزش و شورش ..... حال چگونه باشیم؟ چگونه نگریم برای این همه ناملایمات و دوری از تنها فرزند باقی مانده حضرت رسول الله(ص) و وصی ایشان علی ابن ابیطالب(ع).

حال که دل‌هایمان آماده برای تعلیم شرح دعای ندبه شد، بهتر است ابتداء سند این دعای عظیم را بررسی کنیم:

سید رضی الدین علی بن طاووس (م ۶۶۴ق) در کتاب اقبال خویش و در کتاب مصباح الزائر فصل هفتم و محمد بن جعفر بن مشهدی حائری از علمای قرن ششم هجری در کتاب مزار معروف به مزار ابن مشهدی نقل کرده اند. علامه مجلسی دعای ندبه را در کتابهای بحارالانوار و تحفة الزائر نقل کرده است و در مقدمه بحار به اعتبار سند ادّعیه آن شهادت داده است. مجلسی اعتبار سند دعای ندبه را که منتهی به حضرت امام جعفر صادق(ع) می شود تصدیق کرده است. عبارت وی در کتاب زادالمعاد این است: "اما دعای ندبه که مشتمل بر عقائد حقّه و تأسف بر غیبت حضرت قائم(ع) به سند معتبر از امام صادق(ع) منقول است که سنت است این دعا در چهار عید بخوانند".

### **سندشناسی:**

برای این دعا، دو سند ذکر شده است، که در ذیل به بیان و بررسی هر کدام از آن ها می پردازیم. (سایت حوزه نت- نوشته ی حاضر، تقریر سلسله درس های «مروری بر دعای ندبه» از استاد سید مهدی میرباقری است که در مرکز تخصصی مهدویت وابسته به بنیاد حضرت مهدی موعود (عج) در قم، برای جمعی از طلاب و دانش پژوهان ارایه شده است. از تلاش حجت الاسلام فلاح از دانش پژوهان کوشای این دوره برای تدوین این درس ها، سپاس گزاری می شود)

سند اول:

این سند مربوط است به نقلی که مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف مصباح الزائر آورده است. عین عبارت ایشان چنین است:

ذکر بعض اصحابنا قال: قال محمد بن علی بن ابی قره، نقلت من کتاب محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری قدس سره دعاء ندبه و ذکر انه الدعاء لصاحب الزمان صلوات الله عليه و يستحب ان يدعا به فی الاعیاد الاربعة و هو . . . مصباح الزائر، سید بن طاووس، ص ۴۴۶)

بعضی از اصحاب ما چنین گفته اند که جناب محمد بن علی بن ابی قره از کتاب مرحوم محمد بن الحسین بن سفیان بن البزوفری، دعای ندبه را نقل کرده و گفته است که این دعا، دعایی است برای حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه که مستحب است آن را در عیدهای چهارگانه - روز جمعه، عید قربان، عید فطر و عید غدیر - بخوانند .

سند دوم:

دومین سندی که برای دعای ندبه، از خلال کتاب های روایی به دست می آید، سندی است که مرحوم مجلسی در بحارالانوار (بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۹، ص ۱۰۴-۱۱۰) نقل می کند:

قال محمد بن المشهدی فی المزار الكبير: قال محمد بن ابی قره: نقلت من کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری . . . .

محمد بن مشهدی در کتاب مزار خویش - مزار کبیر - چنین گفته که دعای ندبه را محمد بن ابی قره از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری، نقل کرده است .

همان طور که ملاحظه می شود، آن تزلزل و ضعفی که در سند اول وجود دارد، در سند دوم به چشم نمی خورد؛ زیرا در سند دوم، مرحوم مشهدی به طور مستقیم می فرماید: محمد بن علی بن ابی قره چنین گفت که دعای ندبه منقول از کتاب مرحوم بزوفری است، در حالی که در سند اول، مرحوم سید بن طاووس می فرماید:

ذکر بعض اصحابنا .

بعضی از اصحاب ما امامیه چنین ذکر کرده اند .

لازم به ذکر است که مرحوم مجلسی بعد از بیان هر دو سند، چنین اظهار نظر می کند:

«گمان می رود مرحوم سید بن طاووس نیز این دعا را از جناب مشهدی گرفته باشد و مراد وی از بعض اصحابنا همان مرحوم مشهدی باشد.»

البته ناگفته نماند که اگر سید بن طاووس قدس سره دعای ندبه را با واسطه ی مرحوم مشهدی نقل کند، یک اشکال پدید می آید و آن این که، جناب سید قدس سره بعد از بیان دعای ندبه، چنین می گوید:

ثم صل صلاة الزيارة و قد تقدم وصفها ثم تدعوا بما احببت فانك تجاب ان شاء الله تعالى.)  
مصباح الزائر، ص ۴۵۳ )

سپس به کیفیتی که در گذشته بیان شد نماز زیارت را به جای آرید و از خدا آن چه را می خواهید در خواست کنید که ان شاءالله اجابت خواهد شد .

در حالی که کتاب مزار مرحوم مشهدی از چنین نماز زیارتی در پایان دعای ندبه، خبر نمی دهد . ولی خود مرحوم سید در اقبال الاعمال، ( . اقبال الاعمال، سید بن طاووس، ج ۱، ص ۵۰۴) چنین نمازی را بعد از دعای ندبه نقل نمی کند که این می تواند علامتی باشد بر این که مرحوم سید، نماز زیارت را در مصباح به عنوان رجاء آورده است .

اما به هر حال، سندی که نزد اهل فن، از استناد بیشتری برخوردار است، همان سند مرحوم محمد بن مشهدی است که ما نیز به بررسی آن می پردازیم . ولی قبل از پرداختن به بررسی سند دعا، لازم است در نگاهی کوتاه، به معرفی کتاب مزار محمد بن مشهدی بپردازیم .

آشنایی با کتاب مزار کبیر:

مزار محمد بن مشهدی، کتابی است که در مورد زیارت های وارد شده برای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان نورانی آن حضرت نوشته شده است .

مرحوم مجلسی در بحارالانوار، از این کتاب با عنوان «مزار کبیر» یاد کرده است ( و . بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۰) بنابر آن چه علامه طهرانی در الذریعه بیان کرده است (الذریعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۰، ص ۳۲۴) و هم چنین از خاتمه ی مستدرک الوسایل ظاهر می شود، این کتاب، یکی از مدارک مرحوم نوری برای «مستدرک الوسایل» بوده است . (مستدرک الوسایل، نوری، ج ۳، صص ۳۶۸-۳۶۹؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۲۴) از عبارتی که در مقدمه ی مزار کبیر آمده است، چنین آشکار می گردد که مرحوم مشهدی فقط روایاتی را که به سند قابل اعتماد و از روایان موثق به دست آورده، نقل کرده است . ( در مقدمه ی کتاب مزار کبیر بعد از خطبه چنین آمده: «فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات - المشاهد و ما ورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات و الادعیة المختارات . . . مما اتصلت به من ثقات الرواة الی السادات» . به نقل از: مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۳۶۸؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۲۴) در پایان باید افزود مرحوم سید بن طاووس علاوه بر اعتماد به این کتاب و نقل فراوان از آن، زبان به مدحش نیز گشوده است . ( . مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۳۶۸)

آشنایی با محمد بن مشهدی:

ازکلمات مرحوم آیت الله خویی در معجم الرجال به نقل از شیخ حر عاملی چنین ظاهر می شود که مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن علی بن جعفر است . ( . معجم الرجال، آیت الله خویی، ذیل محمد بن مشهدی، ج ۱۷، ص ۲۵۹) ولی مرحوم حاجی نوری در خاتمه ی

مستدرک الوسایل در این باره می فرماید: «مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر المشهدی است که از وی با عنوان «حائری» نیز یاد شده است. ایشان یکی از کسانی است که از ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی روایت نقل می کند. او هم چنین با دو واسطه از مرحوم محمد بن نعمان - شیخ مفید - به نقل روایت می پردازد» . (مستدرک الوسایل، ج ۳ ص ۳۶۸؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۲۴)

آشنایی با محمد بن علی بن ابی قره:

درباره ی آشنایی با «محمد بن علی ابی قره» باید گفت که ایشان از جمله راویان صاحب کتاب و مورد اعتماد است. رجال نجاشی درباره ی وی چنین می گوید: «محمد بن علی بن یعقوب، اسحاق بن ابی قره، ابوالفرج القنائی الکاتب کان ثقة و سمع کثیرا و کتب کثیرا و کان یوردق لاصحابنا و معنا فی المجالس، له کتب منها: کتاب عمل یوم الجمعة، کتاب عمل الشهور، کتاب معجم رجال ابی المفضل، کتاب التهجد؛ اخبرنی و اجازنی جمیع کتبه» ; (رجال نجاشی، ص ۲۸۳) (محمد بن علی بن یعقوب اسحاق بن ابی قره ابوالفرج القنائی، که ملقب به «کاتب» است، شخص ثقة و مورد اعتمادی می باشد که شنیده ها و نوشته های زیادی از او به جای مانده است .

وی شخصی بود که کتاب ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می خواند و همواره در مجالس، با ما بود .

کتاب های او عبارتند از: عمل یوم الجمعة، عمل الشهور، معجم رجال ابی المفضل و التهجد . مرحوم نجاشی در پایان می فرماید: «محمد بن ابی قره برای من روایت نقل کرده و اجازه ی نقل کتاب هایش را به من داده است» . همان طور که روشن است، از عبارت: «کان یوردق لاصحابنا و معنا فی المجالس» چنین استفاده می شود که مرحوم نجاشی در زمان «ابن ابی قره» می زیسته است .

و از عبارت دیگر که می فرماید: «اخبرنی و اجازنی جمیع کتبه» ، آشکار می گردد که مرحوم نجاشی، اجازه ی نقل کتاب های «ابن ابی قره» را نیز داشته است .

بنابراین، می توان چنین گفت که هر چند این دو بزرگوار هم عصر یکدیگر بوده اند، ولی به اعتبار این که مرحوم نجاشی، اجازه ی نقل کتاب های «ابن ابی قره» را از وی داشته است، «ابن ابی قره» از مشایخ اجازه ی مرحوم نجاشی محسوب می گردد .

آشنایی با محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری:

بنابر آن چه مرحوم آیت الله خوئی در معجم الرجال آورده است، (معجم الرجال، ج ۱۶، ش ۱۰۵۶۶، ص ۹) از این شخص با دو عنوان یاد شده است: (۱) محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری، (ابوجعفر ۲) محمد بن الحسین البزوفری، ابو جعفر .

وی از شاگردان احمد بن ادريس بوده و از او روایت نقل کرده است . از آن جا که مرحوم محمد بن نعمان (شیخ مفید)، از محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، روایت نقل کرده، می توان گفت که ایشان از مشایخ مرحوم مفید نیز بوده است .

اما درباره وثاقت وی باید گفت: هر چند پیرامون «محمد بن حسین بن سفیان بزوفری» در کتب رجالی، توثیق خاصی وارد نشده است، ولی از آن جا که این فرد از جمله کسانی بوده که مرحوم مفید از وی روایت بسیار نقل کرده و هم چنین در موارد مختلف برای وی رضا و رحمت خداوند متعال را طلب نموده است، می توان بدون تردید گفت: قواعد توثیق عام، شامل حال وی می گردد؛ زیرا طبق قواعدی که بزرگان از اهل فن رجال، بیان کرده اند: اگر شخصی از مشاهیر باشد و روایات فراوانی را هم نقل کرده و از طرفی هم قدح و تضعیفی درباره ی او بیان نشده باشد، همین نشانه ی حسن ظاهر و علامتی برای توثیق او می باشد؛ چون با شهرتی که از او به جای مانده، اگر ارباب رجال، عیب و مذمتی از وی سراغ داشتند، بیان می کردند .

معنای «انه الدعاء لصاحب الزمان» علیه السلام:

بعد از روشن شدن وثاقت موجود در سلسله ی سند این دعای شریف، لازم است به عبارتی که ابن بزوفری قبل از این دعا آورده است، بپردازیم .

وی قبل از آوردن متن دعای ندبه چنین می گوید:

انه الدعاء لصاحب الزمان صلوات الله عليه و يستحب ان يدعى به في الاعياد الاربعة . . .  
(مصباح الزائر، ص ۲۴۱)

مرحوم بزوفری چنین گفته که دعای ندبه، دعایی است برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مستحب است آن را در عیدهای فطر، قربان، غدیر و روز جمعه بخوانند .

بر اهل دقت پوشیده نیست که در عبارت: «انه الدعاء لصاحب الزمان صلوات الله عليه» ، دو احتمال وجود دارد که عبارتند از:

(۱) این دعای شریف، دعایی است که از جانب امام زمان علیه السلام انشاء شده است .

(۲) این دعا، دعایی است که برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام انشاء شده است، نه این که انشاء این دعا از طرف آن حضرت صورت گرفته باشد .



اما از آن جا که مرحوم «ابن بزوفری» در ادامه می فرماید:

و يستحب ان يدعى به فى الاعياد الاربعة .

مستحب است که این دعا در عیدهای چهارگانه خوانده شود

معلوم می گردد که در نگاه مرحوم «ابن بزوفری» ، انشاء این دعای شریف از جانب کسی غیر از امام معصوم علیه السلام نبوده است؛ زیرا بزرگان اصحاب امامیه هیچ گاه در رابطه با دعایی که از جانب شخصی غیر از معصوم علیه السلام صادر شده باشد، نمی گویند «مستحب است آن را فلان وقت معین بخوانید» .

بنابراین، به دو قرینه، احتمال این که دعای ندبه از سوی شخص دیگری غیر از امام معصوم علیه السلام صادر شده باشد، مردود است:

(۱) این که می فرماید: «يستحب» ؛ (مستحب است خواندن این دعا .) و ظاهر این کلمه می رساند که این دعا از جانب معصوم صادر شده است؛ زیرا محکوم کردن هر کدام از افعال و اذکار به هر یک از احکام خمس (وجوب و حرمت، استحباب، کراهت، اباحه) از امور توقیفیه می باشد که فقط باید از جانب اولیای خدا صورت گیرد .

(۲) این که برای قرائت این دعا، زمان خاص (اعیاد اربعه) بیان شده و دعایی که از جانب غیر معصوم انشاء شده باشد، نمی تواند از چنین ویژگی برخوردار باشد .

دعای ندبه، انشاء کدام امام است؟

اما این که این دعای شریف از جانب کدام یک از معصومین علیهم السلام صادر شده است، باز هم به روشنی معلوم نیست .

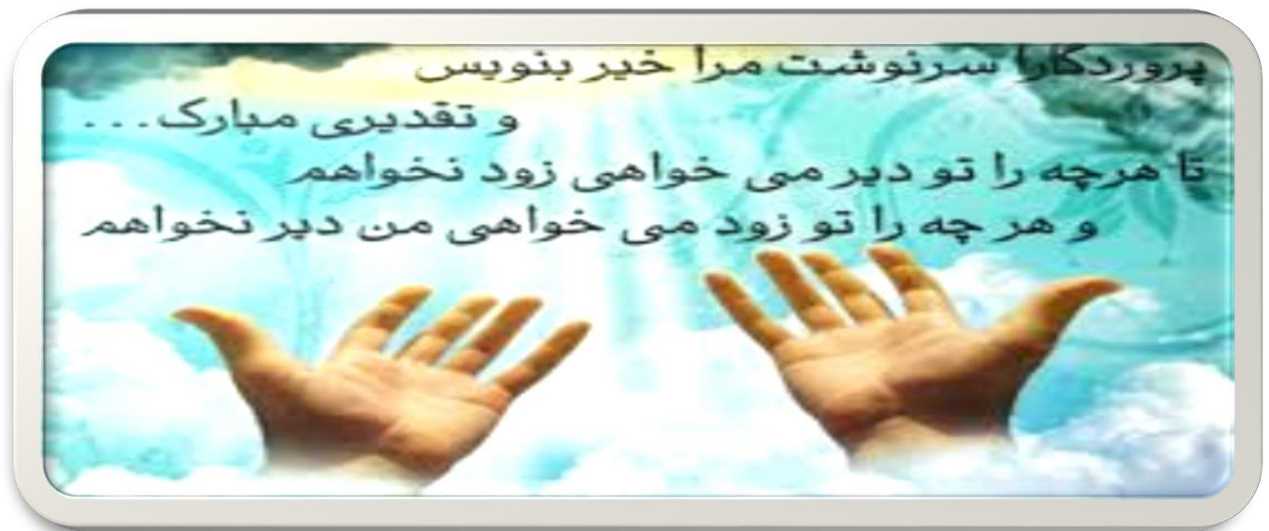
از ظاهر عبارت مرحوم «ابن بزوفری» آشکار می شود که این دعا از امام زمان علیه السلام است . در این صورت، باید بگوییم: این دعاء نیز از توقیعاتی است که از جانب حضرت صاحب الامر علیه السلام برای مرحوم ابن بزوفری که در زمانی نزدیک به غیبت صغری می زیسته، صادر شده است همانند توقیعاتی که برای مرحوم شیخ مفید صادر شده اند .

احتمال دوم این است که این دعا از سوی امام صادق علیه السلام صادر شده باشد؛ همان طور که مرحوم مجلسی در کتاب «زاد المعاد» (زاد المعاد، علامه مجلسی، ص ۴۹۱) فرموده است .

هر چند بعضی خواسته اند احتمال دوم را به خاطر ناسازگاری بعضی از مضامین دعا با صدور از جانب امام صادق علیه السلام مردود سازند، ولی بر اهل تحقیق روشن است که این اشکالات قابل توجیه است؛ زیرا نظیر چنین مضامینی در موارد و دیگر ائمه علیهم السلام .)

منتخب الاثر، باب ۳، فصل ۱۰، ح ۴، ص ۱۴۰. امام رضا علیه السلام در بیان علت دست بر سر نهادن، هنگام ذکر نام قائم علیه السلام در ضمن عبارتی می فرماید عبد خاضع هنگام مشاهده ی مولایش، چنین می کند و خود اما رضا علیه السلام نیز چنین می کرد، به نحوی که گویا امام زمان علیه السلام، آن حضرت را نیز مشاهده می کند. البته توجیهاتی مانند اراده ی تعلیم به شیعیان در مورد چنین مواردی بجا به نظر می رسد) نقل شده است. اما به هر حال آن چه از سند دعای ندبه معلوم می شود، این است که این دعا، دعای غیر ماثور نیست، بلکه دعایی است که از جانب یکی از ائمه هدی علیهم السلام نقل شده است. علاوه بر این، با دقت در متن این دعای شریف به آسانی آشکار می شود که چنین مضمون بلند و ملکوتی، خود از جمله تاییدات غیرقابل انکار بر صدور دعای ندبه از سوی امام معصوم علیه السلام است.

والسلام علی من اتبع الهدی



## شرح دعای ندبه

دعای ندبه است. مستحب است دعای ندبه را در چهار عید، یعنی فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند، و دعا این است:

**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا**

ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است، و درود و سلام خدا، سلامی کامل، بر سرور ما محمد، پیامبرش و اهل بیت او،

**حمد در لغت به چه معناست؟**

**پاسخ:**

ستایش - ثنا گوئی - مدح - تعریف کردن

راغب گوید: حمد خدا به معنی ثناگوئی اوست در مقابل فضیلت، حمد از مدح اخص و از شکر اعم است. زیرا مدح در مقابل اختیاری و غیر اختیاری می شود اختیاری مثل بذل مال و علم و سخاوت و غیر اختیاری مثل طول قامت و زیبایی اندام.

**ادب بندگی چگونه معنا می شود؟**

## پاسخ:

آنچه که ادب بندگی اقتضاء دارد این است که بنده خدا پروردگار خود را به همان ثنائی ثنا گوید که خود خدا خود را بدان ستوده و از آن تجاوز نکند همچنانکه در حدیث مورد اتفاق شیعه و سنی از رسول خدا (ص) رسیده که در ثنای خود می گفت: " لا احدى ثناء عليك ، أنت كما اثنيت على نفسك " پروردگارا من ثناء تو را نمی توانم بشمارم و بگویم ، آن طور که بر خود ثنا کرده ای . پس سوره حمد با آغاز " الحمد لله " ادب عبودیت را می آموزد و تعلیم می دهد. که بنده او لایق آن نبود که او را حمد گوید، و فعلا که می گوید ، به تعلیم و اجازه خود اوست ، او دستور داده که بنده اش بگوید " الحمد لله "

وقتی خدا مالک همه هستی است . هستی کره زمین از اوست و هستی حیات روی آن و تمامی آثار حیات از اوست ؛ پس در نتیجه تدبیر امر زمین و موجودات در آن، و خلاصه همه عالم از او خواهد بود .، پس او ربّ تمامی ماسوای خودش است چون رب به معنای مالک مدبر است عالمین هم در معنا شامل تمام موجودات است هم تک تک موجودات را می توان عالم خواند و هم نوع ، نوع آنها را ، مانند عالم جماد ، عالم نبوت و عالم حیوان و عالم ماده و عالم مجردات و عالم انسان از هر نوع و صنفی.

### خاصیت حمد خدا:

محمد بن مروان گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: چه عملی بدرگاه خدای عزوجل محبوبترین همه اعمال است؟ فرمود: اینکه او را ستایش کنی. (اصول کافی ۱/۳۲۰)  
امام صادق (ع) فرمودند: اسم اعظم خدا در سوره حمد است - قال ابو عبدالله: اسم الله الاعظم مقطوع فی امر الكتاب (ثواب الاعمال- عقاب الاعمال)

### حمد خدا در تسبیح الهی:

#### سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر

امام صادق (ع) فرمود: رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: زیاد تسبیحات اربعه را بگوئید بدون تردید این ذکرها در روز قیامت در حالی می آیند که عده ای از فرشتگان در جلو و عده ای دیگر در پشت سر آنها با شکوه و عظمت خاصی حرکت می کند و اینها باقیات و صالحات است. (همان)

### ثواب تسبیحات اربعه:

الف: امام صادق (ع) از قول رسول خدا فرمود: سپرهای خود را بر دارید ، گفتند: ای رسول خدا! برای دشمنی که بمانزدیک شده است؟ آن حضرت فرمود: نه برای مقابله با آتش (همان)

ب: هر کدام از شما بعد از نماز واجبش سی بار بگوید: " سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا

الله والله اكبر " بدون شک ریشه این ذکرها در زمین و شاخه اش در آسمان است . این ذکرها از زیر آوار ماندن ، یا با آتش سوختن ، یا غرق شدن، افتادن در چاه ، طعمه درندگان

شدن ، مرگ بد و حادثه ناگوار که در آن روز بر بنده خدا از آسمان فرود می آید جلوگیری می کند. این ذکر ها باقیات و صالحات است.(همان)

### **ثواب ذکر الحمد لله رب العالمین:**

امام صادق(ع) فرمود: کسی که در صبح چهار بار بگوید، " الحمد لله رب العالمین " بی تردید شکر آن روز را بجا آورده است و کسی که در شب آنرا بگوید بدون شک شکر آن شب را بجا آورده است(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال)

### **مراتب شکر در دعای ابو حمزه ثمالی:**

"الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني ، سپاس خدایی را که من او را می خوانم پس او اجابت می کند مرا . خدا را سپاس که تا حاجتی دارم مرا جوابگو ست. ولی چرا وقتی او مرا فرا می خواند من کاهلی می کنم (کاهلی در عبادت و بندگی) .

### **" الحمد لله الذي اسئله فيعطيني و ان كنت بخيلا حين يستقرضني "**

سپاس خداوندی را که هر وقت در خواستی داشته باشم بمن عطا می کند. هیچگاه مرا تنها نگذاشته ولی وقتی ندای کمک به فقیری می رسد در هنگام کمک وقرض دادن بخیل و خسیس می شوم.

### **"الحمد لله الذي أناديه كلما شئت لحاجتي و أخلو حيث شئت لسرى بغير شفيع فيقضى لي حاجتي"**

شکر خداوند و سپاس از خداوندی که وقتی با او خلوت می کنم متوجه من می شود و بدون هیچ واسطه ای حاجتم را برآورده می کند (او کسی است که در تمام لحظات زندگی بدون اینکه متوجه شوی به تو نظر دارد).

### **"الحمد لله الذي لا ادعوه غيره و لو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي"**

سپاس و شکر خدایی را که غیر او را نمی خوانم . سپاس خدایی که خودم را بخودش واگذار می کنم و تمام امورم را به او واگذار می کنم زیرا اگر به خودم و به غیر از خدا واگذار شوم استجابت دعا امکان ندارد.

### **" الحمد لله الذي لا ارجوه غيره و لو رجوت غيره لاخلف رجائي "**

سپاس و شکر که تمام امید من است و من غیر او امیدی ندارم که اگر به غیرش امید می داشتم مرا تا امید می کرد.

### **"والحمد لله الذي و كلني اليه فاکرمني و لم يكلني الي الناس فيهينوني"**

خدا را سپاس و شکر که بمن آموختی به غیر از تو خود را واگذار نکنم . این کرامتی برای مناست که تو به من آموختی تا خود را به مردم واگذار نکنم که خواری را در پی دارد.

### **"الحمد لله الذي تحبب اليّ و هو غنيّ عنيّ"**

سپاس خدایی که اظهار کمال و دوستی را به من کرد و سپاس خدایی را که با حلم و بردباری با من برخورد کرد چنانکه گویی گناهی از من سر نزده است.  
**ادامه دعای ندبه:**

**اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ لَا اِضْمِحْلَالَ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّيَّيَةِ وَ زُخْرُفِهَا وَ زُبْرُجِهَا**

،خدا یا تو را ستایش، بر آنچه به آن جاری شد قضای تو درباره اولیایت، آنان که تنها برای خود دینت برگزیدی، آنگاه که برای ایشان اختیار کردی، فراوانی نعمت پابرجایی که نزد توست، نعمتی که تباهی و نابودی ندارد، پس از آنکه که اعراض از مراتب و درجات و زر و زیورانی دنیای پست را برای آنان شرط کردی(زهد).

**شرح این فراز:**

**معنای لغوی زهد:**

زهد در اصل معنی لغوی یعنی بی میلی و بی رغبتی، زهد یعنی این که انسان از امور مورد طبع خودش برای مدتی دست بردارد. بعضی گمان دارند که زهد یعنی رو آوردن از کار دنیا به کار آخرت با عزلت و انزوا و رهبانیت و غار نشینی همانند همان رهبانیتی که در دنیای مسیحیت رایج بود. مطهری . مرتضی حق و باطل ج ۲، ۷۰). پس در اینجا باید فرق بین آندو "زهد - رهبانیت" مشخص گردد.

**رهبانیت وزهد در اسلام:**

رهبانیت بر ضد زندگی و ضد جامعه گرایی است و مستلزم کناره گیری از خلق و بریدن از مردم و سلب هر گونه.. مسئولیت و تعهد از خود است. زهد اسلامی مستلزم انتخاب زندگی ساده و بی تکلف است و به معنای پرهیز از تنعم و تجمل و لذت گرایی است. پیامبر اسلام می فرماید: " لا رهبانیه فی الاسلام". (بحارالانوار ج ۷۰ ص ۱۱۵). رهبانیت در اسلام وجود ندارد. از نظر اسلام کار دنیا و آخرت از هم منفک نیست و بهم واسطه است و دنیا مزرعه آخرت است. پس زهد بهره گیری مادی از جهان و استفاده از لذت‌های طبیعی و جسمانی نیست بلکه زهد مسیری است که نیاز به شناخت ارزشهای معنوی دارد.

بدون شناخت ارزشهای معنوی سعادت واقعی محقق نمی گردد. اگر تعهدات و مسئولیتهای این جهان با ایمان و پاکی و طهارت و تقوا توأم گردد این باعث سعادت در آن جهان است. پس باید در ایمان آنقدر قوی بود که به دنیا و آنچه در اوست اعتنا نداشته باشد. زهد کلید جهان آخرت و کلید خلاص شدن از آتش است. زهد آن است که چون به چیزی مشغول شوی یاد پروردگار متعال را ترک نکنی و برای ترک آن تأسّف بخوری و در این میان باید مراقب باشی تا دچار عجب و خود بینی نگردی.

زمانی که کتاب امام علی(ع) از دیدگاه ابن ابی الحدید ( امام علی از دیدگاه ابن ابی الحدید معتزلی - حسین طیبیان) را ورق می زنی علی را زاهدترین فرد می یابی. او می نویسد: امام علی(ع) در عبادت عابدترین مردم بود در نماز و روزه و نوافل و انجام مستحبات بیشترین عبادات را داشت. در شب لیلة الهیریر ( دو لشگر در صفین تا صبح کارزار داشتند ) در حالیکه تیر در اطرافش فرود می آمد ، بدون هیچ ترسی برنامه عبادتش ترک نشد و تو چه تصوّر می کنی در باره مردی که پیشانی او به علّت طول سجده اش پینه بسته بود و هیبتش خاضع و عزّتش خاشع و فروتن بود. از علی ابن الحسین (ع) که در عبادت به عالیترین حد رسیده بود، پرسیدند...؟! عبادت تو چه نسبتی با عبادت جدّت دارد؟ فرمود: مثل عبادت جدّم نسبت به عبادت رسول خدا(ص).

تنها در زمان رسول خدا او بود که قرآن را حفظ کرد نه غیر او. امام علی (ع) اولین کسی بود که قرآن را جمع آوری کرد و در سیاست شدید السّیاسه بوده و با احدی در جائیکه پای خدا در میان بود مدارا نمی کرد. علی زاهد بود و هرگز از طعامی سیر نگشت و خشنترین خوراک و لباس را داشت. لباسش وصله دار و کفشش از لیف خرما و پیراهنش از کرباس بود که در صورت بلند بودن آستین مازاد آنرا با کاردی می برید و دیگر آن را نمی دوخت. و آنقدر آنرا می پوشید تا تارهای لباسش می ماند و دیگر پودی نمی ماند. خوراکش سرکه یا نمک و هنگام ترقی مقداری سبزی و بالاتر از آن اندکی از شیر شتر بود و جز اندکی از گوشت نمی خورد و می فرمود: شکمهایتان را قبور حیوانات قرار ندهید و با این حال قوی ترین و زورمندترین مردم بود و گرسنگی و کم خوردن از قوه و قدرتش نمی کاست. او دنیا را طلاق داد و اموالی که از سرزمینهای اسلامی غیر از شام می آمد همه را بین مسلمین تقسیم می کرد.

علی(ع) در جنگ جمل مروان بن حکم را که از دشمنترین مردم و مبغضترین آنان نسبت به او بود از او درگذشت زیرا با گذشتترین آنان نسبت به گناهکاران بود. پیروزی علی(ع) در جنگ جمل یکطرفه، و گذشت از دشمنان طرف مهم قضیه بود. در تاریخ دارد که زبیر که از یاران اهل بیت(ع) بود با بزرگ شدن فرزندش عبدالله او نیز دشمن علی(ع) شد و حضرت را علناً دشنام می داد و مردو هم تماشاگر و بلکه یاور چنین جرسومه هایی بودند، حضرتش بر او ظفر یافت و او را اسیر کرد و از او در گذشت و فرمود: " برو تو را نبینم" و چیزی بر آن نیفزود.

در این فراز خداوند را شاکریم و سپاسگزاریم که قضا و قدرش را بر حاکمیت اهل ایمان و تقوا مقدر ساخت یعنی اولیای الهی؛ اولیایی که وجودشان اخلاص و قیامشان تبلیغ دین الهی به شرطها و شروطها، شروطی که زهد آور است در دنیا بدور از زیورها و آراستگیهای دنیایی.

### **براستی این امام کیست؟ این شریعت پایدار تا قیامت چگونه است؟**

سعی و کوشش در تبلیغ شریعت اسلام بعد از بیست و سه سال تلاش بی وقفه پیامبر(ص) باید همچنان ادامه یابد و این بر عهده کسانی باید باشد که برخی از صفات پیامبر (ص) را دارا می بودند. معصومین رهبری در شریعت اسلامی جامعه مسلمانان را بر عهده داشتند، گرچه بسیاری از توطئه ها و بعضی تعبیرهای نادرست و دروغ خلافت تعیین شده الهی را تبدیل به غصب خلافت کرد.

### **شیعه کیست؟**

نویختی (متوفای ۳۱۰ هجری) می نویسد:

شیعه به کسانی گفته می شود که در زمان رسول خدا (ص) پیغمبر را قبول و تأیید نمایند پس از او علی(ع) را به امامت و خلافت پذیرفته و از دیگران(غیر معصوم) گسسته و به او پیوسته اند. (فرق الشیعه ص ۱۷)

ابوالحسن اشعری می گوید: علت اینکه این گروه را شیعه می گویند آن است که اینان علی را پیروی کرده و او را بر دیگر صحابه مقدم می دارند(مقالات اسلامیین ۶۵/۱)

تأکید قرآن بر تبعیت از رسول خدا(ص) است پس با آیات بسیاری، از ولایت علی ابن ابیطالب(ع) وصی پیامبر(ص) دفاع می کند و مردم را در این صراط مستقیم وارد می کند تا هدایت شوند. "إِنَّ الدِّينَ أَمْنًا وَعَمَلًا وَالصَّالِحَاتُ أَوْلَىٰ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ" (بینه/۷)

به نقل از جابر ابن عبدالله انصاری، ابن سعید خدری، ابن عباس و علی (ع) از پیامبر(ص) فرمود: مقصود از این آیه علی و شیعیان اویند(الدر المنثور ۵۸۹/۸)

### **کیفیت مثلث شومی که اسلام را در زمان پیامبر (ص) تهدید می کرد چه بود؟**

#### **پاسخ:**

خطر مثلث شوم در زمان پیامبر(ص)، یک ضلع آن امپراتوری روم و ضلع دیگرش امپراتوری ایران، و ضلع سومش گروه منافقین داخلی بودند؛ که هر سه ضلع خون بدل پیامبر(ص) کردند. با وجود این مثلث شوم، آیا پیامبر(ص) صحیح بود که امت اسلامی و آیین اسلام را که دشمن آنرا از هر سوء تهدید می کرد بدون رهبر و بحال خود رها سازد. پیامبر(ص) در زندگی اسلامی خود دقت فراوانی داشتند. ایشان روش "تنصیص" را برگزیده نه روش "انتخاب مردمی" را.



## گذری بر احادیث:

أ- **حدیث یوم الدار: (انّ هذا اخی ووصی و خلیفتی منکم)** (مسند احمد ۱/۱۵۹- تاریخ طبری ۲/۴۰۶- تفسیر طبری (جامع البیان ۱۹/۷۴-۷۵)

ب- **حدیث منزلت، " یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی الاّ انّه لا نبی بعدی**

-(صحیح بخاری ۳/۶/۱۳۱۴- صحیح مسلم ۷/۱۲۰- از باب فضل علی- سنن ابن ماجه ۱/۵۵)

ت- **حدیث سفینه-** پیامبر اهل بیت خویش را به کشتی نوح تشبیه می کند که هر کس

بر آن نشست نجات یافت و هرکس از آن تخلف جست غرقه طوفان شد " **الاّ انّ مثل**

**اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح فی قومه من رکبها نجی و من تخلف عنها**

**غرق** (مستدرک حاکم ۳/۳۵۱- الخصائص الکبری ۲/۲۶۶- میزان الاعتدال ۱/۲۲۴- تاریخ الخلفاء ص ۵۷۳-

فتح القدیر ص ۱۱۳ و کتب دیگر...)

ث- **حدیث ثقلین:**

روایات بسیاری از رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) رسیده که مثلاً فرموده اند: برای قرآن ظاهری و باطنی است و برای باطن آن باز باطن دیگری است تا هفت بطن یا هفتاد بطن،....

قرآن تبیان کل شی است. قرآن هدایت مردم و جدا کننده حق از باطل است. قرآن ثقلین است. امامان اهل بیت (ع) که رسول خدا (ص) ایشانرا در حدیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی منصوب برای چنین مقامی کرد. ( **انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا**

**بعدی أبدا ، کتاب الله و عترتی، اهل بیتی ، و انّهما لن یقتربا ، حتی یردا علی**

**الحوض )** من دو چیز گران در شما جانشین می گذارم ، که مادام به آندو تمسک جوئید ابدأ

بعد ارمن گمراه نمی شوید. یکی کتاب الله و یکی عترتم اهل بیتم را، و ایندو از یکدیگر جدا

نمی شوند تا کنار حوض بر من وارد شوند).

ج- **حدیث غدیر:** این حدیث از احادیث متواتر است و راویان حدیث از صحابه و تابعین و

محدثان اسلامی آنرا در هر قرنی به صورت متواتر نقل کرده اند. " **فمن کنت مولاهُ**

**فعلیّ مولاه** " آن کس که من مولای او هستم علی مولای اوست . آنگاه افزود:

**اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وأحب من أحبه و أبغض من أبغضه وانصر**

**من نصره واخذل من خذله وأدر الحق معه حیث دار ألا فلیبلغ، والشاهد الغائب**

پروردگار را دوست بدار آن کس را که علی را دوست می دارد و دشمن بدار آن کس را

که با علی دشمن است و مهربان باش با هر کس که نسبت به علی مهربان است و

خشم آور بر کسی که بر علی خشم آورد و یاری کن آن کس را که علی را یاری کند و

خوار ساز آن کس را که علی را خوار سازد و حق را با او و در مدار او قرار بده . پس

حاضران این مطلب را به غائبان برسانند. (عقاید امامیه - ایت الله سبحانی)

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ  
 الْعَلِيِّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيلَا وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَ  
 جَعَلْتَهُمُ الدَّرَجَةَ [الدَّرَائِعَ] إِلَيْكَ وَ الْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ

، آنان هم آن شرط را از تو پذیرفتند، و تو هم وفا نمودن به آن را از جانب آنان دانستی، پس  
 قبولشان کردی، و مقرّب درگاهشان نمودی، و برای آنان یاد والا، و ثنای روشن پیش آوردی، و  
 فرشتگان را بر آنها فرو فرستادی، و به وحیات اکرامشان فرمودی، و به دانشت به آنان عطا  
 کردی، و ایشان را دست آویز به سویت و وسیله به جانب خشنودیات قرار دادی

**شرح:**

**پیامبر بر چه اساسی جانشین (اولیاء) خود را تعیین کرد؟**

**پاسخ:**

۱. اولیاء الهی تعیین شده از سوی خداوند تعالی هستند نه انتخاب شده از سوی  
 مردم. پس آنچه خداوند تعالی تعیین کرده مورد تأیید رسول خدا (ص) می باشد.  
 پس بر این منوال آنان عهد شکن نبودند و وفای به عهد شیوه ایشان بوده است.  
 آنان با قبول ولایت الهی تا آخرین نفس و آخرین قطره خون از اسلام دفاع می  
 کردند و سعی داشتند حق را بر باطل غلبه دهند.

۲. اولیاء الهی مقام قرب الهی را درک کرده بودند پس پیامبر اسلام این مقام را ارج  
 می نهاد.

۳. اولیاء الهی در محل نزول وحی ، قرآن ، و ثنای جلی پروردگار و نبی او بودند.

۴. اولیاء الهی فیض می بردند و واسطه فیض الهی برای بندگان بودند.

۵. اولیاء الهی واسطه هدایت خلق به توحید و معرفت و هدایت مردم بسوی  
 بهشت رضوان الهی بودند.

فَبَعْضٌ أَسْكَنَتْهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَ بَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ [مَعَ]  
 مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَ بَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا وَ سَأَلْتَكَ لِسَانَ صِدْقٍ  
 فِي الْأَخْرَبِينَ فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا وَ بَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرِهِ تَكْلِيمًا وَ جَعَلْتَ لَهُ  
 مِنْ أَحِبِّهِ رِذَاءًا وَ وَزِيرًا وَ بَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَ آتَيْتَهُ الْبَيْتَاتِ وَ آيَدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَ

كُلُّ [وَ كَلَا] شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ [أَوْصِيَاءَهُ] مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ [مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ] مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِذِيْنِكَ وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَ لِنَلَا يَزُوْلَ الْحَقُّ عَنْ مَعْرِهِ وَ يَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ

، پس بعضی را در بهشت جای دادی، و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی، و از تو درخواست نام نیک، در میان آیندگان کرد، و تو درخواست او را اجابت نمودی، و نامش را بلند آوازه کردی، و با بعضی از میان درخت سخن گفتی، سخن گفتنی خاص، و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی، و بعضی را بدون پدر به وجود آوردی، و دلایل آشکار به او عنایت فرمودی و به روح القدس او را تأیید نمودی، و برای همه آنان شریعت مقرر کردی، و راه را روشن و واضح ساختی، و جانشینانی اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبان، از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپا داشتن دینت، و حجّتی بر بندگان، برای اینکه حق از جایگاهش برداشته نشود، و باطل بر اهل حق پیروز نگردد،

**شرح:**

**احوال اولیای الهی قبل از اسلام چگونه بود؟**

**پاسخ:**

۱. بعضی از اولیای خود را در بهشت اسکان دادی، تا اینکه از بهشت خارجشان کردی.

**فلسفه سکونت آدم در بهشت چیست؟**

منظور اصلی از خلقت آدم این بوده که در زمین سکونت پیدا کند . اما راه زمینی شدن آدم همین بوده که در بهشت منزل گیرد و برتری اش بر ملائکه و لیاقتش برای خلافت اثبات شود. سپس ملائکه مأمور به سجده برای آدم شوند آنگاه در بهشت منزلش دهند و از نزدیکی به آن درخت نهی اش کنند و آدم به تحریک شیطان از آن درخت بخورد و در آخر به زمین هبوط کند.

**علت خروج از بهشت چه بود؟**

سبب بیرون شدن آدم از بهشت و زمینی شدن او، ارتکاب خطا یعنی خوردن از درخت ممنوعه بوده است زیرا با این اشتباه زشتیهای آنها آشکار شد و این بواسطه وسوسه شیطان لعین بود.

**آیا در بهشت به آدم آموزش دادند؟**

آری، آدم می بایست مدتی کوتاه تعلیمات لازم را در محیط بهشت ببیند و بداند زندگی روی زمین توأم با برنامه ها، تکالیف و مسئولیتهایی است که انجام صحیح آنها باعث سعادت، تکامل و بقای نعمت است و سر باز زدن از آنها سبب رنج و ناراحتی است. همچنین باید بداند هر چند او آزاد آفریده شده است، اما این آزادی بطور مطلق و نامحدود نیست که هر چه خواست انجام دهد. ضمناً او باید می آموخت که از پاره ای از اشیاء روی زمین چشم پبوشد بنابراین شاید به دلیل خلقت انسان برای خلافت در زمین، درنگ آدم در بهشت و دریافت دستور العمل هایی خاص، جنبه آموزش و تمرین داشته است.

### **آیا بهشتی که آدم در آن بود، همان بهشت موعود بود؟**

آنچه از آیات قرآن استفاده می شود باغی که آدم در آن مسکن گزید و سکونت داشت، بهشت موعود نبوده است زیرا اولاً: آن بهشت برای پاداش است و آدم هنوز کاری نکرده بود که استحقاق پاداش داشته باشد و در سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۴۲ خداوند متعال می فرماید: " ام حسبتم أن تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذین جاهدوا منکم " آیا می پندارید که به بهشت در آید در حالیکه مجاهدین از میان شما را خداوند معلوم نداشته است. ثانیاً کسی که به بهشت وارد شود، دیگر از آنجا خارج نمی شود. ثالثاً در آن بهشت امر و نهی و ممنوعیت و تکلیف نیست. در حالی که آدم از خوردن درخت نهی شد و بعلاوه در روایات اهل بیت نیز آمده است که بهشت آدم، بهشت موعود نبوده است.

### **مهمترین پیام داستان حضرت ادم چه بود؟**

از این ماجرا این اصل اساسی روشن می شود که در این جهان همواره دو نیروی مختلف حق و باطل در برابر هم قرار دارند و مشغول مبارزه هستند. آن کس که تابع شیطان شود و راه باطل را انتخاب کند، سرانجامش دور شدن از بهشت و سعادت، و گرفتاری در رنج، درد و پشیمانی است.

### **آدم را از کدام باغ خارج کردند؟**

این باغ، بهشت موعود نبوده است. بلکه یکی از باغهای پر نعمت و روح افزای یکی از مناطق سرسبز زمین بود. زیرا: اولاً: بهشت موعود، نعمت جاودانی است که برخی از آیات قرآن به این جاودانگی اشاره فرموده و بیرون رفتن از آن ممکن نیست. ثانیاً: ابلیس آلوده و بی ایمان را در آن بهشت راهی نخواهد بود چه رسد به وسوسه های شیطانی و نافرمانی خدا. ثالثاً: در روایت است که از امام صادق (ع) راجع به بهشت آدم پرسیده شد. ان حضرت فرمود: " باغی

از باغهای دنیا بود که خورشید و ماه بر آن می تابید و اگر بهشت جاودان بود هرگز آدم از آن بیرون رانده نمی شد".

### **منظور از هبوط و نزول آدم چیست؟**

منظور از هبوط و نزول آدم به زمین نزول مقامی است ، نه مکانی. یعنی از مقام خود و از آن بهشت سرسبز پایین آمد و این نزول از بهشت غیر از بهشت موعود است. چرا که بهشت موعود پایان سیر انسان است و این آغاز سیر آدم بود و این مقدمه اعمال و برنامه های اوست و بهشت موعود نتیجه اعمال و برنامه هایش است.

### **مگر گناه آدم چه بود؟**

روشن است که ادم با ان مقامی که خداوند در آیات مختلف برای او بیان فرموده است، مقام والائی از نظر معرفت و تقوی داشت. او نماینده خدا در زمین بود . او معلم فرشتگان بود. او مسجود ملائکه بزرگ خداوند بود. این ادم با این امتیازات مسلماً گناه نمی کند . بعلاوه می دانیم که او پیامبر بود و هر پیامبری معصوم است . لذا سوال مطرح می شود که آنچه از آدم سرزد چه بود؟ در پاسخ می گوئیم:

**اولاً:** آنچه آدم مرتکب شد ، ترک اولی و یا به عبارت دیگر گناه نسبی بود نه گناه مطلق. گناه نسبی آن است که گاهی برخی اعمال مباح و یا حتی مستحب در خور مقام افراد بزرگ نیست، آنها باید از این اعمال چشم پيوشند و به کار مهمتر پردازند و آدم نیز سزاوار بود از آن درخت نخورد ، هرچند برای او ممنوع نبود ، بلکه مکروه بود. گناه مطلق ؛ گناهی است که از هر کس سرزند ، گناه است و در خور مجازات است، مانند شرک.

**ثانیاً:** نهی خداوند در اینجا نهی ارشادی بود . یعنی همانند دستور طیب که می گوید؛ فلان غذا را نخور که بیمار می شوی. خداوند به آدم فرمود "اگر از این درخت ممنوع بخوری از بهشت بیرون خواهی رفت و به درد و رنج خواهی افتاد. بنابراین آدم مخالفت با فرمان الهی نکرد بلکه بی توجهی به نهی ارشادی کرد. امروزه ما به این بلا گرفتار شده ایم.

**ثالثاً:** اساساً بهشت جای تکلیف نبود ، بلکه دورانی بود برای آزمایش و آمادگی آدم برای آمدن در روی زمین و این نهی جنبه آزمایشی داشت.(تفسیر نفیس ج یک - سید محمد رضا طباطبائی نسب)

### **۲- بعضی از اولیای خودت را در کشتی نجات سوار کردی و از طوفان نا بود کننده**

#### **نجات دادی!**

نوح تنها نبود و گروهی صالح را برای ادامه زندگی در دنیا همراهش کردی . آنان را در کشتی قرار دادی تا از هلاکت به رحمت الهی نجات یابند. نوح دو هزار و پانصد سال عمر نمود و پس از ان جبرئیل برایش نازل شد و گفت : یا نوح! خداوند می گوید ایام عمرت به سر آمده و نبوتت منقضی شده است، پس همه اسم بزرگ و مواریث علم و آثار علم پیامبری که پیش توست

به فرزندت سام منتقل کن ، چرا که همانا زمین از حجت هرگز خالی نمی ماند تا همه مردمان بسوی خداوند تعالی دعوت شوند و عارف به امر الهی باشند. برای هر قومی هدایت کننده ای قرار دهم که سعادت‌مندان بوسیله او هدایت یابند و حجت من باشند بر اشقیاء و

**ناپاکان(سوره رعد/آیه ۷)**{کلیّات احادیث قدسی - ترجمه الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه -

شیخ حر عاملی - ترجمه کریم فیضی}

### **۳- بعضی از اولیای خودت را چون ابراهیم خلیل به مقام خُلت خود برگزیدی!**

و نسل او را تا آخرت بعنوان صدیقین نگه داشتی و به مقام بلند در معرفت و توحید خود رساندی. آن فرزند او را که راه ضلالت در پیش گرفت و از توحید دور شد از مقام فرزند ابراهیم خارج کردی و فرمودی: عهد من به ظالمین نمی رسد. ابراهیم(ع) زمانیکه ملکوت آسمان و زمین را دید و به حقایق آن پی برد سه بار سه مرد را در حال زنا نفرین کرد و هر کدام بر اثر نفرین حضرت ابراهیم به هلاکت رسیدند و خداوند فرمود: ای ابراهیم بدرستی که خواست تو در راه من مورد پذیرش و اجابت است اما آنها را نفرین مکن که به درستی که من اگر می خواستم و مشیتم بود آنها را از ابتداء خلق نمی نمودم این در حالی است که به دوستی من بندگان خود را سه گونه آفریده ام ، بنده ای که عبادتم می کند و شریکی برای من قائل نیست پس او را ثواب می دهم . بنده ای که غیر از مرا می پرستد پس اگر مرا ضایع کند من نیز او را ضایع می نمایم. و بنده ای که غیر از مرا می پرستد پس من از نسل او کسی را خارج می کنم که مرا عبادت کند.(همان)

ابن بابویه از حضرت عبد العظیم الحسنی (ره) روایت کرده در معنی آیه " وَاَتَّخِذُ اللَّهُ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا" گفت: شنیدم که حضرت امام علی النقی(ع) فرمود: ابراهیم را خداوند از این جهت خلیل خود گردانید که زیاد صلوات بر محمد و آل او می فرستد. (علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴ ح ۳)

### **۴- بعضی از اولیای خودت سخن گفتی(تکلیما) موسی که هارون برادرش را وزیر وی گردانید.**

امام صادق(ع)فرمودند: خدا به موسی وحی کرد ؛ یا موسی آیا می دانی چرا از میان خلقم تو را نجیب نمودم و برگزیدم تا به تو سخن بگویم؟

موسی گفت ، نه ! ای پروردگارم! فرمود : من بر روی زمین اطلاع حاصل نمودم و کسی را متواضع تر از تو به خودم نیافتم .

پس موسی سر بر سجده نهاد و دو گونه خویش را به خاک مالید از روی تذلل و خاکساری به خداوند والا مرتبه، پس خداوند تعالی برایش وحی فرستاد : یا موسی! سرت را بلند کن و دستانت را بر محافای سجده ات حرکت بده با آنها صورت خود را مسح کن و هر جا را که از بدنت برسد پس بدرستی که آن شفاست از هر بیماری و آفت و ناراحتی(کلیّات احادیث قدسی)

زمانیکه خدا با موسی سخن گفت: "الواح بر او نازل شد" ، موسی به میان بنی اسرائیل برگشت و بر بالای منبر رفت و خبرشان داد که خداوند با او سخن گفته و تورات را برایش نازل کرد . سپس در درون خود گفت: خداوند ، خلقی داناتر از من نیافریده است. ! پس خداوند به جبرئیل پیام داد: موسی را درک کن که به تحقیق هلاک شد. و او را آگاهش کن که همانا در نزد التقاء و بهم پیوستن دو دریا نزد صخره بزرگ ، مردی وجود دارد که عالمتر از توست پس به نزد او برو و از علم او بیاموز . پس جبرئیل بر موسی فرود آمد و آن را برایش خبر داد و حدیث را ذکر کرد. (۷۲/۱۱۱ علی بن ابراهیم بن هاشم و فی تفسیره عن ابی عبدالله (ع)

به گفته شیخ بهائی : تورات مشتمل بر ۵ سفر است:

سفر اول : آغاز خلقت و تاریخ از آدم تا یوسف

سفر دوم: به کار گرفته شدن مصریان توسط بنی اسرائیل و ظهور موسی و به هلاکت رسیدن فرعون و امامت یافتن هارون و نزول کلمات دهگانه.

سفر سوم: راه قربانی کردن را به اجمال یاد می دهد

سفر چهارم: عدد و تقسیم شدن زمین بر آنها و احوال فرستادگانی که موسی آنها را به شام ارسال داشت و اخباری از من و سلوی و غیره

سفر پنجم: احکام و وفات یافتن هارون و خلافت یوشع

**۵- بعضی از اولیای تو مثل عیسی که بدون پدر دنیا آمد و بیّنات و معجزات را عطا فرمودی و او را بوسیله روح القدس یاری کردی. " کلّ شرعت له شریعة و نهجت له منهاجا"**

همه این پیامبران را شریعت و کتابی بود- برای هر یک از این پیامبران اولوالعزم جانشین تعیین کردی که یکی بعد از دیگری حافظ دین و نگهبان آیین و شریعت به گونه ای که اهل حق بر جامانند و اهل باطل از بین بروند.

**وَلَا [لَيْلًا] يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَأَقَمْتَ لَنَا عَلَمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْرَى إِلَيْكَ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَيْ حَبِيبِكَ وَ نَحْبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،**

و احدی نگوید چه می شد اگر برای ما پیامبری بیم‌دهنده می فرستادی، و پرچم هدایت برای ما برپا می نمودی تا بر این اساس از آیات پیروی می کردیم، پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، تا اینکه مقام رسالت و هدایت را به حبیب و برگزیده ات محمد (درود خدا بر او خاندانش) را رساندی،

**شرح:**

**معنای دین در شریعت اسلام چیست؟**

## پاسخ:

دین در شریعت اسلامی به دو معناست:

- ۱- جزاء در قرآن ، مالک یوم الدین، مالک روز جزاء
- ۲- شریعت در بر دارنده معنای اطاعت و تسلیم "ان الله اصطفى لكم دین(بقره ۱۲۳)

### اسلام و مسلمان:

اسلام تسلیم خدا بودن و سر به فرمان شرایع و احکام او داشتن است.

### اسلام در زمان آدم(ع):

تسلیم خدا بودن و سر به فرمان شریعت او داشتن- تسلیم خدا و شریعت نازل بر آدم که آدم حامل شریعت عصر خود بود.

### اسلام در زمان نوح(ع):

تسلیم خدا بودن ، سر به فرمان شریعت او داشتن ، و پیروی از نوح به عنوان پیامبر مرسل خدا، و ایمان به شریعت پیشین آدم.

### اسلام در زمان ابراهیم(ع):

تسلیم خدا بودن ، سر به فرمان شریعت نوح داشتن ، پیروی از ابراهیم بعنوان پیامبر مرسل خدا و ایمان به انبیاء و رسولان پیشین تا آدم (ع) است.

و در زمان موسی و عیسی (ع) نیز اینگونه بود. در زمان خاتم الانبیاء(ص) اسلام همان است که در گذشته بود و حد آن اقرار به زبان یعنی گفتن شهادتین ، اقرار به زبان لازمه اش آن است که هیچ یک از ضروریات دین از عقاید و احکام و نبوت انبیاء پیشین که در قرآن کریم آمده انکار نگردد یعنی آنچه که مورد اتفاق همه مسلمانان است و انرا از اسلام می دانند نباید انکار شود.مانند وجوب نماز و روزه ، حج ، و شناخت حرمتها .....

فَكَانَ كَمَا اُنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِّنْ خَلْقَتُهُ وَ صَفْوَةً مِّنْ اِصْطَفَيْتَهُ وَ اَفْضَلَ مِّنْ اِجْتَبَيْتَهُ وَ اَكْرَمَ مِّنْ اعْتَمَدْتَهُ قَدَمَتَهُ عَلٰى اَنْبِيَائِكَ وَ بَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِّنْ عِبَادِكَ وَ اَوْطَأْتَهُ مَشَارِفَكَ وَ مَعَارِبَكَ وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ [بِه] اِلَى سَمَاوِكَ وَ اَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ اِلَى اِنْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَ حَفَفْتَهُ بِجَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ الْمُسَوِّمِينَ مِّنْ مَّلَائِكِكَ وَ وَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دِيْنَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ



پس بود همانگونه که او را برگزیدی، سرور مخلوقات، و برگزیده برگزیدگانت، و برترین انتخاب شدگانت، و گرامی‌ترین معتمدانت، او را بر پیامبرانت مقدم نمودی، و بر جنّ و انس از بندگانت برانگیختی و مشرقها و مغربها را زیر پایش گذاردی، و براق را برایش مسخّر ساختی، و آن شخصیت بزرگ را به آسمانت بالا بردی، و دانش آنچه بوده، و خواهد بود تا سپری شدن آفرینشت به او سپردی، سپس او را با فرو انداختن هراس در دل دشمن یاری دادی، و به جبرائیل و میکائیل و نشان‌داران از فرشتگان قرار گرفتی، و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید.

**شرح:**

### **صفات مشترک بین پیامبران:**

دعوت به توحید ، تقوا، رفع اختلافها، پیکار ضدّ شرک و جهل و تقلید، انذار و بشیر، عصمت ، ارایه بیّنات ، کتاب و میزان، معجزه، محترم شمردن محرومان ، تبیین وحی، این موارد از جمله صفات عملی آنها به شمار می رود. صفات معنوی . کمالات روحی نیز میان آنها اشتراک‌هایی مثل مخلص بودن ، صابر بودن ، توحید در خشیت ، صادق بودن و امانت داری وجود دارد. آنچه مسلم است اینکه همه پیامبران الهی در مقام و منزلت واحدی نیستند بلکه جایگاههای گوناگونی در پیشگاه الهی دارند.....ولقد فضلنا بعض النبین علی بعض.....(بقره ۲۵۳)

### **پیامبر اسلام بر دیگر انبیاء مقدم است ، چرا؟**

**پاسخ:**

الف- مکتوب بودن نام پیامبر در عهدین (تورات و انجیل) صفات ، علائم، و نشانه ها، دلائل نبوت و حقانیت پیامبر با تعبیرهای مختلف در کتابهای آسمانی پیشین (تورات و انجیل) وجود دارد.  
ب- عالمان اهل کتاب، پیامبر را همچون فرزندان خود می شناسند.....یعرفون کما یعرفون ابناهم....(بقره ۱۴۶)

د-اول مسلمین.....وانا اول المسلمین....(انعام ۱۶۳) خداوند در باره هیچ پیامبری تعبیر "اول المسلمین" ندارد.

### **فیض کاشانی(ره) معتقد است(۱۳۸۷ ه. ق ج ۲-۶۵۴): "إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ أَجَابَ فِی**

المیثاق" حضرت نخستین کسی است که در عالم ذر و گرفتن عهد و میثاق ، لبیک گفته است پس اسلام آن حضرت بر اسلام همه خلائق مقدّم است .

### **علامه طباطبایی (ره) معتقد است: که جمله "أنا أوّل المسلمین" دلالت بر این دارد که**

مقصود از اوّل ، اوّلیت بر حسب درجه است نه اوّلیت بر حسب زمان، زیرا قبل از پیامبر(ص) نیز مسلمانانی بودند به شهادت حکایت قرآن از قول نوح(ع) که فرمود: "وامرت أن أکون من المسلمین(یونس ۷۲) و همچنین از قول ابراهیم (ع) که فرمود: " اذ قال له ربّه اسلم قال اسلمتُ لربّ العالمین"(بقره/۱۳۱)

و نیز از قول او و فرزندش که گفتند:...ربّنا واجعلنا مسلمین لک ..(همان/۱۲۸)

و در باره لوط (ع) که فرمود: "فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين" (الذاريات ۳۶) از ملکه سبا حکایت کرد که گفت: ..واوتينا العلم من قبلها و کتّا مسلمين(النمل/۴۲) البته در صورتی که مقصود اسلام برای خدا باشد و نیز گفت: .....واسلمتُ مع سليمان لله ربّ العالمين (همان ۴۴)

**اعطای کوثر:** کوثر هدایای ویژه است که خداوند از میان انبیاء الهی تنها به پیامبر اسلام (ص) عطا نموده است. "إنا أعطیناک الکوثر" (کوثر/۱)

**وجوب نماز شب:** "یا ایّها المزمّل قم اللیل الاّ قليلا نصفه اونقص منه قليلا" (المزمل/۲/۳) **خاتمیت و شخصیت جهانی رسول اکرم (ص):** از جمله اوصافی است که تنها به پیامبر اکرم (ص) اختصاص دارد. "ما کان محمّد أباً احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین..... (احزاب ۴۰)

**أسوه حسنه:** إنّک لعلی خلق عظیم(القلم/۴) الگو بودن در انسان است. **مّنت بودن بعثت:** اذ بعث منہم رسولا من دنفسہم..... (آل عمران /۱۶۴) گرچه بعثت همه انبیاء مّنت است ولی این ویژگی تنها در خصوص پیامبر خاتم آمده است. **خبر ثقلین:** روایات بسیاری از رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) رسیده که مثلاً فرموده اند: برای قرآن ظاهری و باطنی است و برای باطن آن باز باطن دیگری است تا هفت بطن یا هفتاد بطن،.....

قرآن تبیان کل شی است . قرآن هدایت مردم و جدا کننده حق از باطل است. قرآن ثقلین است. امامان اهل بیت (ع) که رسول خدا (ص) ایشانرا در حدیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی منصوب برای چنین مقامی کرد. ( انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتہم بہما لن تضلوا بعدی أبدا ، کتاب الله و عترتی، اهل بیتی ، و ائہما لن یقترفا ، حتی یردا علی الحوض ) من دو چیز گران در شما جانشین می گذارم ، که مادام به آندو تمسک جوئید ابدأ بعد ارمن گمراه نمی شوید. یکی کتاب الله و یکی عترتم اهل بیتم را، و ایندو از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض بر من وارد شوند). محققان از جمله طریحی صاحب مجمع البحرین ثقل را به اکبر و اصغر تقسیم کرده اند . مراد از ثقل اکبر کتاب الله و مراد از ثقل اصغر عترت رسول (ع) است .

### **امر ازدواج حضرت که با دیگر بندگان خدا متفاوت است.**

دلایل ازدواج حضرت رسول(ص): مبارزه با عقاید باطل جاهلیّت و زنده بگور کردن دختران . آزاد کردن کنیزان- حفظ قبائل و جذب آنها به سمت اسلام و قوانین آن و دوری از شرک و بت پرستی- هدف تربیتی و حمایت از واماندگان و محرومان – هدف سیاسی و تبلیغی اسلام – نجات زن و جلوگیری کردن از غلتیدن در دامن بستکان شرک و کافر- از بین بردن سنت غلط و جاهلی (حرام بودن ازدواج با زن پسر خوانده). ازدواج با زنان بیوه زنانی که همسرانشان در جبهه به شهادت رسیده بودند و سامان دادن آنها و فرزندانشان برای دوری از محرومیتها.

**نصرت و پیروزی برای پیامبر خدا (ص) و رعب و وحشت برای دشمنان اسلام.**

مسخر شدن براق برای حضرت محمد(ص) برای بالا رفتن ایشان به آسمان  
(معراج)-

مدد ویاری جبرئیل و میکائیل و صف آرائی فرشتگان دیگر تا به ثمر رسیدن وعده  
خداوندی اگر چه که مشرکان را خوش نیاید.  
ملت واحده بدون تفرقه در منزلگاه صدق پیامبری بدور از جنجال نفاق که کفران  
نعمت است.

ادامه دعا:

وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ

و این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلش جایش دادی، و قرار دادی برای او و  
ایشان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد،

شرح:

" مَبُوءَ صِدْقٍ " دلالت بر آن دارد که خدا به بنی اسرائیل منزلگاهی داده بود که همه  
منظورهایی که انسان از یک مسکن دارد مثل خوبی آب و هوا و زمین پر برکت و وفور نعمت و  
استقرار و آرامش و چیزهای دیگر در آنجا یافت می شد. این جایگاه نواحی بیت المقدس و  
شام بود که خدا بنی اسرائیل را در آنجا مسکن داد و آن نواحی را سرزمین مقدس و مبارک  
نامید، قرآن داستان ورود بنی اسرائیل را به این سرزمین نقل کرده است.

خداوند می فرماید: نعمت را بر بنی اسرائیل تمام کردیم و در جایگاههای راستین جایگزین  
کردیم و بعد از آنکه مدتی طولانی در اسارت قبطیان و از روزهای پاکیزه محروم بودند به آنان  
روزی پاکیزه دادیم و ملتشان را بصورت ملتی واحد در آوردیم و جمعشان را جمع کردیم . ولی  
آنان کفران نعمت کردند و در کلمه واحده ای که داشتند تفرقه انداختند و در باره حق دچار  
اختلاف شدند و اختلافشان به عذر نادانی نبود بلکه از روی علم اختلاف کردند و خدا در مورد  
حقیقی که در آن اختلاف کردند بینشان حکم کرد. (سوره یونس/ تفسیر المیزان/ علامه طباطبائی)

ادامه دعای ندبه:

وَجَعَلْتَهُ لَهَا وَ لَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ

لَلَّذِي بَنَيْتَهُ مَبَارَكًا وَ هَدَى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا  
وَ قُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد، که در مکه است، خانه بابرکت، و مایه راهنمایی برای جهانیان، در آن خانه نشانه‌های آشکاری است، مقام ابراهیم، و هرکه وارد آن شد، در امان بود، در حق آنان فرمودی: جز این نیست که خدا اراده فرموده، پلیدی را از شما خانواده ببرد، و شما را پاک گرداند، پاک‌کردنی شایسته،.

**شرح:**

### **مکه و اهل بیت علیه السلام:**

ببکه مبارکه: مکه مقدس ترین شهر مسلمانان و زادگاه اسلام و پیامبر اسلام(ص) واقع در شبه جزیره عربستان ، بگه، بلد الحرام ، بلد الامین ، ام القرى از نامهای دیگر آن است.

امام صادق(ع) فرمود: دوست داشتنی ترین زمین نزد خدا ، سرزمین مکه است. نزد خدا خاکی از خاک آن ، نه سنگی از سنگ آن ، نه درختی از درخت آن نه کوهی از کوه های آن و نه آبی از آب آن محبوبتر نیست.(من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۲۸)

### **چگونه "بگه" به "مکه" تغییر یافت؟**

ابوبصیر از قول امام صادق(ع) می فرماید: نام اصلی مکه، بکه بوده زیرا این سرزمین با بکاء و اشک بنیان شده است. این سرزمین در گذر زمان به بت خانه بدل شد و مشرکان برای خدایان دروغین ، مناسک ، سوت زدن(مکاء) ، و کف زدن را برگزار می کردند. به همین اساس بکه به مکه (سرزمین مکاء ) تغییر یافت . وما كان صلاتهم عند البيت الا مكاء و تصدیه فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون (انفال/۳۵)(شیخ صدوق/علل الشرایع)

امام صادق(ع) فرمود: این سرزمین با بکاء و اشک بنیان شده و آدم صفی الله بعد از هبوط در این سرزمین بسیار گریسته است و یکی از بکائین تاریخ، آدم صفی الله بوده است. اینجا سرزمینی است که ابراهیم (ع) بعد از عمری انتظار، خداوند فرزندی به نام اسماعیل (ع) را به اوداد. و ابراهیم(ع) همسر و فرزندش را در آن بیابان خشک و بیحاصل رها کرد. این سه تن ابراهیم(ع) اسماعیل و هاجر در آنجا گریستند. اشک جزئی از فلسفه وجودی این سرزمین است . در مکه ناله های سمیه در شهادت و یاسر و بلال ، ناله های گرسنگان شعب ابیطالب (سه سال محاصره اقتصادی) به گوش رسیده است و هرکس به اینجا می رسد اشکش در می آید.

**ماجرای شعب ابی طالب:**

وقتی قریش نتوانستند یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را از حبشه باز گردانند و دیدند که اسلام به خارج از حجاز هم نفوذ کرده با هم مشورت کردند تا راهی برای تسلیم شدن پیامبر و یارانش پیدا کنند. لذا قرار شد عهدنامه ای امضاء کنند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و یاران و خاندانش را در محاصره قرار دهند. بدین ترتیب که احدی حق نداشته باشد با آنان رفت و آمد کند. قریش این عهد نامه را در صندوقچه ای درون کعبه گذاشتند.

از آن پس ناگزیر پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در بیرون مکه در درّه ای بنام «شعب ابی طالب» به سر می بردند، و زندگی آنان در کمال سختی و ناراحتی می گذشت، و با وجود این هرچه دشمن به پیامبر پیشنهاد می داد که از دعوت خود دست بردارد تا او را آزاد کنند، او نمی پذیرفت و تسلیم آنان نمی شد. آن همه فشارها و سختی ها که بر او و امت او گذشت و حتی گرسنگی و محرومیت و خطر دشمنان، او را از پای در نیاورد. او همچنان به آینده انسانها و نجات ملت ها می اندیشید و به یاران خود نوید پیروزی می داد.

تا اینکه سه سال از این ماجرا گذشت و پیامبر از جانب خداوند آگاه شد که موریانه، عهدنامه قریش را خورده و جزء نام خدا از آن چیزی نمانده است. ابوطالب این مطلب را در جمع قریش اعلام کرد و آنان قول دادند که اگر گفتار پیامبر راست باشد، دست از محاصره بردارند. سپس به درون کعبه رفتند، دیدند که سخن پیامبر درست بوده و عهدنامه از بین رفته است. ناگزیر پیامبر و یارانش را آزاد کردند تا به مکه بازگردند.

### **فضیلت آیه تطهیر در دعای ندبه:**

در دعای ندبه یک کار بزرگی بصورت دعا وارد شده است، و آن معرفی وصی پیامبر(ص) است. وصی از طرف خداوند بعد از پیامبران اولوالعزم یک امر حتمی بود. از حضرت آدم تا خاتم هر یک از پیامبران اولوالعزم وصی و جانشینی از سوی خداوند تعیین گردیده بود. بخاطر اینکه باطل بر اهل حقّ چیره نشود و دیگر عذری برای بنده نمی ماند که چرا پیامبر و فرستادهای از سوی تونیامد و راهنمای هشدار دهنده ای نرسید تا آیات تو را پیروی کنیم.

اصولا اراده الهی گاهی معنای تکوینی دارد و گاهی تشریحی و اراده پروردگار در سه رویکرد در آیه تطهیر است.

رویکرد اول مفهوم اراده الهی را صرفاً تشریحی می شمرد که نتیجه آن این است که تعلق اراده الهی به اذهاب رجس - تطهیر اهل بیت در آیه از باب تعلق اراده و خواست الهی به انجام تکالیف شرعی توسط عموم مکلفان و بالتبع نایل شدن به ثمرات و نتایج آن می باشد. (که این مسئله زنان پیامبر(ص) را که اهل سنت عقیده دارد خارج می کند.)

رویگرد دوم: اراده الهی به نوعی تکوینی و حقیقی می شمارد که هر چند ما رویگرد اول را فی الواقع بهمان خطابات تعلق یافته و ثمره مذکور در آیه را هم مشروط بهمان خطابات تلقی می کند اما با توجه به انتساب اراده به خداوند هستی بخش تحقق آنرا در ضمن تحقق شرط مزبور قطعی می داند در نتیجه فضل و منقبتی ویژه را برای اهل بیت نه به معنای خاص آن نتیجه می گیرد.

رویگرد سوم: به صراحت از تکوینی بودن اراده الهی در آیه سخن می گوید و بدون آن که آیه را در مقام تعلیل خطابات زمان پیامبر بداند. تخلف ناپذیر بودن اراده الهی و غایت خاص خداوند را در حق اهل بیت (ع) به معنای اصحاب کسائی نتیجه می گیرد. در نتیجه؛ خداوند می خواهد انواع پلیدیها و هیبتهای خبیثه و رذیله از نفس انسانی بیرون رود. و اعتقاد و عمل به حق باشد. و چنین طریقی با عصمت الهیه منطبق شود. پس صورت علمیه ای در نفس بوجود می آید که انسان را از هر باطلی چه عقاید و چه اعمال حفظ می کند. پس آیه شریفه یکی از ادله عصمت اهل بیت (ع) است. و اعتقاد به حق که زمینه آن بیت الحرام است و بدور از ناپاکی، محلّ فرود انبیاء و ابراهیم خلیل که در پناه خدا فرزند و همسر را در یک آزمایش بزرگی معرفتی در جهت اثبات فطرت پاک توحیدی رها ساخت.

نفس کشیدن در سرزمین الهی کنار مقام ابراهیم حاکی از آیات و نشانه های پایدار و مقاوم توحیدی و نبوتی، محلّ امن الهی که هیچ رذیله ای بر آن فرود نمی آید. محلّ تولد اولین امام مسلمین؛ اولین امام شیعیان علی ابن بیطالب(ع)/ وصی پیامبر/ و محلّ فرود عصمت و معرفی اهل بیت پیامبر (ص) که رجس و پلیدی به آن راه ندارد تا نقطه قیام حق علیه باطل، پیروزی حق بر باطل است.

آیه تطهیر فضیلت مهمّ برای خاندان پیامبر را دارد. معاندان و حسودان و مخالفان اهل بیت (ع) تلاش بسیار کرده اند که آنرا از اعتبار بیندازند و بحثهای زیادی کرده اند که مقصود از اهل بیت زنان پیغمبر است که اینچنین نیست بخاطر کاربرد ضمیر جمع مذکر(کم) در آیه - پس در موارد متعددی برای بیان فضیلت اصحاب کساء و خاندان پیامبر(ص) به این آیه احتجاج و استدلال شده است.

#### ادامه دعای ندبه:

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَ قُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبِّهِ سَبِيلًا فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ ،

و الْمَسْلَكِ إِلَى رِضْوَانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيَا-

سپس پاداش محمد را در قرآنت مودت اهل بیت او قرار دادی، و فرمودی بگو من از شما برای رسالت پاداشی جز مودت نزدیکانم نمی‌خواهم، و فرمودی: آنچه به عنوان پاداش از شما خواستم، آن هم به سود شماست، و فرمودی: من از شما برای رسالت پاداشی نمی‌خواهم، جز کسی که بخواهد، راهی به جانب پروردگارش بگیرد، پس آنان راه به سوی تو بودند، و راه به حریم خشنودی‌ات، انگاه که روزگار آن حضرت سپری شد، نماینده‌اش علی بن ابیطالب (درود تو بر آن دو و خاندانشان باد)، برای راهنمایی برگماشت

**شرح:**

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ "با نزول این آیه ؛ (شوری/۱۲۲) منافقین به وحشت افتادند و برآشفتنند و گفتند: خدا این آیه را نازل نکرد مگر آنکه پسر عموی پیامبر، علی(ع) را تقویت نمود و اهل بیت او را تحمیل به ما کرد . پیامبر(ص) دیروز گفت: " من کنتُ مولاه فعلی مولاه " آن کس که من پیشوای اویم بعد از من علی پیشوای اوست، امروز هم می گوید" لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة فى القربى " (تفسیر نور الثقلین ج۴ص ۵۷۳)

علامه حلی در نهج الحق در عنوان " آیه المودة" می گوید: این چهارمین آیه است که دال بر امامت حضرت علی(ع) دارد. با نزول این آیه در صحیحین از قول ابن عباس می نویسند: ...گفتند : ای رسول خدا خویشانی که مودتشان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن، حسین، ووجوب مودت مستلزم وجوب اطاعت است، که این وجوب اطاعت غیر قابل انکار است.

منظور از مودت بقربا مودت به سبب قرابت است ، لکن مراد به آن مودت پیغمبر است نه مودت قریش که بعضی دیگر گفته اند. مودت به قربا عبارتست از مودت بخدا از راه تقرّب جستن به او بوسیله اطاعت و معنای آیه این است که من از شما اجری نمی خواهم مگر همین را که بوسیله تقرّب جستن بخدا با او مودت کنید.

مردم زمان جاهلیت با بت پرستی تودد ایجاد کردند نه مودت یعنی با پرستش بتها می خواستند بخدا تقرّب جویند دلی این تقرّب نیست ، تقرّب اینست که فقط خدا را بپرستید و بین خود و خدا مودت ایجاد کرده "مودت قربا" بین خدا و آنهایی را که خدا دوست دارد و آن جزء عترت نیست و پیامبر (ص) اجر عملش را مودت در قربا می دانست که آن دوستی خویشاوندان رسول که همان عترت او از اهل بیتش باشند.

در کافی به سند عبدالله بن عجلان از امام جعفر (ع) روایت آورده که در تفسیر " قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی" فرمود ، منظور از قربی اهل بیت(ع) است. مضمون این روایت در اخبار بسیار زیادی هم از طریق شیعه و هم از طریق اهل سنت روایت شده است.

### ادامه دعای ندبه:

إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَ الْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ  
اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَآلَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ قَالَ مَنْ  
كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيَ أَمِيرُهُ وَ قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرِهِ وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرِ  
شَتَّى

چرا که او بیم‌دهنده، و برای هر قومی راهنما بود، پس درحالی که انبوهی از مردم در برابرش بودند فرمود: هر که من سرپرست او بودم، پس علی سرپرست اوست، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد، و دشمن بدار کسی را که دشمن علی است، و یاری کن هر که او را یاری کند، و خوار کن هر که او را وا گذارد، و فرمود: هر که من پیامبرش بودم، پس علی فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از یک درخت هستیم، و سایر مردم از درختهای گوناگونند،

### شرح:

حُبَّ عَلِيٍّ عِبَادَتُهُ" (موسوعه الامام علی بن ابیطالب ج ۱۱ ص ۱۷۹ تا ۲۳۷)  
من أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ" (همان-۱۸۷)  
دوستدار او دوستدار پیامبر است و دوستدار پیامبر دوستدار خداست.

**حُبَّ عَلِيٍّ (ع) موهبتی الهی است.**

**آیه هدایت: إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.** (رعد/۷) ای پیامبر(ص) ؛ تو تنها بیم‌دهنده ای و هر قومی را هدایتگری است.

**پیامبر(ص) بعد از نزول این آیه فرمود: أَنَا الْمُنذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي. يَا عَلِيُّ !  
بک بهتدی المهدون** (مجمع البیان ج ۳ ص ۲۷۸)

من منذر و علی هادی است . ای علی ، هدایت یافتگان به سبب تو، راه هدایت را می یابند. در آیات و روایات ائمه (ع) هدایتگران جامعه معرفی شده اند.

امام صادق(ع) فرمود: هر امامی هادی مردم قرنی است که در میان آنان به سد می برد و برای هر زمانی از میان ما هادی وجود دارد که مردم را به دین پیامبر خدا هدایت می کند. پس از پیامبر ، هدایتگران علی(ع) و یکایک اوصیای پس از اویند (الدر المنثور ج ۶ ص ۷).



حدیث ولایت با تعابیر مختلف بیان شده است . حضرت علی(ع) به عنوان ولی مؤمنین پس از پیامبر (ص) و برخوردار از اطاعت واجب و اینکه ولایت او ولایت پیامبر است و تصدیق به ولایت او تصدیق ولایت رسول است و شرط درستی ایمان به خدا پذیرش ولایت علوی است. حدیث ولایت به تواتر در کتب شیعه و اهل سنت از اصحاب و تابعین بسیاری نقل شده و جای هیچ انکاری نیست . در روز عید غدیر در بازگشت از حجة الوداع بود که رسول خدا در جمع انبوه مسلمانان پس از ایراد خطبه ای مفصل فرمود " من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه " (اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۴-۲۹۵)

هر کس که من مولا بودم علی مولاى اوست خداوندا هر که با او دوستی کند دوستش بدار و هر که با او دشمنی کند دشمنش بدار.(فرهنگ غدیر- جواد محدثی)

**غدیر تداوم خط رسالت در آینه امامت است. پس عاشورا با امامت پیوند دارد و غدیر با کربلا پیوسته است اگر امت "غدیر ها" را پاس بدارد "عاشورا" های مظلومیت و کربلاهای خون و شهادت پیش نمی آید . امت بی امام ، امت بی چوپان است و گله بی شبان ، راه بی شبان بی علامت و شب بی چراغ است.**  
**اللهم وال من والاه-**

از حضرت امام رضا(ع) روایت شده ؛ که او از پدران بزرگوارش از رسول خدا(ص) نقل می کند: محبت بین دونفر هنگامی شکل می گیرد که از طرف آن دیگری نفع و سودی به او رسد و یا ضرر و زیانی از او برداشته باشد که آن بصورت احسان جلوه گر می شود خواه مادی و یا معنوی و آن وقت مصداق "انّ الانسان عبید الاحسان" تحقق می یابد. چون انسان نیازمند و سعادت خواه است و وقتی که ادراک کند سعادت و آخرت او از طرف خالق و پروردگار جهان تأمین می شود و محبتی از او در دلش پیدا خواهد شد، و لازمه این محبت فرمان بردن و پیروی کردن از او است. (بحار الانوار ج ۹ ص ۲۰۲)

در سوره آل عمران آیه ۳- قل إن كنتم تحبون الله فاتّبعونی يحبكم الله - کسی که ادعای دوستی خدا را می کند باید از رسول خدا(ص) پیروی کند تا خداوند هم نسبت به او علاقمند گردد. این دوستی و دشمنی که حضرات معصومین می فرمایند اختصاص به مردم زمان خود ندارد بلکه شامل همه مردم در هر دوره و عصری تا روز قیامت خواهد

بود(بحار الانوار ج ۹ ص ۲۰۳) از امام رضا (ع) روایت شده ؛ که پیامبر خدا(ص) در باره علی(ع) فرمود: خدایا دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار و پست گردان هر که او را تنها گذارد.

در تفسیر برهان ذیل آیه " أن يدعون من دونه الا إناثا و إن يدعون الا شیطانا مریدا" (نساء آیه ۱۱۷) روایت شده که مردی خدمت امام ششم رسید و گفت "السلام عليك یا

امیرالمؤمنین" حضرت با شنیدن این سخن از جا برخاست و گفت: ساکت شو ، این سخن را مگو این اسم برای احدی غیر از المؤمنین علی(ع) صلاحیت ندارد که خدا او را فقط به این نام

اختصاص داده و هر کس به این اسم نامیده شود و بدان راضی باشد منکوحه خواهد بود و اگر چه هم راضی باشد. آنگاه راوی سوال کرد: پس نام شما به چه اسمی خوانده می شود؟ امام فرمود: "السلام علیک یا بقیة الله یابن رسول الله".

در "بحار الانوار" ج ۹ ص ۲۴۶- آمده: رسول خدا فرمود: در شب معراج خداوند به من فرمود: من برای تو علی را انتخاب کردم و تو او را به وصایت و جانشینی خود بپذیر. من از علم و حلم خود بر وی عطا کردم. و او حقاً امیرالمؤمنین است که احدی از گذشتگان و آیندگان به این مقام نرسد.

**أنا و علی من شجرة واحد و سائر الناس من شجر شتی".** من و علی از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای گوناگون و مختلف اند.

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده: از رسول خدا(ص) که به علی (ع) فرمود: مردم از درختهای مختلف و متفرقند و من و تو از یک درختیم پس این آیه تلاوت شد: "و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد(رعد/۴)

در تفسیر منهج الصادقین از ابو هارون نقل شده که گوید؛ از ابوسعید خدری خواستم که تو از حال علی(ع) و آنچه از فضائل اوست بمن خبر دهد و آگاهم کند؟ جواب داد: ای ابا هارون بدان و آگاه باش که من از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: مردم از درختهای مختلف اند و من و علی از یم درختم، و من اصل آن درختم و علی بن ابیطالب(ع) فرع آن درخت، خوشا به حال کسی که به اصل آن تمسک کند و از میوه های آن بهره مند گردد.

در تفسیر برهان ذیل آیه مبارکه " ألم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه کسجیة طیبه" می فرماید: مگر ندیدی خدا چگونه مثلی زد که سخن نیک چون درخت پاکیزه است که رسول خدا(ص) فرمودند: من اصل آن هستم و علی (ع) فرع آن و امامان از نسل او شاخه های آن و علم ائمه (ع) میوه های آن- شیعیانشان برگهایش هستند. فائده تمثیل درخت(شجره) برای آن است که انسان از تمام اجزای درخت بهره مندی خاصی می شود هم از میوه و هم از برگ و هم از شاخه، بعلاوه از سایه آن نیز متنفع شوند و مردم در هر دوره و زمان از پیغمبر و اهل بیت(ع) او از نظر عقاید و اخلاق و رفتار و گفتارشان حتی مجاورت با ایشان متنفع می شوند. ادامه دعا:

**وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِئِي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ زَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**

و جایگاه او را نسبت به خود همچون جایگاه هارون به موسی قرار داد، و به او فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسایی، جز اینکه پس از من پیامبر نیست، و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد.

**شرح:**

**حدیث منزلت:** یکی از فضیلت‌های بلند و مناقب بزرگ علی(ع) است. این حدیث بطور متواتر که عالمان شیعه و محدثان بزرگ اهل سنت آنرا نقل کرده اند. حَسْكَانِي در مورد سند این حدیث نوشته اند: استاد ما " ابو حازم حافظ" در باره حدیث منزلت می گفت: آنرا با پنج هزار سند نقل کرده ام. (شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۹۵)

از نظر مضمون حدیث نیز می بینیم که همه آنچه هارون در عصر موسی داشته است بجز نبوت برای علی(ع) قرار داده شده است. "أخلفني في قومي وأصلح و لا تتبع سبيل المفسدين(اعراف-۱۴۲) جانشین من در میان قومم باش و اصلاح کن و از راه مفسدان پیروی مکن" (الکافی- ج ۸ ص ۲۶ ح ۴)

پیامبر (ص) در مجلس انبوه از مهاجر و انصار فرمود: " ای مردم ! علی برای من به منزله هارون برای موسی است جز آن که پیامبری پس از من نیست."

ابو هارون عبدی گفت: از جابر بن عبدالله انصاری پرسیدم: معنای گفته پیامبر(ص) به علی(ع) که تو برای من به منزله هارون برای موسی (ع) هستی ، جز آنکه پیامبری پس از من نیست، چیست؟

گفت: بخدا سوگند با آن گفته او را جانشین خود بر امتش کرد در حیات و پس از وفاتش ؛ و طاعتش را بر آنان واجب ساخت پس هر کس پس از این گفته به خلافت او گواهی ندهد از ستمکاران است.(معانی الاخبار ص ۷۴ ح ۱)

**وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا**

، و از مسجدش برای او حلال کرد، آنچه را برای خودش حلال بود، و همه درهایی را که به مسجد باز می شد بست مگر در خانه او را، آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد، و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است، پس هر که اراده شهر علم و حکمت کند، باید از در آن وارد شود.

#### **شرح:**

پس از بنای مسجد مدینه و انتقال پیامبر خدا (ص) از خانه ابوتراب به خانه خود که در کنار مسجد ساخته شده بود ، کسانی چون علی(ع) عمر و ابوبکر ، عباس ، حمزه نیز در خانه های خود مستقر شدند و از راه مسجد رفت و آمد می کردند و این برای پیامبر خدا نیز ایجاد مزاحمت داشت. حضرت دستور داد همه درهایی که از راه خانه ها به مسجد باز شده بود بسته شود و از راه دیگری رفت و آمد کنند و برای نماز از در مسجد وارد شوند. مگر در خانه علی(ع).

این سخن بر عده ای گران آمد و حرفهایی زدند . حضرت سخنانی کرد و فرمود : " بستن و باز گذاشتن به امر خدا بوده و من امر او را اجرا کردم."

از عبدالله بن عمر روایت شده است: به علی سه منقبت عطا شد که اگر یکی از آنها برای من بود نزد من محبوبتر از شتران سرخ مو بود: ۱- پیامبر (ص) فاطمه را به ازدواج علی(ع) در آورد که حاصل این ازدواج حسن و حسین (ع) بود ۲- روز خیبر پرچم را به دست کسی داد که خدا ورسولش را دوست دارد و خدا و رسول او را دوست دارند. ۳- درهای همه مردم به سوی مسجد پیامبر(ص) بسته شد جز در خانه علی(ع) {احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۲۶} این قضیه ، مزینتی و فضیلتی برای حضرت علی(ع) به شمار می رود که احادیث آن بسیار است. و متن یکی از این احادیث "إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ (ع) " و یا به همین صورت در دعای ندبه که اشاره به نوعی حق ولایت است که حق او مثل پیامبر خدا(ص) در مسجد است (خصایص امام علی(ع) - موسوعه الامام علی ابن ابیطالب ج ۹/ص ۳۹۸) (الغدیر ج ۳ ص ۲۰۲)

پیامبر(ص) فرمود: أنا مدينة الجنة و علی بابها فمن أراد الجنة فليأتها من بابها (المناقب ابن مغازلی ص ۸۶ ج ۱۲۷) من شهر بهشتم و علی دروازه آن است آنکه بهشت را قصد کرده ، باید از دروازه آن وارد شود.

ادامه دعا:

ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمِكَ مِنْ دَمِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حَرْبِكَ حَرْبِي وَ الْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لِحَمِّكَ وَ دَمِكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ أَنْتَ عَدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَ تُنَجِّزُ عِدَاتِي وَ شِيعَتُكَ عَلَيَّ مَنَابِرَ مِنْ نَوْرِ مُبَيَّضَةٍ وَ حَوْضُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ حِيرَانِي

سپس گفت: تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشتت از گوشت من، و خونت از خون من، و آشتی با تو، آشتی با من، و جنگ با تو، جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده، چنانکه با گوشت و خون من درآمیخته و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی، و تو قرضم را می پردازی، و به وعده های من وفا می کنی، و شیعیان تو بر منبرهایی از نوردند، درحالی که رویشان سپید، و در بهشت پیرامون من، و همسایگان منند،

شرح:

گوشت تو گوشت بدن من و خون تو خون من است و صلح با تو صلح با من و جنگ با تو جنگ با من است و ایمان چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده انسان که با گوشت و خون من در آمیخته و تو فردا (قیامت) جانشین من بر حوض (کوثر) خواهی بود. و تو دین مرا ادا می کنی و وعده های مرا روا می سازی و شیعیان تو بر منبرهائی از نورند در حالیکه چهره هایشان سفید و درخشان است اطراف من در بهشتند و آنان همسایگان منند.

رسول گرامی اسلام (ص) به علی(ع) فرمود: أنت وارثی ، تقضی دینی ، تُنجز عداتی، و تقتل علی سنتی(المناقب ابن مغزلی ص ۲۶۱ج ۳۰۹)

### **ادا کردن دین علی و وعده های رسول خدا را شرح دهید؟**

**پاسخ:**

در کفایة الخصام باب ۴۴۲ ص ۶۴۰۰- سه حدیث نقل شده در مورد ادا کردن دین و وعده های رسول خدا(ص): که در حدیث اوّل آمده: که علی(ع) پس از وفات رسول خدا(ص) به منادی دستور داد که در مسجد رسول خدا ندا کند تا مردم متوجه شوند. هر کس از رسول خدا(ص) طلبی دارد و یا وعده ای رسول خدا(ص) به او داده است و انجام نشده به نزد علی(ع) آید تا آنرا بپردازد تا وعده پیغمبر را انجام دهد.

### **پیام رسول خدا(ص) برای شیعیان علی(ع) چیست؟**

**پاسخ:**

روایتی از جابر بن عبدالله انصاری که نقل شده: رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: شیعیان تو بر منبرهائی از نورند و چهره هایشان سفید و نورانی در اطراف من می باشد، شفاعت آنان را می کنم و فردای قیامت در بهشت همسایگان من هستند(بحار الانوار ج ۱۵ ص ۱۲۸)

### **رستگاران در روز قیامت چه کسانی هستند؟**

**پاسخ:**

از ابن عباس روایت است که رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: "یا علی شیعتک هم الفائزون یوم القیامة" یا علی شیعه و پیروان تو روز قیامت رستگارانند.(همان ص ۱۰۴)

**رسول الله(ص) فرمود: یا علی، أنت وصیّی(امالی، شیخ صدوق ص ۱۰۱ج ۷۷)**

در کتاب ینابیع المودة ص ۵۵۵؛ از ابن عباس نقل شده است : رسول خدا(ص) به ام سلمه فرمود: ای ام سلمه ، علی از من است و من از علی-گوشت او از گوشت من و خون او از خون من است و او نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی است . و در همان صفحه فرموده: دوست تو دوست من ، دوست من دوست خدا است و دشمن علی دشمن خداست.

در صفحه ۵۲۳ ینابیع نقل شده : هر کس تو را بکشد مرا کشته ، و هرکس با تو دشمنی کند و کینه ورزد با من دشمنی کرده و کینه ورزد و هرکس تو را دشنام دهد مرا دشنام داده ، چون تو نسبت به من همچون خود منی و روح تو از روح من است؛ و طینت تو از طینت من است و خداوند تبارک و تعالی من و تو را از نور خویش آفریده و من و تو را برگزیده . مرا برای نبوت انتخاب کرده و تورا برای امامت پس کسی که امامت تو را انکار کند نبوت مرا انکار کرده ؛ این گونه تعبیرات از نفس و لحم و دم که رسول خدا(ص) فرموده برای اتحاد و یگانگی آنان است و باید دانست که علی(ع) مماثل و مشابه رسول خدا (ص) است.

در علم و عصمت و طهارت ، کرم، شجاعت و زهد، عبادت، و پیشوا بودن، واجب الاطاعه بودن که می توان در این مورد به آیه مباهله هم اشاره نمود. در کتاب کفایة الخصام ص ۶۱۳۳، چهارده حدیث از عامه نقل شده و در باره رسوخ ایمان امیرالمؤمنین و قوّت و شدّت یقین آن حضرت که عمر از قول رسول خدا(ص) نقل می کند:" اگر همه آسمانها و زمین را در یک کفه ترازو گذارند و ایمان علی را در کفه دیگر ایمان علی بر آنها برتری دارد. در روایات شیعه است که علی(ع) فرمود: کو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً "یعنی اگر حجاب (پرده) برداشته شود چیزی بر یقین من افزوده نخواهد شد.

### حوض در روایات را معنی کنید؟

#### پاسخ:

در وصف حوض و ساقی آن روایت شده که امام جعفر صادق (ع) می فرماید: حوض نهری است در بهشت که خداوند آنرا به پیغمبر خود بجای پسرش به او عطا فرموده است.(بحارالانوار ج ۳ ص ۲۹۴)

حضرت رسول(ص) فرمود: علیّ يوم القيامة على الحوض لا يدخل الجنة الا من جاء بجواز من علی ابن ابیطالب (المناقب ابن مغزلی ص ۱۱۹ ح ۱۵۶) روز قیامت ، علی بر حوض است هیچ کس وارد بهشت نمی شود مگر با گواهی از علی ابن ابیطالب(ع).

کوثر دارای دو مصداق یکی دنیایی (فاطمه زهرا علیها السلام) و دیگری اُخروی (حوض کوثر) است. با توجه به روایات؛ حوض کوثر، منبع آبی گوارا در بهشت است که بسیار وسیع بوده و بهشتیان پس از پشت سر نهادن سكرات حشر و موافق قیامت و بلافاصله پس از ورود به بهشت بر آن وارد می‌شوند و کام عطشان خویش را از آن سیراب می‌نمایند. از این حوض، دو نهر جاری گشته و در بهشت جریان می‌یابد و منبع آن پایه عرش الهی است. حوض کوثر، حوض مخصوص نبی اکرم(ص) است و ساقی آن امام علی و دیگر امامان معصوم (ع) می‌باشند و سایر انبیا نیز برای پیروان خود حوض مخصوصی دارند، ولی به وسعت و برکت حوض پیامبر اسلام(ص) نیستند.

برای واژه «کوثر» که در سوره مبارکه کوثر آمده است، در تفاسیر شیعه و سنی معانی بسیاری ذکر شده است که جملگی، از مصادیق همین خیر کثیر می‌باشند؛ مصادیقی چون:

۱. حوض و نهر کوثر، ۲. مقام شفاعت کبری در روز قیامت، ۳. نبوت، ۴. حکمت و علم، ۵. قرآن، ۶. کثرت اصحاب و پیروان، ۷. کثرت معجزات، ۸. کثرت علم و عمل، ۹. توحید و ابعاد آن، بی‌تردید این ۱۰ نعمت‌های خدا به پیامبر(ص) در دنیا و آخرت، ۱۱. نسل کثیر و ذریایشان فراوانی ذریه و باقی ماندن نسل پیامبر اکرم(ص) از وجود مبارک دختر والای ایشان.

از ابن عباس روایت شده: هنگامی که سوره کوثر بر رسول خدا(ص) نازل شد، امام علی (ع) به ایشان گفت: "یا رسول خدا، کوثر چیست؟"

پیامبر (ص) فرمود: نهری است که خداوند با اعطای آن به من، مرا گرامی داشته است.

علی (ع) فرمود: آنرا برای ما توصیف فرما.

پیامبر فرمود: کوثر نهری است که زیر عرش الهی جاری است. آبش سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل گیاهش زعفران، رنگش مرجان یاقوت و زبرجد و خاکش مشک بوست. آنگاه رسول خدا فرمود: ای علی، این نهر برای تو و محبان تو پس از من است. رسول خدا(ص) در حدیثی دیگر فرمود: هر کس قطره ای از حوض کوثر بنوشد هیچگاه تشنه نخواهد شد. امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود: "من به همراه عترت و خاندانم در کنار حوض کوثر با رسول خدا هستم. هر کس می‌خواهد با ما باشد باید گفتار ما را فرا گیرد و به روش ما عمل کند." علامه مجلسی در جلد هشتم بحار الانوار، فصل مستقل و مفصلی به کوثر اختصاص داده و به ویژگی‌های حوض کوثر و ساقی و صاحب آن پرداخته است. (بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۶ - ۲۹)

**شیعه واقعی کیست؟**

## پاسخ:

شیعه واقعی حلال خدا حلال و حرام خدا را حرام می داند. شیعه واقعی صادق در گفتار و عمل است. شیعه واقعی رنگش رنگ خدایی است و عملش مطابق دستورات قرآن و عترت است. شیعه واقعی حرکتش زیبا و فعلش در جهت امر به معروف و نهی از منکر الهی است. روایت شده که امام سجاد(ع) فرمود: "ما به پیغمبرمان پناهنده هستیم و شیعیان ما هم بما" (بحار الانوار ج ۱۵ باب الصفح عن الشیعه)

## شیعه در تاریخ:

تاریخ جریان انحرافی نسبت به رهبری و امامت جامعه داشت. مظلومیت شیعه در سقیفه رقم خورد، آنجا که حق امیرالمؤمنین نادیده و یا غصب شد. سلطه امویان بر مقدرات امت اسلامی زمینه ساز احیای جاهلیت گشت. و شهادت امامان علی(ع) و حسنین(ع) در همان نیم قرن اول پس از پیامبر، عمق این مظلومیت را می رساند. حکومت تاریک هزار ماهه بنی امیه، لطمه های جبران ناپذیری به اسلام و مسلمانان و مکتب اهل بیت وارد ساخت. بعد از بنی امیه و ظلم و ستم آنان به مردم، بنی عباس به نام اهل بیت خلافت را ربودند. آنان در آغاز کار به علویین روی خوش نشان می دادند و برای خشنودی علویین، بنی امیه را قتل عام کردند و قبور خلفای بنی امیه را شکافتند و هرچه در آن یافتند آتش زدند ولی دیری نپایید که شیوه ظالمانه بنی امیه را پیش گرفتند و از بی بند باری هیچگونه فرو گذاری نکردند.

## شیعه در قرن سوم هجری:

با شروع قرن سوم، شیعه نفس تازه ای کشید و با ترجمه علوم فلسفی و علمی از زبان یونانی و سریانی به زبان عربی، مردم به تعلیم علوم عقلی و استدلالی هجوم آوردند. مأمون خلیفه عباسی (۱۹۵-۲۱۸) معتزلی مذهب به استدلال عقلی در مذهب علاقمند بود؛ و با ولایت عهدی امام هشتم(ع) مردم تا اندازه ای از تعرض دولتمداران مصون بوده ولی باز دیری نگذشت که دم برنده شمشیر به سوی شیعه برگشت خاصه در زمان متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷) که مخصوصاً با علی و شیعیان وی دشمنی خاص داشت که به امر وی بود که مزار امام سوم شیعیان را در کربلا با خاک یکسان کردند.

## شیعه در قرن چهارم هجری:

برای نیرومند شدن شیعه در این قرن عواملی بوجود آمد از آن جمله خلافت بنی عباس و ظهور پادشاهان آل بویه بود. پادشاهان آل بویه شیعه بودند و کمال نفوذ را در مرکز خلافت که بغداد



بود و نیز در خود خلیفه داشتند، پس میدان تبلیغ مذهب در برابر مدعیان مذهبی فراهم شد، بسیار اتفاق می افتاد که در شهر های بزرگ مانند بغداد و بصره و نیشابور کشمکش و زدو خورد میان شیعه و سنی در می گرفت که در بعضی از این درگیریها شیعه غلبه می کرد.

### **شیعه در قرن ۵ تا نهم هجری:**

این دوره ادامه دوره در قرن چهارم بود . ترویج تشیع - در اواخر قرن ۵ هجری - دعوت اسماعیلیه در قلاع "آلموت" ریشه انداخت و اسماعیلیه نزدیک به یک قرن و نیم در وسط ایران در حال استقلال کامل می زیست. سادات مرعشی در مازندران سالهای متمادی سلطنت کردند . شاه خدابنده از پادشاهان مغول ، مذهب شیعه را انتخاب کرد و سالیان دراز از پادشاهان مغول در ایران سلطنت کردند و تشیع را ترویج دادند و حکومت فاطمیین نیز سالیان دراز در مصر بر پا بود . بعد از برچیده شدن بساط فاطمیین ، سلاطین آل ایوب روی کار آمد و شیعه مصر و شامات آزادی مذهبی را بکلی از دست دادند و جمع کثیری از شیعیان به دم تیغ سپرده شدند از جمله شهید اول محمد بن محمد مکی یکی از نوابغ فقه شیعه سال ۷۸۶ هجری در دمشق به جرم تشیع کشته شدو شیخ اشراق سهروری در حلب به جرم فلسفه به قتل رسید. رویهم رفته اینکه مذهب تشیع در این مدت در کشورهای اسلامی جز مذهب رسمی اعلام نشده بود زیرا از جهت جمعیت در افزایش و از جهت قدرت و آزادی مذهبی تابع موافقت و مخالفت سلاطین وقت بوده اند.

### **شیعه در قرن ۱۰-۱۱ هجری:**

سال ۹۰۶ هجری جوان ۱۳ ساله از خانواده شیخ صفی اردبیلی (متوفای ۷۳۵ هجری) از مشایخ طریقت در شیعه بود با سیصد درویش از مریدان پدرانش به منظور ایجاد یک کشور مستقل و مقتدر از اردبیل قیام کرد و شروع به کشور گشایی و بر انداختن ملوک الطوایفی ایران نمود و با پادشاهان آل عثمان مبارزه کرد و موفق شد که ایران قطعه قطعه را به شکل یک کشور در آورده و مذهب شیعه را در قلمرو حکومت خود رسمیت دهد. پس از درگذشت شاه اسماعیل صفوی پادشاهان دیگر سلسله صفویه تا اواسط قرن ۱۲ هجری سلطنت کردند و یکی پس از دیگری مذهب تشیع را تأیید و تثبیت نمودند حتی در زمان شاه عباس کبیر وسعت ارضی کشور و آمار جمعیت را به بیش از دوبرابر کنونی (۱۳۸۴ هجری) برسانند. گروه شیعه در این دو قرن ونیم تقریباً در سایر نقاط کشورهای اسلامی بهمان حال سابق با افزایش طبیعی خود باقی بوده است.

### **شیعه در قرن ۱۲-۱۴ هجری:**

در سه قرن اخیر پیشرفت مذهبی تشیع بهمان شکل طبیعی سابقش بوده است و فعلاً در اواخر قرن چهاردهم هجری تشیع در ایران مذهب رسمی عمومی شناخته می شود و در یمن و عراق ، اکثریت جمعیت را شیعه تشکیل می دهد. (فرهنگ غدیر - جواد محدثی)

### شیعه شناسی:

شناخت شیعه به عنوان " فرقه ناجیه" و تجسم اسلام ناب محمدی است . تعیین فرقه ناجیه ، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود: امت موسی بر هفتاد و یک فرقه متفرق شدند و امت عیسی بر هفتاد و دو فرقه و زود است که امت من بر هفتاد و سه فرقه متفرق گردند، یک فرقه آنان اهل نجات و سایر فرقه ها در آتش دوزخ اند. (اصول کافی)می دانیم که عمده اختلافات در مسئله امامت است و همین مسئله بود که سرمنشأ بسیاری از فرقه ها در جامعه اسلامی شده است.

بر خلاف دعوی موجود در منابع اهل سنت، از نگرگاه منابع شیعی، «فرقه ناجیه» همان پیروان اهل بیت هستند و در این زمینه به احادیثی چون حدیث سفینه یا احادیثی که به صراحت از پیروان امام علی علیه السلام به عنوان فرقه نجات یافته یاد می کند استناد می شود. یکی از قدیم ترین استنادها در منابع فرقه شناختی شیعی، روایتی است که حسینی علوی در بیان الادیان می آورد و در این روایت از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: رستگاران همان کسانی اند که در آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ الْأُمِّيَّ» از آنان یاد شده و اینان همان کسانی اند که به دو امانت گرانسنگ پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی کتاب خدا و سنت او وفادار مانده اند.(شهرستانی- ملل و نحل)

همچنین به حدیثی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله استناد می شود که در آن در پاسخ کسانی که می پرسیدند «پس از شما چگونه راه رستگاری را بیابیم؟» فرموده بود: «اَنْتِ». «تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا من بعدى ابدأ؛ كتاب الله و عترتى.

البته باز در منابع شیعی نیز هر يك از شاخه های مهم شیعه خود را مصداق فرقه ناجیه می دانند در این باره به احادیث نبوی یا احادیثی دیگر استناد می کنند.

(ابن کثیر، اسماعیل بن عمر دمشقی قرشی (۷۰۰ - ۷۷۴ ق). تفسیر القرآن العظیم: تفسیر ابن کثیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۶ق

- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید (۲۰۹ - ۲۷۳ ق). سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فواد عبدالباقی ، بیروت: دارالفکر، بی تا)

### روایتی دیگر:

بر خلاف اکثریتی از روایتها که تنها يك فرقه را ناجیه معرفی می کند و بقیه را دوزخی می داند و در برابر دیدگاه رایج از دوران گذشته در میان صاحبان ملل و نحل، برخی روایتها و در پرتو آنها برخی دیدگاهها - و شاید هم بر عکس - وجود دارد که همه را اهل نجات و تنها يك فرقه را دوزخی می داند. نمونه هایی از این احادیث از نظر می گذرد:

- عجلونی در کشف الخفاء آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تفترق امتی علی سبعین فرقة کلهم فی الجنة الا فرقة واحدة»؛ امت من به هفتاد فرقه خواهند شد که همه بهشتی اند مگر یکی.

در ادامه این حدیث است که چون پرسیدند این يك فرقه کدام است، فرمود: «الزنادقه»؛ زندیقان .

(شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن احمد (۴۷۹ - ۵۴۸ق). الملل والنحل، تحقیق محمّدسید گیلانی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا)

- دیلمی در الفردوس آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تفترق امتی علی بضع وسبعین فرقة کلها فی الجنة الا الزنادقه»؛ امت من به هفتاد و اندی فرقه می شوند که همه بهشتی اند مگر زندیقان. (صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۳۶ - ۲۱۱ ق). المصنف، تحقیق حبيب الرحمن اعظمی، بیروت: المكتبة الاسلامی، ۵۱۴۰۳)

هر چند برای این احادیث سندی چندان قوی به دست داده نشده و برخی آنها را در شمار احادیث برساخته دانسته اند، اما شماری از احادیث می تواند این احادیث را گواهی کند

يك دسته از این احادیث آنهایی است که در آنها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «ما من امة الا وبعضها فی النار وبعضها فی الجنة الا امتی کلها فی الجنة» هیچ امتی نیست که بخشی از آن دوزخی و بخشی دیگر از آن بهشتی نباشند مگر امت من که همه بهشتی اند.

دسته ای دیگر از احادیث نیز این گونه احادیث را گواهی می کند و آن احادیثی است که همه معتقدان به توحید و نبوت یا همه بر زبان آورندگان «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» را مسلمان و از سویی همه مسلمانان را اهل نجات می داند. (طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه (۲۲۹ - ۳۲۱ق). شرح معانی الآثار، با مقدمه و تحقیق محمد سید جادالحق، قاهره: مطبعة الانوار المحمدیه، [چاپ جلد اول ۱۳۸۷ق])

هر چند در میان نسلهای پیشین کسانی از عالمان مسلمان را پیشگام این نظریه دانسته اند که تنها يك فرقه دوزخی است،

(- عبدالله محمدعلی علماء، «معجم ما آلفه الامّة الاسلامیة فی الرد علی خرافات الدعوة الوهابیة»، تراثا، ۳۰ ج ۱۷، ص ۱۷۸-۱۴۵)

اما به طور روشن این دیدگاه مبتنی بر تسامح در میان سردمداران و پیروان جنبش اصلاحگری دینی دو سده اخیر طرفداران مشخصی دارد؛ برای نمونه، عبده در برخورد با حدیث افتراق امت و مسئله فرقه ناجیه از این سخن به میان می آورد که «اینکه [در عالم واقع] تنها يك فرقه، فرقه ناجی است حق است؛ چرا که حق يك چیز و آن همان است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش بر آن بودند. اما تعیین اینکه کدام فرقه فرقه ناجیه است و کدام بر همان عقیده و پندار است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش بودند این تاکنون برای من روشن نشده است؛ چرا که هر فرقه ای از معتقدان به نبوت، خود را بر همان می داند که پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش بر آن بوده اند... و هر فرقه ای بر این برهان می آورد که خود فرقه ناجیه است.

(عبده، محمد (۱۸۴۹ - ۱۹۰۵ م). تفسیر القرآن الحکیم المشتبه باسم تفسیر المنار، المنار، تألیف محمدرشید رضا، مصر: دارالمنار، (۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۲ م)

### شناخت امام زمان:

شیعه و سنی روایات فراوانی از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) به این مضمون نقل کرده اند که هر کس وظیفه دارد تا امام زمان خود را بشناسد. پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. و نیز فرمود: هر کس بدون امام بمیرد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است. از طرف دیگر می دانیم که قیامت روزی است که هر کس و گروهی با امام خود خوانده می شود و با او به جایگاه ابدی خود رهسپار می شود، خداوند متعال می فرماید: " يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ "؛ [باد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا می خوانیم.

(مائده آیه ۱۰۴۲ زحرف ۴۳ آیه ۲۳۳ احزاب ۳۳ آیه ۶۶ ۶۸۴ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۳۴۱۵ سنن ابن ماجه، باب الفتن، حدیث ۳۹۹۱؛ سنن ترمذی، حدیث ۲۶۴۰۶ ینابیع الموده، ص ۱۱۷؛ کافی، ج ۲، ص ۲۰۷ مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۱۷؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸۸ اسراء ۱۷ آیه ۷۱)

### چرا آن حضرت غایب شد؟

ادامه حکومت دنیایی و سیطره بر مردم و کسب منابع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بر دارندلذا شهادت امامان (ع) در دستور کار خلفای جور قرار گرفت. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خود کامه را بیشتر می کرد وعده حضرت مهدی(ع) به عنوان منجی و مصلح بود به همین سبب امام حسن عسکری(ع) تمام امور مربوط به دنیا آمدن حضرت مهدی(ع) را مخفی داشتند تا دشمنان در صدد به شهادت رساندن ایشان بر نیایند، بنا براین بسیار طبیعی است که خداوند آخرین حجت خود را در پرده

غیبت قرار دهد تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که مردم آمادگی داشتند ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد کند. امروزه دولتهای غربی و عربی و اسرائیل دست در دست هم داده اند تا ظهور را به نفع خود به تعویق اندازند و یا مانع شوند پس جنگها و خرابیه را افزوده حتی مسجد اقصی را به این نیت می خواهند خراب کنند تا معبد سلیمان را صاحب شوند و مدعی خوبی برای تصاحب زمینهای قدس باشند. امام صادق(ع) می فرماید:

" غیبت به سبب امری است که که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت سرّی از اسرار الهی است؛ ولی چون می دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است، می پذیریم که همه کارهای او بر اساس حکمت است؛ اگر چه علّت کارها برای ما معلوم نیست. "(کمال الدین ج ۲ باب ۴۴ح ۱۱)

ادامه دعا:

**وَ لَوْ لَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الصَّلَاةِ وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ،**

سپس گفت: تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشتت از گوشت من، و خونت از خون من، و آشتی با تو، آشتی با من، و جنگ با تو، جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده، چنانکه با گوشت و خون من درآمیخته و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی، و تو قرضم را می پردازی، و به وعدههای من وفا می کنی، و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند، درحالی که رویشان سپید، و در بهشت پیرامون من، و همسایگان منند، و اگر تو ای علی نبودی، اهل ایمان پس از من شناخته نمی شدند، و آن حضرت پس از پیامبر، مایه هدایت از گمراهی، و نور از نابینایی و ریسمان استوار خدا و راه راست او بود،

**شرح:**

پیامبر(ص) در وصف علی(ع) فرمود: هو یعسوب المؤمنین(انساب الاشراف - ج ۲ ص ۸۶۴) علی رئیس مؤمنان است. و نیز ایشان می فرماید: لولاک لما عرف المؤمنون بعدی(عیون الاخبار ج ۲ ص ۴۸ ح ۱۸۷) اگر علی نبود مؤمنین بعد از من (رسول خدا) شناخته نمی شد.

علی(ع) إله الصراط المستقیم و إله الذی یسأل الله عن ولايته يوم القيامة (امالی شیخ صدوق ص ۳۶۳ ح ۴۴۷) علی(ع) راه راست است و او همان است که خداوند در روز قیامت از ولایتش پرسش خواهد کرد.

به نقل از ابوذر و سلمان ؛ پیامبر خدا(ص) دست علی را گرفت و فرمود: این صدیق اکبر است و فاروق این امت است که بین حق و باطل جدایی می افکند. (المعجم الکبیر ج ۶ ص ۲۶۹ح ۶۱۸)

پیامبر (ص) در روایت دیگری فرمود: ای علی ! هستی ، بوسیله تو آزمایش خواهد شد ، تو هدایتگر کسانی هستی که پیروی ات می کنند. آن که با راه تو مخالفت کند تا روز قیامت گمراه خواهد شد.(امالی طوسی ص ۴۹۹ ح ۱۰۹۶)

علی و دوری از گمراهی ، علی و نجات از کفر و نابینائی و کوری در دین ، علی و بصیرت ، علی صراط مستقیم و حبل متین ، علی کشتی نجات است ؛ علی ریسمان هدایت است علی و قرآن(قرآن مع علی و علی مع القران "مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصرة، ص ۴۱۸، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۴۶۰، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق)

آیات فراوانی در شأن علی ابن ابیطالب (ع) در قرآن آمده که بر اهل سنت هم پوشیده . نیست و در کتب خود به آن اشاره کرده اند؛ همانگونه که شیعه بسیاری از آیات را در شأن و منزلت علی(ع) می داند و به آن تأکید دارد.

ادامه دعا:

لَا يُسَبِّقُ بَعْرَابِهِ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقِهِ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْعَبِهِ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْدُو  
حَدَّو الرِّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ  
لَائِمٌ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَ قَتَلَ أَنْطَالَهْمُ وَ نَاوَشَ [نَاهَشَ] ذُؤَابَانَهُمْ فَأَوْدَعَ  
فُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ فَأَصَبَتْ [فَأَصَنَتْ] [فَأَصَنَ] عَلَى  
عَدَاوَتِهِ وَ أَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ التَّاكِيثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ لَمَّا قَضَى  
نَحْبَهُ

با نزدیک‌اش در خویشاوندی به رسول خدا، کسی بر او پیشی نگرفت، و همچنین با سابقه‌اش در دین، کسی بر او مقدم نبود، و در فضیلتی از فضائل هیچکس به او نرسید، کار پیامبر(درود خدا بر او خاندانش) را پی گرفت، و براساس تأویل قرآن جنگ می‌کرد، و درباره خدا سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای را به خود نمی‌گرفت، خون شجاعان عرب را، در راه خدا به زمین ریخت، و دلاوران‌شان را از دم تیغ گذراند و با گرگان‌شان در افتاد، پس به دل‌هایشان کینه سپرد، کینه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها را، پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ با او رو آوردند، تا پیمان‌شکنان و جفا پیشگان و خارج‌شدگان از دایره دین را کشت.

## شرح:

ولا يلحق في مناقبه من مناقبه:

آشنایی با فضائل علی(ع) و بیان و نشر آنها از مهمترین وظایف شیعیان است. در این فضائل و مناقب کسی نمی تواند بر او پیشی بگیرد.

در طول قرنهای گذشته؛ تعدادی از علمای شیعه، حتی برخی از اهل سنت به نگارش کتابهایی پیرامون احادیث در مناقب و فضیلت علی(ع) و اهل بیت پرداخته اند. ابن ابی الحدید از عالمان و محققان معتزلی مذهب اهل سنت (۶۵۶-۵۸۶) است که شهرت او بخاطر شرحی است که بر نهج البلاغه در ۲۰ جلد نگاشته است. او ارادتی شگرف به علی(ع) دارد.

### يَخْدُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا:

قدم به قدم در پی رسول اکرم (ع) راه پیمود که درود خدا بر آنان (محمد(ص) و آل او) باد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از بعثت تا وقتی که در مکه بود چون عده اصحاب و پیروانش کم بودند مأمور به جهاد نشد و در مقام دفاع برنیامد تا پس از مهاجرت به مدینه و زیاد شدن یاران آنگاه مأمور به جهاد شد و در مقام دفاع بر آمد. علی علیه السلام پس از رحلت پیغمبر چون یارانش کم و معدود بودند قیام نکرد تا پس از استقرار خلافت ظاهری و بودن یار و یاور آنگاه برای پیشرفت حق و بقای آن مأمور به جهاد شد. و پیغمبر اسلام وقتی که در مکه بود مدتی در شعب ابی طالب محصور بوده و بر حسب ظاهر سکوت اختیار نمود. علی علیه السلام نیز مدتی خانه نشین بود و قدرت بر تبلیغ و اداره امور مسلمین و خلافت را نداشت.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله با آنکه در مکه مورد اذیت و آزار مشرکان بود ولی لب به نفرین نگوید بلکه می گفت «رب اهد قومی فانهم لا يعلمون». علی علیه السلام با آن شدت محن و گرفتاری که برای او اتفاق افتاد که در خطبه شقشقیه می فرماید: «فصبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی» (با اینکه گوئی در چشمم خار و خاشاک و در گلویم استخوان گرفته بود صبر نمودم) و هرگز نفرینی نکرده است.

و همانطوری که پیغمبر با مشرکان جنگ کرد و دستور آمد: «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم»- بقره آیه ۱۸۵- (در راه خدا با کسانی که به جنگ با شما اقدام کرده اند بجنگید) و «اقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم»- توبه آیه ۵- علی علیه السلام هم با منافقان جنگ کرد. و پیغمبر اکرم پس از آنکه مکه را فتح کرد مشرکان مکه را مورد عفو قرار داد، علی علیه السلام در واقعه ی جمل پس از فتح بصره منافقان را عفو و اسیران را آزاد نمود

### و یقاتل علی التأویل:

## علی(ع) بر اساس تأویل (حقایق و مقاصد اصلی) قرآن جنگ می کرد.

شرح: دو مورد در اینجا بررسی می شود:

۱- قرآن کریم دارای تنزیل و تأویل است یعنی دارای ظاهر و باطنی است. در تفسیر صافی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «ظاهر قرآن کسانی هستند که قرآن درباره ی آنان نازل شده، و باطنش کسانی هستند که اعمال آنها اعمال همان مردمان اولی است (که آیه ی قرآن در شأن آنان نازل شده و آیه شامل حال این گروه هم می شود و در روایت دیگر فرمود: «ظاهر آن تنزیل و باطنش تأویل است. (مقدمه چهارم از کتاب تفسیر، و معانی الأخبار صدوق)

قال رسول الله صلي الله عليه و آله: «ان منكم من يقاتل علي تأويل القرآن كما قاتلت علي التنزيل فسئل من هو؟ قال: خاصف النعل» رسول خدا فرمود: از میان شما کسی است که بر تأویل قرآن جنگ می کند همچنانکه من بر اساس تنزیل آن جنگ می کنم. سؤال شد که او کیست؟ فرمود: همان کس که مشغول انجام پینه کفش است. چون نظر کردند دیدند علی علیه السلام است. ( سفينة البحار مجلد اول ص ۳۸۷ و تفسیر صافی ذیل آیه مبارکه «و ان طائفتان» حجات آیه ی ۹- نقل از کافی و تفسیر قمی و تهذیب شیخ طوسی.) و این حدیث مشهوری است که عامه هم نقل کرده اند.

علی یعنی تأویل و باطن قرآن ؛ و کسانی که قرآن را جدای از بطن آن بگیرند کفر ورزیده اند. علی(ع) قرآن را بر طبق فرمان حضرت رسول (ص) در عرض سه روز با تأویل و تنزیل جمع اوری کرد و بعد از فوت حضرت و غصب خلافت از طرف دشمنان شیعه پیش ابوبکر و عمر برد تا قرآن را تحویل آنها بدهد تا اختلاف بین مردم مسلمان نیفتد و همه حق را بدانند و به سوی حق بشتابند. ولی غاصبان ولایت گفتند: ما را به این قرآن نیازی نیست و علی (ع) فرمود: دیگر آنرا نخواهید دید.

بعد ها به خانه علی(ع) هجوم آوردند تا قرآن را بدست آورند و آنرا از بین ببرند هرچه جستند آنرا نیافتند. می دانی چرا؟ قرآن علی(ع) همراه با تأویل مایه سرشکستگی غاصبان ولایت و خلافت بود و منافع دنیایی آنها را به خطر می انداخت از این رو چون مخالف منافع شخصی آنها بود آنان آنرا نپذیرفتند.

۲-فرمان خدا بر جنگ با کافران در آیات متعددی از قرآن آمده است " قتال بر تنزیل " - نبرد با مشرکین است.

۳-نبرد دیگر ؛ کسانی بودند که در ظاهر مسلمان و در باطن کافر؛ اهل بغی و تجاوزاند و این " قتال بر تأویل " است که بسی دشوار است و نیاز به تحقیق و بررسی دارد که در این مختصر نمی گنجد.



پیامبر(ص) به علی(ع) بارها فرمود: که با دشمنان بر اساس تأویل خواهی جنگید آنگونه که من بر تنزیل جنگیدم. أنا أقاتل علی التنزیل و علی یقاتل علی التأویل (فرهنگ غدیر - جواد محدثی) - (بحار الانوار ص ۲۹۶-۲۹۷ و ۳۰۰) (احقاق الحق ج ۶ ص ۲۴)

**امام خمینی(ره)** (صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۶) گفتند: درود بی پایان بر علی ابن ابیطالب که با دژخیمان بصورت مسلمان و مقدّس نماهای بدتر از کفار جنگید و از هیچ قدرتی نهراسید.

### **وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ:**

علی(ع) در راه رضای خدا از ملامت کسی باکی نداشت. شکیبائی پیشه او بود.

امام علی(ع) در سخنی پس از جریان نهروان ، فضائل خود را گفت:

هنگامی که برای اسلام قیام کردم که مسلمانان ناتوان بودند.

زمانی سر بر آوردم که همه سر در گریبان فرو برده بودند.

زمانی سخن گفتم که همه به لکنت افتاده بودند.

هنگامی به نور خدا پیش رفتم که همه ایستاده بودند.

من آوایم از همه پایین تر بود و در عمل جلوترین آنان بودم. زمام فضائل را بدست گرفتم ، بر آنان پیشی گرفتم ، واز همه بُردم و چون کوهی که بادهای شکننده آن را حرکت نمی دهد و تند بادهای آنرا از بین نمی برد و هیچ کس نتوانسته از من عیبی بگیرد و در من نقضی پیدا کند(نهج البلاغه خطبه ۳۷)

امام علی(ع) فرمود: من هرگز از میدان فرار نکرده ام و هیچ کس به میدان من نیامده مگر آنکه زمین را از خونش سیراب ساخته ام (الخصال ص ۵۸۰-ح ۱)

امام صادق(ع) فرمود، به امام علی(ع) گفته شد: چرا اسبی ارزشمند و چابک نمی خری؟ فرمود: نیازی به ان ندارم. من از برابر کسی که بر من یورش آورده ، فرار نمی کنم و کسی را که از مقابل من فرار می کند دنبال نمی کنم(امالی-شیخ صدوق- ص ۲۳۴ح ۲۴۹)

### **واقعه صفین به نقل از معاویه:**

بخدا سوگند پسر ابوطالب ، به جنگ هیچ کس نرفت مگر آنکه زمین را از خونش سیراب ساخت (وقعه صفین ص ۲۷۵) و دیگر در باره امام علی(ع) گفته شده است: کافران او را "مرگ سرخ" می نامیدند، روز بدر او را بخاطر عظمت در گیری او وشکست دادن دشمن چنین نامیدند(المناقب- ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۶۸)

در باره علی(ع) همگان اتفاق نظر دارند که وی به دو قبله نمازگزار، هجرت کرد در بدر ، حدیبیه ، و دیگر جنگها شرکت کرد و در بدر، أحد ، خندق، خیبر ف جَدّ و جهد بسیاری از خود نشان داد و در این جنگها (پیامبر را) بسنده بود و جایگاه ارزشمندی را از آن خود ساخت و در بسیاری از جنگها بیرق پیامبر خدا (ص) به دست وی بود.

از زمانی که پیامبر خدا(ص) به مدینه آمد ، در هیچ جنگی از جنگهای پیامبرخدا(ص) جز جنگ تبوک ،علی(ع) غیبت نکرد و در جنگ تبوک ، پیامبر وی را به مدینه گمارد تا مراقب نفوذ منافقین باشد و توطئه آنها را در هم شکند . پیامبر (ص) به وی فرمود: تو نسبت به من چون هارون نسبت به موسی هستی جز آن که پس از من پیامبری نیست.

### **خبر دادن پیامبر از فتنه های پس از خود:**

به نقل از ابو ایوب انصاری : از پیامبر(ص) خدا شنیدم که به علی (ع) می فرمود: تو با ناکثین ، قاسطین ، مارقین ، در راه ها و نهرها و بلند کوهها جنگ می کنی. گفتم: ای پیامبر خدا اینان با چه کسی جنگ می کنند؟ فرمود: با علی ابن ابیطالب ( المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۰ ح ۴۶۷۵)

### **اهداف امام علی (ع) در نبرد با سرکشان چه بود؟**

۱-زنده نگه داشتن دین ۲- دفاع از سنت پیامبر خدا(ص)  
خطاب حضرت به علی (ع) که فرمود: تو برادر من و پدر فرزندان منی، در دفاع از سنت من می جنگی و آنچه را بر عهده من است ، ادا می کنی.(مسند ابی بعلیج ۱ ص ۲۷۱ ح ۵۲۴)

۳-پیکار با بدعتگزارها ، به جرم بدعتگزاری در دین

### **انگیزه های تجاوزکاران در نبرد با امام علی(ع) چه بود؟**

۱-برتری جویی ۲-کینه ۳-حسادت ۴-حرص ۵-نادانی  
امام علی(ع) از نامه اش به عقیل: بدان که اعراب امروز به جنگ با برادرت گرد آمده اند چنانکه دیروز بر جنگ با پیامبر(ص) گرد آمدند ، اینان ، حق برادرت را نشناختند و برتری اش را مغرضانه انکار کردند. (الغارات ج ۲ ص ۴۳۱)

پیامبر(ص) می فرمود: "أنت تقاتل علی سنتی" تو بر سنت من می جنگی.

و فرمود: حربٌ علیّ حربُ الله - نبرد علی نبرد خداست.(الخصال ص ۴۹۶ ح ۵)  
و فرمود: حربُک حربی- جنگ تو جنگ من است (المناقب- کوفی ج ۱ ص ۳۵۱ ح ۲۷۸)  
و فرمود: حربُک حربی و سلمک سلمی، جنگ تو جنگ من و آشتی تو آشتی من است(امالی طوسی ص ۳۶۴ ح ۷۶۳)(دانشنامه امیرالمؤمنین - ری شهری)

## جنگ حمل:

(ناکثین) : نخستین جنگی که امیرالمؤمنین علی(ع) پس از بخلافت رسیدن با شورشیان پیمان شکن داشت. پس از کشته عثمان در سال ۳۵ هجری ،مردم با علی(ع) برای خلافت بیعت کردند ؛ بیعتی پر شور. ولی چون دیدند که علی(ع) امتیاز بیهوده به کسی نمی دهد ، حسد و کینه آنان تحریک شد و گروه پیمان شکنان با عایشه و طلحه و زبیر جنگ ناموفقی را برعلیه علی(ع) با تعداد کثیری از افراد در دو جبهه آغاز کردند که به شکست عایشه و افراد او انجامید.

## جنگ صفین :

این جنگ در منطقه صفین در گرفت ،جنگ معاویه (قاسطین)- زمانی که سپاه معاویه در آستانه شکست قرار گرفته بود نیرنگ "قرآن به نوزه کردن" از سوی عمر و عاص مطرح و بکار بسته شد. عده ای در این بین فریب خوردند و دست از جنگ کشیدند که تعدادشان به ۲۰ هزار نفر می رسید و در رأس آنان اشعث بن قیس بود که فتنه انگیزی می کرد. پس در میان سپاه امام دو دستگی افتاده کار به حکمیت و مصالحه کشیده شد .حکمیتی که بر آن حضرت تحمیل شد، عده ای از سپاه امام ، با عقیده بر اشتباه بودن حکمیت از امام خواستند که توبه کند؛ آنان همان خوارج شدند که سر از اطاعت امام بر تافتند و اینگونه پرونده جنگ نهروان بسته شد. جنگ صفین تلفات بسیارداشت و ۲۵ هزار از سربازان امام و ۴۵ هزار از طرف مقابل کشته شدند.

## مارقین:

پیدایش گروه خوارج پس از ماجرای حکمیت که به نام "مارقین" شناخته می شوند. این گروه ترجیح دادند با معاویه نجنگند و با علی بجنگند. خوارج که تعداد آنها دوازده هزار نفر بود پس از بازگشت سپاهیان و امام به کوفه وارد کوفه شدند و در "حروراء" ماندند و ضمن بدگویی از امام شیعیان می خواستند از امام انتقام بگیرند. آنان آنقدر جوسازی کردند و حرفها و انتقادهای ناپسند داشتند که امام از اصلاح آنان ناامید شد و رهایشان کرد؛ اما فتنه گری آنان به اوج خود رسید و فرستادهای امام را می کشتند و یا اسیر می گرفتند. پس از اتمام همه حجتها امام تصمیم گرفت، با ایشان بجنگد. از جمع چهار هزار خوارج اکثر آنها ، کشته شدند و هشت نفر فرار کردند. عبدالله بن ملجم یکی از همین خوارج بود که گریخت و قتل امام را به عهده گرفت.

ادامه دعا:

وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمَهُ وَإِفْصَاءٌ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ،

و هنگامی که درگذشت و او را بدبخت‌ترین پسینیان، که از بدبخت‌ترین پیشینیان کرد، به قتل از پس رساند، دستور رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) در باره هدایت‌کنندگان، هدایت‌کنندگان [امامان بعد از پیامبر] اطاعت نشد، دامت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند، و برای قطع رحم او، و تبعید فرزندانش گرد آمدند، مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق درباره ایشان به پیمان پیامبر وفا کردند.

### شرح خط اول:

وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ:

جمعی از بزرگان شیعه و اهل سنت از جمله ثعلبی و واحدی و ابن مردویه و خطیب بغدادی و طبری و موصلی و احمد حنبل به اسناد خود از عمار یاسر و جابر بن سمره و عثمان بن صهیب از پیغمبر اکرم (ص) چنین نقل کرده اند که به علی (ع) فرمود: یا علی! اشقی الاولین عاقر الناقة و اشقی الاخرین قاتلک و فی روایة من یخضب هذه من هذا.

ای علی! شقی ترین پیشینیان همان کسی بود که ناقه صالح را کشت و شقی ترین فرد از اخرین قاتل تو است و در روایتی آمده است، کسی است که این را با آن رنگین کند. (اشاره به اینکه محاسنت را با خون فرقت خضاب می کند). {تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۵۸۷}

شباهتی بین این دو قاتل وجود ندارد. این دو خصومت شخصی نداشتند بلکه هر دو می خواستند نور حق را خاموش کنند، و معجزه و ایتی از آیات الهی را از میان بردارند و همانطور که بعد از ماجرای ناقه صالح عذاب الهی آن قوم طاغی و سرکش را فرو گرفت، مسلمین بعد از شهادت مظلومانه امیرالمؤمنین علی (ع) در زیر سلطه حکومت جبّار و بیدادگر بنی امیّه شاهد دردناکترین عذابها شدند. حاکم حسکانی روایات بسیاری در این زمینه نقل کرده است. (شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۳۵ تا ۲۴۲)

و امروزه ، شقی الاخرین یتبع اشقی الاولین خلفای غصب خلافت هستند که نسل آنها سلطنت فراعنه آل سعود است.

ادامه دعا:

لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمَهُ وَإِفْصَاءٌ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ،

امثال امر الهی، امثال امر رسول خدا (ص) ، پیمان الهی چه بود؟

پاسخ:

عهدی که خداوند با انسان بسته و میثاق پروردگار در برخی روایات به ولایت و امامت ائمه(ع) تفسیر شده است. "لا ینال عهدی الظالمین" (بقره ۱۲۴) عهد به امامت تفسیر شده است (بحارالانوار ۲۵۹ و ۲۰۲) روایات متعددی می گوید که خداوند با پیامبر عهد کرد که علی را به وصایت تعیین کند و از پیامبران نیز در مورد علی پیمان گرفته است " إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ عَهْدَ النَّبِيِّينَ بَوْلَايَةِ عَلِيٍّ (ع) {همان ج ۲۶ ص ۲۸۱ ج ۱۱ ص ۲۶۲}

این مضمون که رسول خدا ضمن خبر دادن از حوادث و فتنه های آینده به علی (ع) از او پیمان گرفت که صبر کند ، احادیث متعددی آمده است؛ و نیز پیمان گرفتن رسول خدا(ص) از علی(ع) که با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگد. در حدیثی هم بیان شد که ولایت علی(ع) عهد الهی با پیامبر است(همان ج ۳۷ ص ۱۴۱)

ادامه دعا:

فَقْتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ وَ حَرَى الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَ لِمَنْلِهِمْ فَلْيُذَرَفِ [فَلْيُذَرَفِ] الدُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ وَ يَصِحُّ [يَصِحُّ] الصَّاحُونَ وَ يَعْجُ [يَعْجُ] الْعَاجُونَ أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّيْلِ بَعْدَ السَّيْلِ ،

پس کشته شد آنکه کشته شد، و اسیر گشت آنکه اسیر گشت، و تبعید شد آنکه تبعید شد، و قضا بر آنان جاری شد به آنچه که بر آن امید پاداش نیک می رود، زیرا زمین از خداست، آن را به هر که از بندگانش بخواهد به ارث می دهد، و سرانجام از آن پرهیزگاران است و منزه است پروردگار ما که به یقین وعده پرورگارمان انجام شدنی است، و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی کند و او نیرومند حکیم است، پس بر پاکیزگان از اهل بیت محمد و علی(ع) درود خدا بر ایشان و خاندانشان(، باید گریه کنندگان بگیرند، و زاری کنندگان بر ایشان زاری کنند، و برای مانند آنان باید اشکها روان شود، و فریاد کنندگان فریاد زنند، و شیون کنندگان شیون کنند، و خروشنندگان بخروشنند، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته ای پس از شایسته دیگر راستگویی پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟

شرح:

وارث زمین کسی است که نام ولایت را زنده نگه دارد. وارث زمین جز علی(ع) و فرزندش مهدی (ع) نیست. خداوند حکیم خلف وعده نمی کند. خداوند عزیز و قادر و حکیم است. درود بر محمد و وصی او ، درود بر هر دو ، درود بر راه صدق و پاکان ، پس بگریید ! بگریید! بر کسانی که از فساق، ظلم و ستم بی حد دیدند، گریه کنید و ندبه سردهید بر شهیدان راه ایمان ،

گریه کنید بر خلاء موجود از امامت و ولایت، گریه کنید بر ظلم و ستم غاصبان مقام و رتبه و ولایت، امامت و ولایتی که به ان ستم شد، ولایت امامتی که تعید شد، ولایت و امامتی که در راه حق اسیرشد، ولایت و امامتی که کشته شد. رسول خدا(ص) به امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: "یا علی أنت المظلوم من بعدی فویل لمن ظلمک واعتدى علیک" یا علی؛ پس از من تو مظلوم می شوی، پس وای بر آنکه به تو ستم و تعدی کند(عیون الاخبارالرضاح ۱ ص ۳۰۳)

### جلوه ها و نمونه های مظلومیت امیرالمؤمنین (از دانشنامه امام علی ج ۱۱ ص ۲۲۷)

۱. غصب ولایت، اینان غاصبان، میراث نبوت را غارت کردند.(نهج البلاغه خطبه ۳)
۲. غصب فدک، هدفشان از بین بردن پشتوانه مالی خاندان پیامبر (ص) و ضربه اقتصادی به علی(ع) بود.
۳. شهادت همسر جوان پس از وفات پیامبر(ص)؛ هواداران جریان شوم سقیفه به قصد درهم کوبیدن پایگاه مقاومت در برابر غصب خلافت به خانه فاطمه ریختند و در خانه فاطمه(س) آتش زدند و صدمات روحی و جسمی بسیاری بر وجود مبارک فاطمه(س) وارد ساختند که همان صدمات عامل فوت ایشان گردید.
۴. رواج سب بر مولای علی(ع) در خطبه ها و منبرها تا یک قرن تا حکومت عبدالعزیز در عصر صادقین (ع) ادامه داشت.
۵. جلوگیری از نشر فضائل علی و رواج بدعتها و جعل حدیث و تبلیغات سوء بر علیه دستگاه ولایت
۶. تخلف و نافرمانی سربازان که حضرت را به ستوه آورد
۷. شهادت مظلومانه و دفن شبانه و مخفیانه و قبر پنهان از بیم نیش قبر و توهین از سوی خوارج و امویان تا زمان هارون الرشید.
۸. خانه نشینی علی (ع)، آغاز یک تاریخ هولناک و خونین است و بیعت سقیفه، زیرکارانه، هوشیارانه آغاز شد که بیعتهای خونین را به دنبال داشته و در ضمن در برابر مقام و منزلت امامت تحدی کردند و با غصب فدک، نقشه شوم ستمهای بزرگ فرداها و غارتها را امضا کردند تا در برابر اسلام و مسلمین تجاوزکارانه بایستند.

ادامه دعا:

أَبْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ أَبْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ أَبْنَ الْأَقْمَارِ الْمُئِيرَةِ أَبْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ  
أَبْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَبْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ أَبْنَ

الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ أَيَّنَ الْمُنتَظِرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجَ أَيَّنَ الْمُرْتَجَى لِإِرَالِهِ الْجَوْرِ  
وَالْعُدْوَانَ أَيَّنَ الْمَذْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ أَيَّنَ الْمُتَخَيَّرُ [الْمُتَّخِذُ] لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالسَّرِيعَةَ  
أَيَّنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ أَيَّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ أَيَّنَ  
قَاصِمُ شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ أَيَّنَ هَادِمُ أُنْبِيَاءِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ أَيَّنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَ  
[الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ أَيَّنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقَاقِ [النِّفَاقِ]

کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزید؟ کجاست خورشیدهای تابان، کجاست ماههای نورافشان، کجاست ستارگان فروزان، کجاست پرچمهای دین، و پایه‌های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود، کجاست آن مهیا گشته برای ریشه‌کن کردن ستمکاران، کجاست آن که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنتها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف‌اندازی،

شرح:

آیا شناختن امام زمان واجب است؟ اگر واجب است ، دلیل چیست؟

پاسخ: بلی، دلیل عقلی و نقلی؛

دلیل عقلی بر شناخت امام زمان (ع) چیست؟

دلیل اول عقلی ، علوم امام است.

الف: علتها و فلسفه‌هایی که برای ضرورت و لزوم وجود پیامبر گفته اند ، همان علتها برای وجود جانشین و وصی پیغمبر نیز صادق است . البته ؛ تردیدی نیست که پیامبر اکرم(ص) تمام علوم و احکام را به وصی خود سپرده که برای هدایت مردم از طرف خداوند هر امامی به امام بعد از خودش سپرده است که تا امام زمان (ع) ادامه دارد. ایشان صاحب تمام علوم هستند.

ب: انسانها با توجه به هواها و خواسته‌ها در نزاع و کشمکش و اختلاف واقع می شوند؛ و مقتضای لطف الهی این است که برای از بین بردن هر گونه نزاع و اختلاف شخصی تعیین نماید که حقایق و واقعیتها را کامل بداند ، تا در هر زمان مردم به چنین شخصی رجوع کنند.

دلیل دوم:

دلیل نقلی است که در حدّ تواتر است فی المثل: خبر صحیح از معاویة بن عمار است که امام صادق(ع) در باره آیه مبارکه اعراف-۱۸۰ "ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها" برای خداوند نیکوترین نامهاست پس او را با آنها بخوانید. فرمود: بخدا قسم ، ما آن اسماء الحسنی هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد مگر با شناخت و معرفت ما(اصول کافی ۲/۲۴۹)

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بنده خدا مؤمن نخواهد بود مگر این که خدا و رسول او و همه امامان را بشناسد. و نیز امام زمانش را بشناسد و در تمام امور خود به او مراجعه کند و تسلیم امر وی باشد؛ سپس فرمود: چگونه می شود که آخرین امام را بشناسد در صورتی که اولین امام را نشناخته باشد.(اصول کافی/۱/۱۸۰) اینک مواردی چند در این باره:

۱- **هم و غم امام زمان(ع):** به خاطر ضعف و ناتوانی اهل اسلام و به تردید افتادن دل‌های مردم و گنا‌هایی که مرتکب می شوید و اصراری که بر معاصی دارند امام در هم و غم است که دعا برای بر طرف شدن آن غم و اندوه ضرورت دارد.

۲- **کجاست ویران کننده بناهای شرک و نفاق:** که با ظهورش دستور تخریب مساجد و مکانهای شرک و نفاق را بدهد.

۳- **هدایت بندگان در پرتو نور ایمانی ایشان:** احیاء و زنده کردن بندگان ، که هدایت تمام اهل ایمان از پرتو نور آن حضرت است.

۴- **کجاست آن موجود نافع و باقیمانده اهل عترت:** آن موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردید "بقیة الله" - مهدی(ع) کسی که همهٔ موارث انبیاء و ائمه(ع) در وجودش جمع است. احمد ابن اسحاق بن سعد اشعری به محضر امام حسن عسکری(ع) شرفیاب شد در بارهٔ جانشینی آن حضرت سؤال کرد؟

امام عسکری(ع) کودک خردسال را به او نشان داد . احمد ابن اسحاق پرسید: آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟

آن کودک زبان گشوده و به زبان عربی فصیح فرمود: "أنا بقیة الله فی أرضه و المنتقم من اعدائه فلا تطلب اثرأ بعد عین یا احمد بن اسحاق" من بقیة الله بر روی زمین و منتقم از دشمنان او هستم ، ای احمد بن اسحاق! بعد از دیدن این کرامت ، نشانه ای طلب نکن.(کمال الدین شیخ صدوق- ج۲ص۳۸۴ ح ۱)



امام زمان(ع) بیانگر اسلام ناب محمدی است - بر پاککننده حکومت عدل الهی - پیاده کننده کرامت‌های اخلاقی در زندگی و جامعه بشری - استفاده از آرمان‌های انبیاء و اولیاء الهی - امام زمان "نور الله" است که در پرتو انوارش، هدایت جوی وزنده کننده راه سعادت و سنن و آیین اسلام و شریعت است. این زنده نگه داشتن اسلام بر فراز اعصار و امصار است. زنده کردن و حیات بخشیدن به اسلام، اسلامی که در مدّت زمانی با خرافه و خرافه بافان و خرفه سازان آلوده شد و امام زمان(ع) به ستیزه و رویارویی این موارد قیام خواهد کرد. امام زمان(ع) با ظهورش دست "بنی شبیه" (کلیدداران کعبه از زمان پیغمبر (ص) که آل سعود دست آنها را قطع کرد) را قطع خواهد کرد چون آنان دزدان خانه خدا هستند. (همان)

امام زمان(ع) احیاء کننده فرائض و سنن و شیوه ای از موسی(ترس و انتظار) و عیسی(زنده بودن ایشان یا مرگ ایشان) و یوسف(زندانی و صبر) و محمد(ص)(قیام و مبارزه) می باشد. حمایت آن حضرت از اسلام؛ از ابوجعفر باقر(ع) روایت است فرمود: گویا می بینم دین شما پیوسته رو به ضعف و از بین رفتن خواهد نهاد و در خون خود دست و پا خواهد زد و کسی آنرا به شما باز نمی گرداند مگر فردی از ما اهل بیت(ع) (بحارالانوار ۲۵۲/۵۲ و غیبت نعمانی ۱۲۵)

### چرا زبان ائمه(ع) عربی و یا قرآن به عربی نازل شد؟

انتخاب زبان عربی برای قرآن دلیلش عرب بودن پیامبر اسلام (صلی الله و علیه وآله و سلم) است تا بتواند قومش را با عبارات وحی که در قالب الفاظ عربی نازل شده، به تفکر و تعقل وادار کند که شاید هدایت شدند و این انتخاب هیچ دلیلی و امتیازی برای زبان عربی بر دیگر زبان ها نیست، بلکه از جهت اسلوب و ساختار در مراتب پایین تری نسبت به بسیاری از زبان ها قرار دارد. زبان عربی برای حفظ صیانت ابدی قرآن بود تا از انواع تحریفها دور ماند. دیگر اینکه عربها اعتقاد به حفظ سنت خود دارند همانطور که لباسهای خود را تا کنون تغییر نده اند اصل سنت باقیمانده را حفظ می کنند و اگر از ابتداء قرآن به زبان دیگری بود آن را قبول نمی کردند و خرده بر آن می گرفتند.

یکی از سنت های خداوند، فرستادن رسولانی است برای هدایت انسان ها. پیامبران نیز در برخورد با انسان ها به زبان مردم آن منطقه ای که برای آنها مبعوث شده اند، صحبت می کردند؛ زیرا زبان، تنها راه ارتباط انسان هاست و پیامبران نیز باید با مردم ارتباط داشته باشند. تکلم پیامبران به زبان قوم، یکی از دیگر سنت های حتمی الهی است. خداوند می فرماید: «ما هیچ رسولی نفرستادیم مگر آن که به لسان قومش صحبت می کرد(ابراهیم/۴)

قرآن، حقیقتی فراتر از زبان است و قبل از آن که به زبان عربی درآید، در مرحله ای از هستی وجود داشته که در آن مرحله، عقول بشر به آن دسترسی نداشت. خداوند آن را از موطن اصلی اش پایین آورده و در خور فهم بشر کرده و به لباس واژه ی عربیت در آورد به این امید که عقول بشر با آن انس بگیرد و حقایقش را بفهمد(المیزان-ج۱۸-ص۱۲۲)

پس لبّ و اصل قرآن، فراتر از زبان و گنجانده شدن در زبان خاصی است، اما درباره ی این که چرا به زبان عربی نازل شده، باید گفت: جدا از خصوصیات ذاتی زبان عربی که این زبان را زبانی قانون مند و در قلّه ی فصاحت و بلاغت در بین زبان ها قرار داده است، پیامبر (ص) اسلام بر قومی مبعوث شد که به زبان عربی سخن می گفتند و ایشان برای ابلاغ پیام خداوند، باید معجزه ای قابل فهم برای آنان ارائه می کرد تا او را انکار نکنند، به خدا ایمان آورند و در راه گسترش دین تلاش کنند. البته این قابل فهم بودن به معنای فهم همه ی حقائق قرآن نیست؛ چرا که حقائقش نامحدود است، بلکه فهم زبان و فهم اجمالی بعضی از حقائق، مورد نظر است.

ادامه دعا:

أَبْنَ طَامِسُ أَثَارِ الرَّبِّغِ وَ الْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكَيْدِ [الْكَذِبِ] وَ الْاِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاهِ وَ الْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَ التَّضْلِيلِ وَ الْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدْكَ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ [الْكَلِمِ] عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَأْيِهِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا،

کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع کننده دامهای دروغ و بهتان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی کنندگان، کجاست ریشه کن کننده اهل لجابت و گمراهی، و بی دینی کجاست عزّت بخش دوستان، و خوارکننده دشمنان، کجاست گردآورنده سخن بر پایه تقوا، کجاست در راه خدا که از آن آمده شود، کجاست جلوه خدا، که دوستان به سویش روی آورند، کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان، کجاست صاحب روز پیروزی، و گسترنده پرچم هدایت، کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا،

شرح:

زمانیکه انحراف و هوای نفسانی بر جامعه غلبه کند – آنگاه که همه از حبل الله المتین جدا شوند و دسیسه های دروغ و خدعه و ضلالتها شکل گیرد ، در جامعه الحاد و کفر و معاند زیاد شود. کجاست آن نابود کننده انحرافات، کجاست آن قطع کننده انحرافات و دروغ و کذب ، کجاست آن هلاک کننده متکبران و سرکشان جهان ، کجاست آن عزّت دهنده دوستان خدا و ولایت ، کجاست آن خوار کننده دشمنان ولایت ، کجاست او که شعارش تقوی است، کجاست

آن وجه الهی که از دروازه علم و ایمان وارد شود، کجاست آن حجت روی زمین که کفر را از زمین بر دارد و پرچم هدایت را بر افشاند ، کجاست آن آرام کننده دلها که پریشانیها ی خلق را اصلاح و دلها را خشنود سازد. و اینک در روایات:

۱- امام صادق(ع) فرمود: کسیکه با امامیکه امامتش از جانب خدا است کسی را شریک کند که امامتش از جانب خدا نیست بخدا شرک گشته است. (اصول کافی، کتاب الحجّة ۹۵۷)

۲- ابن ابی یعفور گفت: شنیدم امام صادق(ع) می فرمود: سه کس هستند که خدا در روز قیامت به آنها نظر نکند - پاکشان نسازد و عذابی دردناک دارند؛ کسیکه امامتی را که از جانب خدا ندارد ادعا کنند و هرکه امام از جانب خدا را انکار کند و آنکه معتقد باشد ایندو از اسلام بهره ای دارند(کتاب الحجّة حدیث ۹۶۳)

۳- "من مات ولیس له امام فمیتة میتة جاهلیة" هر که بمیرد و پیشوایش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

حارث بن مغیره گوید: به امام صادق عرض کردم: پیغمبر فرموده است.

امام صادق(ع) فرمود: آری؛ عرض کردم: جاهلیت کامل یا جاهلیتی که امامش را نشناسد. فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی (اصول کافی، کتاب الحجّة ج-۲ ترجمه)

## ۴- شناخت ولی فقیه

الف- در صحیحۀ زراره از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود:

"بنی الاسلام علی خمسة اشياء : علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولاية زراره می پرسد کدامیک برترند؟ امام می فرماید : ولایت زیرا ولایت کلید دیگر فرائض است . و والی (ولی امر مسلمین رهبر و هدایت کننده به سوی پایه های شریعت است. (کافی شریف ج ۲ - ص ۱۸)

در کتاب سلیم بن قیس هلالی (ص ۱۸۲) در فرمایش مولا امیرالمؤمنین می خوانیم:  
" والواجب - فی حکم الله و حکم الاسلام علی المسلمین بعد ما يموت امامهم ... ان لا يعملوا و لا یحدثوا حدثا و لا یقدموا یدا و لا رجلا و لا یبدا و ابشی قبل ان یختاروا لانفسهم اماما عقیفاً

عالمًا ورعا عارفا بالقضا و السنة يجمع أمرهم و يحكم بينهم و يأخذ للمظلوم من الظالم حقه و يحفظه اطرافهم.

بر مسلمانان واجب است پس از فوت امام (ولی امر مسلمین) پیش از هر کار رهبری را انتخاب کنند که پاکدامن ، دانشمند ، پارسا و دارای شناخت به احکام دین باشد. ، تا محور جمع گردیده و حق مظلوم را از ظالم بستاند و از پهنای سرزمین اسلام حراست نماید.

عمید الشیعه ، ابو عبدالله محمد بن نعمان بغدادی معروف به شیخ مفید (متوفای سال ۴۱۳) در کتاب "المقنعه در باب امر به معروف و نهی از منکر فرموده است:  
"اجرای حدود و احکام انتظامی اسلام ، وظیفه سلطان اسلام است که از جانب خداوند منصوب گردیده اند ، می باشند . و امامان نیز این امر را به فقهای شیعه تفویض کرده اند تا در صورت امکان مسئولیت اجرائی آن را بر عهده گیرند.  
(المقنعه ص ۸۱۰-۸۱۱)

" فقد فرّضوا (ع) الی الفقهاء اقامة الحدود والاحکام بین الناس بعد ان لا يتعدوا واجبا و لا يتجاوزوا حداً و امروا عامة الشیعه بمعاونة الفقهاء علی ذلك ، ما استقاموا علی الطریقه و لم یحیدوا....

امامان معصوم (ع) اجرای احکام انتظامی را به فقها واگذار نموده و به عموم شیعیان دستور داده اند تا از ایشان پیروی کرده ، پشتوانه آنان باشند ، و آنان را در این مسئولیت یاری کنند. ( المرأ سم العلویه- ص ۲۶۳-۲۶۴)

" و اما اقامة الحدود فانها الی الامام خاصّة او من یأذن له . و لفقهاء الشیعه فی حال الغیبة ذلك..... و للفقهاء الحکم بین الناس مع الامن من الظالمین ، و قسمة الزکوات و الاخماس والافتاء....." اجرای احکام انتظامی ، در عصر حضور ، با امام معصوم یا منصوب از جانب او ، و در عصر غیبت با فقهای شیعه می باشد و همچنین است گرفتن و تقسیم زکات و خمس و تصدی منصب افتاء. (ایضاح الفوائد ج ۱ ص ۳۹۸-۳۹۹)

ب- جماعت مسلمین ، امت رسول خدا (ص) چه کسانی هستند؟

فقال: "جماعة امتی اهل الحق وان قلوبا"

فرمودند: جماعت امت من کسانی اند که اهل حق باشند ، و حقیقت را یافته باشند ، گر چه اندک باشند. (کتاب المحاسن - برقی ج ۱ ص ۳۴۶ رقم ۱۲۲/۷۲۰)

ج- امام راحل (ره) می فرماید:

"فما هو دليل الامامة ، بعينه دليل على لزوم الحكومة بعد غيبة ولي الامر عجل الله تعالى فرجه الشريف" (کتاب البيع ج ۲ ص ۴۶۱)  
دلیلی که بر ضرورت امامت اقامه می گردد ، عیناً بر ضرورت تداوم ولایت در عصر غیبت دلالت دارد . و آن لزوم بر پا داشتن نظام و مسئولیت اجرای عدالت اجتماعی است.

د- امام علی بن موسی الرضا (ع) می فرماید:

"هیچ گروهی و ملتی بدون زعیم و رهبر نمی توانند به حیات اجتماعی خود ادامه دهند، تا در تنظیم امور دین و دنیای آنان بکوشد . و در حکمت خداوندی نشاید که مردم را بدون معرفی رهبر رها سازد. و هر آینه اگر چنین بود ، نظام امت از هم می پاشید و شیرازة شریعت از هم می گسست، و جامعه بشری به تباهی می گرایید.....  
( روایت معتبر صدوق در کتاب علل الشرایع (ط نجف) ج ۱ ص ۲۵۲ باب ۱۸۲)

امام صادق (ع) می فرماید:

" انّ الله اجل و اعظم من ان يترك الارض بغير امام عادل" (کافی شریف ج ۱ ص ۱۷۸ رقم ۶)  
پیوسته بایستی برای مردم رهبری باشد شایسته ، تا هر گاه تند روی کنند آنان را باز دارد و اگر کوتاهی نمایند به کمال رسانند. (همان رقم ۲)

### **واژه ولایت سرپرستی و اداره جامعه است.**

ولایت فقیه مسئله کلامی است و ولی فقیه جانشین امام معصوم (ع) است که امامت آن امام معصوم جزء اصول مذهب است نه اصول الدین (جوادی آملی - شمیم ولایت)  
اصل وجوب اطاعت از ولی فقیه مانند اصل وجوب تقلید از مرجع فقهی تحقیقی است نه تقلیدی. (همان)

پیامبر آنگونه که ابن هشام در سیره اش نقل کرده پس از فتح مکه به دونفر دو سمت جداگانه داد به یکی سمت فرهنگی داد و به دیگری سمت سیاسی - اجتماعی و به اصطلاح یکی را وزیر آموزش و پرورش کرد و دیگری را وزیر کشور (سیره ابن هشام ج ۴ - ص ۱۴۳)

پس نتیجه می گیریم که هرگز فقیهان و عالمان وارد بخشهای اجرایی نمی شوند ، برخی وارد بخشهای قضایی می شوند ولی ضرورت ندارد که امور اجرایی را عالمان و فقیهان به نحو مباشرت بر عهده بگیرند بلکه تصدی افراد متدین و امین و آشنا به کار کافی است. چنانکه در زمان تصدی معصومین (ع) نیز این گونه بوده است.

## چرا مردم بیراهه می روند؟

### پاسخ:

هر آنچه که از نزد خداوند تعالی و امامان معصوم (ع) نیامده باطل است. در توقیعی از حضرت مهدی (ع) روایت است که: جاهلان شیعه و احمق های آنان و کسانی که دینشان مانند بال پشه ای هست ما را اذیت کرده اند. (الاحتجاج ۲/۲۸۹)

محمد بن مسلم گوید: شنیدم امام باقر (ع) می فرمود: نزد هیچکس از مردم مطلب حقّ و درستی نیست و هیچیک از مردم بحق قضاوت نکند ، جز آنچه از خاندان ما بیرون آید و هنگامی که امور مردم متشتت و پراکنده گردد خطا از آنها و صواب از علی (ع) است. (یعنی وقتی گفتار و عقیده مردم بر خلاف گفتار و عقیده علی (ع) باشد ، همه آنها بر باطل و علی (ع) بر حق است و پیداست که فرزندان معصوم امام علی (ع) هم موبه مو از پدر خود تبعیت کنند و این حکم در باره آنها هم جاریست. (کتاب الحجّة- اصول کافی ج ۲ ترجمه - ح ۱۰۲۸)

امام علی بن موسی الرضا (ع) فرمود: ائمه (ع) خلفای خدای عزّوجلّ در زمینش باشند (همان- ح ۵۰۷)

امام صادق (ع) فرمود: اوصیاء پیغمبر ، درهای توجه بسوی خدای عزّوجلّ باشند و اگر ایشان نبودند ، مردم خدای عزّوجلّ را نمی شناختند و خدای تبارک و تعالی بوسیله ایشان بر خلقش احتجاج کند. (همان ح ۵۰۸)

با خالد از امام باقر (ع) در مورد آیه ۸ سوره تغابن ؛ سؤال شد: " فآمنوا بالله و رسوله والنور الدّی انزلنا" - امام باقر (ع) فرمود: ای اباخالد ، نور امام در دل مؤمنان از نور خورشید تابان در روز روشن تر است و ایشانند که دلهای مؤمنین را منور کنند و خدا از هر که خواهد نور ایشان را پنهان دارد پس دل آنها تاریک گردد و در ظلمت رود. (همان- ح ۵۱۲)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مصلح امور عالم است با پرچم هدایت، حق در دنیا به خاطر وجود شریف ایشان و مصلح جهانی بقاء دارد . از امام صادق (ع) آمده : اگر زمین بدون امام بماند از هم می پاشد (اصول کافی- ج ۱ ح ۱۷۹)

**تجدید بنای اسلام پس از کهنه و فرسوده شدن آن:**

در بحار به نقل از ارشاد القلوب دیلمی از حضرت صادق(ع) روایت است که فرمود:

هنگامی که قائم بپاخیزد مردم را بار دیگر به اسلام دعوت کند و آنها را به امری که از بین رفته و عموم مردم از آن جدا گشته و به گمراهی افتاده اند هدایت فرماید. برای این جهت حضرت قائم (ع) را مهدی نامیده اند که به امری از آن وامانده اند، هدایت می کند و بدین سبب او را قائم نامیده اند که به حق قیام می کند. (بحار الانوار ۳۰/۵۱)

### برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی(ع):

طبق آیات و نشانه ها و روایات برنامه حکومتی امام عصر(ع) عبارتند از: احیای کتاب و سنت- گسترش معرفت و اخلاق- رشد دانش بشر بطور بی سابقه - مبارزه با بدعتها- برنامه های اقتصادی دوران حاکمیت حضرت(ع) از جمله؛ بهره وری از منابع طبیعی- توزیع عادلانه ثروت (عدالت) - عمران و آبادی به گونه ای که هیچ ویرانه ای نماند. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر - مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی(این قاطع الکذب و الافتراء ..) عدالت قضایی- (آفتاب مهر- نوشته جمعی از محققین برگرفته از بحار الانوار- نهج البلاغه - و الغیبه)

ادامه دعا:

أَيُّ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيُّنَ الطَّالِبِ [الْمُطَالِبُ] بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ  
أَيُّنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى أَيُّنَ الْمُضْطَّرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيُّنَ صَدْرُ  
الْخَلَائِقِ [الْخَلَائِفِ] ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى أَيُّنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى  
وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَ ابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَفَاءُ وَ  
الْحِمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُفَرِّبِينَ يَا ابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيِّينَ  
[الْمُهْتَدِينَ] يَا ابْنَ الْخَيْرِ الْمُهْدِيِّينَ يَا ابْنَ الْغَطَارِفِ الْأَنْجَبِينَ يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ  
[الْمُسْتَظْهِرِينَ] يَا ابْنَ الْخَضَارِمِ الْمُنتَجِبِينَ يَا ابْنَ الْقَمَاقِمِ الْأَكْرَمِينَ [الْأَكْبَرِينَ] يَا  
ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرِ يَا ابْنَ السَّرْجِ الْمُضِيئِ يَا ابْنَ الشُّهْبِ النَّاقِبِ يَا ابْنَ الْأَنْجَمِ  
الزَّاهِرِ،

کجاست خواهنده خون پیامبران و فرزندان پیامبران، کجاست خواهنده خون کشته در کربلا، کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد، کجاست آن مضطری که اجابت شود هنگامی که دعا کند، کجاست سرسلسله مخلوقات، دارای نیکی و تقوا، کجاست فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن جبین، و فرزند فاطمه کبری؟ پدر و مادر و جانم فردایت شود، برایت سپر و حصار باشم، ای فرزند سروران مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریاها بی کران بخشش

گرامی‌تر، ای فرزند ماههای نورافشان، ای فرزند چراغهای تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان،

**شرح:**

**رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه اش کنیه من ، از نظر خلق و خوی شبیه ترین مردم به من است (مکیال المکارم ص ۲۷۰)**

از جمله القاب امام زمان (ع) "المنتقم" است و در کمال الدین به سند خود از امام صادق (ع)، از پدران بزرگوارش ، از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت کرده است که پیغمبر فرمود: هنگامی که به سوی معراج برده شدم ، پروردگار من به من وحی فرمود که "ای محمد" من نظری به سوی زمین افکنم و تو را از ان اختیار نمودم و پیغمبر ساختم و اسم تو را از نام خود برگرفتم که من محمودم و تومحمدی . دوباره بر زمین نظر افکنم علی را از آن برگزیدم او را وصی و خلیفه و شوهر دختر تو قرار دادم و برای او نامی از نامهای خود بر گرفتم پس من علی اعلی هستم و او علی است و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما خلق کردم.

ای محمد اگر بنده ای از بندگام آن قدر عبادتم کند تا در مانده شود و بدنش مانند مشک پوسیده گردد ، ولی در حالیکه منکر ولایت آنان باشد به نزد من آید ، او را در بهشتم جای نخواهم داد و در زیر عرشم سایه نخواهم بخشید.

ای محمد ! می خواهی آنان را ببینی؟ عرض کردم، آری. پروردگارا! خداوند عزوجل فرمود: سرت را بلند کن پس سرم را بلند کردم نا گاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و نه فرزند حسین را مشاهده نمودم . عرض کردم :

پروردگارا! اینها کیانند؟ فرمود: این ها امامان هستند. این قائم است، آنکه حلال مرا حلال و حرام مرا حرام کند . بوسیله اوست که از دشمنان اسلام انتقام می گیرم . او برای اولیای من مایه راحت است و اوست که دل شیعیان و پیروان تو را از ظالمین و کافرین شفا می بخشد ولات و عزّی را تر و تازه بیرون می آورد و می سوزاند ، البته فتنه و امتحان مردم به آنان سخت تر از فتنه گوساله و سامری خواهد بود.(کمال الدین ۱/۲۵۲)

در تفسیر قمی در مورد آیه " فمهلّ الکافرین أمهلهم رُوبدا" (طارق/۱۷) چنین آمده است: برای هنگام قیام قائم پس او از جبارها و طاغوتها ی قریش و بنی امیه و سایر مردم برای من انتقام می گیرد.



## أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ:

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در باره آیه مبارکه " امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض " (نمل / ۶۲) آیا جز خدا کیست که دعای مضطر را به اجابت برساند و شما را جانشینان زمین قرار دهد. از صالح بن عقبه روایتی نقل کرده است که امام صادق(ع) فرمود: این آیه در باره قائم آل محمد(ع) نازل شده است . آن مضطری که هر گاه در مقام ابراهیم دو رکعت نماز بگذارد و خداوند او را بخواند و دعا کند ، خداوند دعای او را اجابت فرماید و او را خلیفه در زمین قرار دهد. (تفسیر قمی ۴۹۷)

امام زمان(ع) ثارالله است او کسی است که انتقام خون اجداد طاهرین خود را از خلائق نابکار خواهد گرفت. او منصور است و ولی دم امام حسین(ع) - در کافی از امام صادق(ع) وارد شده : اگر اهل زمین به خاطر حسین (ع) کشته شوند ، اسراف نیست(روضه کافی ۲۵۵/۸) ثار با اضافه به الله ، خداوند را ولی دم خون حسین قرار داده و آن فرصتی در رجعت است که حسین (ع) همراه فرزندش مهدی(ع) انتقام خود و پدران و فرزندان خود را از دشمنان می گیرند.

در فرهنگ شیعه خون حسین به عنوان نماد عزّت، حق طلبی و ظلم ستیزی شناخته می شود و در طول تاریخ با هویت شیعه پیوند خورده است. به عنوان مثال در جریان انقلاب اسلامی ایران شعار «خون حسین می جوشد، خمینی می خروشد» یادآور این مفهوم و نمایانگر اثر آن در برانگیختن شیعیان است. و امام مهدی(ع) انتقام گیرنده از دشمنان اسلام است همچنانکه در طی قرون متوالی علماء شیعه بخصوص امام خمینی (ره) انتقام خون شهداء را از طاغوتیان زمان خود گرفتند.

## بِأَبِي أُمَّتٍ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَفَاءُ وَ الْجَمِي

این جمله بآبی و اُمی در اصل بمعنی فدا کردن است و معنی آن چنین است که اگر آفت و بلائی بشما روی آورد، خداوند متعال جان پدر و مادر و خودم را فدای تو کنی و تو را زنده و پاینده بدارد. و این کلام دلالت دارد که شخص مخاطب در نظر گوینده عزیزتر از پدر و مادر و جان خودش میباشد.

البته صحت این کلام و معنای حقیقی آن موقوف است بر زنده بودن مخاطب و زنده بودن پدر و مادر گوینده، زیرا که مرده فدای زنده نمیشود، ولی در اثر کثرت استعمال وضع تخصصی پیدا کرده و در مطلق تعظیم و تجلیل از مخاطب گفته می شود که مقصود و منظور فقط جلالت و بزرگی مخاطب است، و اظهار ارادت نمودن باینکه من خود را مهیا کردم که در مواقع خطر خود

را فدای تو نمایم. (مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید محیی الدین العلوی طالقانی در شرح دعای ندبه- سایت غدیر)

### یا ابن السادة المقربین:

ای فرزند بزرگان مقربان درگاه الهی:  
شرح: سید بر حسب معنی لغوی کسی را گویند که شریف و بزرگ قومی باشد و در اخبار و ادعیه، انبیاء و اوصیا را سید گویند چنانکه گفته شده سادة النبیین خمسة: نوح ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم و در حدیث آمده که فرمود: أنا سید ولد آدم و همچنین فرمود: أنا سید النبیین و علی سید الوصیین. از طرق خاصه و عامه بتواتر نقل شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة المقربین - یعنی نزدیکان، و آنان کسانی هستند که بواسطه اعمال حسنه و رفتار پسندیده، اشعه ای از نور خدا در وجودشان پرتو افکنده و متصف به کمالات و صفات عالیه شده اند، و بدین وسیله بخداوند متعال تقرب پیدا کرده و از زمره مقربین شده اند اما نه قرب مکانی بلکه قرب روحانی و معنوی.

در مجلد ۷ بحار ص ۸۲ در تفسیر آیه فاما ان كان من المقربین فروج و ریحان و جنة نعیم - واقعه: ۸۸ و ۸۹- و اما اگر (آنکه جانش بحلقوم رسیده) از مقربین باشد- پس راحتی و رزق و جنت نعیم دارد. راوی گوید من از امام محمد باقر علیه السلام از این آیه سؤال کردم؟ فرمود: مصداق (کامل) آن امیرمؤمنان و امامان پس از اوست.  
و همچنین در تفسیر آیه عینا یشرب بها المقربون - مطغفین: ۲۸ که وصف رحیق مختوم است و آن چشمه ای است که مقربین از آن چشمه می نوشند. و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: مقربون آل محمدند. (همان)

### یا ابن النجباء الاکرمین :

ای فرزند اصیل (و شریف) بزرگوارترین اهل عالم :  
شرح: نجباء جمع نجیب بر وزن فعیل و آن کسی را گویند که دارای اخلاق فاضله و صفات پسندیده باشد. و کریم بکسی گویند که دارای همه قسم خیر و شرف و فضیلت باشد بدانکه پدران و بلکه مادران حجت‌های خدا و ائمه معصومین و انبیای گرامی باید موحد و خداپرست باشند، و نسبشان پست و مورد شبهه و شرک و بت پرستی نباشد خدا فرماید: و تقلبک فی الساجدین - شعراء: ۲۱۹- (و همچنین گشتنت میان سجده کنندگان.) که طبق روایات فریقین یعنی انتقال او را از صلب این موحد خداپرست به صلب آن خداپرست می دید انس بن مالک از معاذبن جبل روایت کرده که رسولخدا صلی الله علیه و آله در ضمن بیاناتی فرمود: چون خداوند اراده کرد ما را خلق کند، منشأ خلقت ما را از نوری قرار داد و در صلب آدم مستقر ساخت و ما را از صلب پدران پاک و رحم مادران پاکیزه بیرون آورد و ما آلوده به نجاست شرک و کفر نشدیم. (همان)

### یا ابن الهداة المهديین:

ای فرزند هادیان هدایت یافته :  
شرح: همانطوری که قرآن، هادی و راهنمای همه مردم است و فرمود: هدی للناس - بقره:

۱۸۵- ولی موفقیت هدایت شامل حال کسانی میشود که نفس آنان آلودگی نداشته باشد و پاک و پاکیزه باشند تا پرتو نور هدایت آن دلها را منور سازد چنانچه می فرماید: ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین - بقره: ۲- این کتاب که شکی در آن نیست که مایه هدایت پرهیزگاران است هم چنین حجت های خدا و ائمه معصومین هادی تمام مردم میباشند.

### یا ابن الخیرة المهدیین:

ای فرزند بهترین اشخاص پاکیزه سرشت:

شرح: کلمه مهذب اسم مفعول از باب تهذیب است بمعنای پیراسته و تربیت و پاکیزه شده. و بموجب روایات و زیارات وارده پدران و مادران ائمه معصومین و حجج الهی منزله از اخلاق رذیله و افعال قبیحه و واجد اخلاق حسنه و کمالات نفسانیه بوده اند.

در تفسیر برهان ذیل آیه شریفه و تقلبک فی الساجدین شعراء: ۲۱۹- روایتی نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب جابرین عبدالله انصاری که از او سؤال کرده موقعی که آدم در بهشت بود شما کجا بودید بیاناتی دارد تا اینکه گوید: پدران و مادران من هرگز نابکار نبودند و خداوند پیوسته مرا از صلب های پاک به رحم های پاکیزه منتقل می کرد

در زیارت وارث میخوانیم اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسک من مدلهمات ثیابها یعنی: گواهی میدهم که تو نوری بودی در صلب های عالی پاک پدران و رحمهای پاکیزه مادران و شرک و ناپاکی های عصر جاهلیت تو را آلوده نساخته و غباری از تاریکیهای آن عصر و زمان بر دامنت نه نشست و مراد از جاهلیت آن حالت و طریقه اغلب اعراب قبل از اسلام است چه از نظر شرک در عبادت و پرستش و چه از نظر اخلاق و رفتار که کفر و شرک و غارت اموال و خونریزی بر آنان حکمفرما بود و بحدی اخلاق رذیله و صفات ناپسند و سخت دلی در آنها جلوه گر شده بود که دختران خود را زنده بگور می کردند و باکی نداشتند بلکه افتخار هم می کردند چنانکه در قرآن کریم آمده: و اذا الموءودة سئلت بای ذنب قتلت - تکویر: ۸ و ۹- (روزی که پدران مورد سؤال قرار می گیرند که به چه جرم و گناهی اطفالتان را کشتید .

و چه بسا زنان خود را هم مبادله می کردند چنانکه در مجلد ۲۳ بحار ص ۸۶ نقل شده که مبادله در زمان جاهلیت چنین بود مردی به مرد دیگر می گفت زن خود را با زن من عوض کن و بعد در اثر شعاع نور اسلام این گونه خرافات و صفات رذیله و افعال ناپسند از میان آنان برداشته شد. و در این جمله تو می گوئی ای پسر رسول خدا اخلاق زشت و ناپسند جاهلیت شامل حال شما و اجداد طاهرینت نگشت و آن صفات رذیله و ناپسند جاهلیت شامل حال شما و اجداد طاهرینت نگشت و آن صفات رذیله و ناپسند بقامت شما پوشانده نشده. و هر چند در این زیارت خطاب بحضرت سید الشهداء علیه السلام است ولی شامل تمام حجت های خدا میباشد

تنبيه- بدانکه حجت و خلیفه خدا را شرایطی لازم است که بایستی واجد آن باشد شرط اول- آنست که نسبت شریفش پاک باشد و از هرزگی زناى آباء و امهات دور و از شبهه هم خالی باشد، چه آنکه زنازاده و اولاد شبهه وجودشان از اخلاق رذیله منزّه نخواهد بود، و بسا مؤمن بخدا و متدین بدین حق، هم نشوند چه رسد به اینکه حجت و خلیفه گردند. و کسی که دارای چنین نسبت پستی باشد در معرض لطمه زدن به اعراض و نوامیس مردم و خون ریزی خواهد بود، البته چنین کسی لایق و شایستگی مقام خلافت و حجت را نخواهد داشت .

شرط دوم - آنکه پدران و مادرانشان مشرک و بت پرست نباشند بلکه موحد و خدا پرست و پیرو پیغمبران زمان خود باشند.

شرط سوم- آنکه در اصل خلقت تام الأعضاء و جوارح باشند و در خلقت طبیعی نقصی نداشته باشند مثلاً کور مادرزاد و یا کر و شل نباشند، و یا دارای امراضی که باعث نفرت مردم از آنان میشود مانند مرض خوره و پیسی و امثال آن نباشند.

شرط چهارم- که عمده و اساسی است آنکه از اخلاق و صفات زشت و ناپسند روحی و اخلاق هم منزّه باشند مانند صفت بخل و حسد و سفاهت و امثال آن، و دلیل و برهان این نوع شرائط آنستکه کسی که دارای این عیوب ظاهری و باطنی باشد مردم رغبت بدو پیدا نمی کنند و حاضر به اطاعت او نیستند و از او متنفرند، و چنین کسی شایستگی امامت و هدایت مردم را ندارد، و بحکم عقل سلیم، قبیح است بکسانی که از این گونه صفات منزّه باشد امر شود که اطاعت کنند از کسی که دارای این نواقص و عیوب باشد. و تو هم نشود که این شرایط و اوصاف راجع و مربوط به پیغمبر است نه امام زیرا که امامت الهی نیز تالی مرتبه نبوت و رسالت الهی است، و بحکم عقل ثابت است که نایب باید دارای صفات منوب عنه باشد. بلکه میتوان گفت مقام امامت بالاتر از مقام نبوت بی امامت است. (همان)

یا ابن الخضارمة المنتجبین:

(.ترجمه : (ای فرزند شاخص سروران از برگزیدگان

شرح : خضارمه و خضارم: جمع خضرم بمعنای سرور و زیاد بخشنده. و منتخب اسم مفعول از باب افتعال بمعنای انتخاب و برگزیده شده. در مجلد هفتم بحار ص ۲۱۲ (۳۷۷) روایت مفصلی از امام هشتم علیه السلام نقل شده که قسمتی از آن چنین است: امام از لوث گناهان پاکیزه و از عیوب بدنی منزّه، و بعلم و دانش مشخص، و بحلم و بردباری آراسته، و باعث نظام دین و عزت مسلمین، و بخشم آورنده منافقان، و تباه و هلاک کننده کافران است.

یا ابن القمامة الاکرمین:

ای فرزند مهترین و گرامی ترین خلق :

شرح : قمامة جمع قمام بمعنای سید و سرور، و به امر بزرگ و عدد زیاد هم گفته شده. در

مجلد هفتم بحار ص ۲۱۲- در دنباله آن روایت که گذشت حضرت رضا علیه السلام می فرماید: امام یگانه فرد روزگار است، و کسی بمرتبه کمالات او نمیرسد، و نه عالمی به پایه درجات علمی او، و در صفات و اخلاق و روحیات مثل و نظیری برای او نیست، و به فضیلت و برتری اختصاص دارد، کسب فضیلت از کسی نمی کند بلکه جمله فضائل او از طرف خداوند فضیلت بخش است .

### یا ابن الاطائب ( المعظمین ) المطهرین

ای فرزند نیکوترین پاکان عالم:

شرح : اطائب جمع اُطیب صفت تفضیلی طائب و طیب است. در همان روایت ، حضرت رضا علیه السلام می فرماید: پس کیست بتواند امام را بشناسد و بتواند اختیار کند او را هیئات ای کاش میشد. اما چقدر دور است عقلها گمراه، فکرها پریشان، و خردها سرگردان، و چشم ها کم سو، و بزرگان کوچک، و حکماء حیران، و خردمندان کوتاه دید ، و خطیبان محصور و از سخن پراکنی باز مانند، و خردمندان نادان گردند، و شاعران خسته و فرومانده، و ادیبان عاجز و ناتوان، و سخن پردازان خسته و ملولند از این که بتوانند شأنی از شئون امام و یا فضیلتی از فضائل او را صف کنند، بلکه اظهار عجز و ناتوانی می نمایند.

### یا ابن البدور المنيرة

ای فرزند ماههای تابان فروزنده

شرح : بدور: جمع بدر بمعنای ماه کامل و ماه شب چهارده است. خداوند متعال بمقتضای صفت رحمانیت موجبات سعادت بشر را از هر حیث و هر جهت در این عالم دنیا فراهم ساخته است، از آن جمله آفرینش خورشید و ماه و ستارگان درخشنده، که اگر این حرارت و انوار روشنی دهنده نبود افراد بشر و حیوانات توانائی زندگی نداشتند، و در ظلمت و تاریکی محض قدرت حرکت و جنبش نداشتند و چیزی را نمی دیدند و آن را تشخیص نمیدادند، زیرا رؤیت بوسیله نور است. و همچنین خداوند برای تأمین سعادت زندگی اجتماعی و فوز بسعادت دارین یعنی دنیا و آخرت، در هر دوره و هر عصر حجت و امامی قرار داده که وجود هر یک همانند نور خورشید و ماه است، تا بشر بنور هدایت آن بزرگواران قدرت بر تحصیل موجبات سعادت دنیا و آخرت خود را بتوانند فراهم آورد .

وجود اولیای حق مانند آفتاب است که هر چند در زیر ابر باشد ولی با اینحال موجودات دیگر از آن بهره مند میشود. و حضرت ولی عصر- ارواح العالمین له الفداء- توقیع و نامه ای که به محمد بن عثمان (یکی از نواب چهارگانه خود) صادر فرمودند و بوسیله محمد بن عثمان به علاقمندان ابلاغ گردیده فرمود: و أما وجه انتفاع مردم از من در دوره غالبی بودم همانند انتفاع مردم است از آفتاب وقتی که ابر آنرا بیوشاند و از دید مردم مخفی کند، و من ایمنی بخش اهل زمینم، چنانکه ستارگان فروزان برای اهل آسمان(۱۳ بحار ص - ۱۲۹)

البته آفتاب در اثر دارا بودن نور و شعاع که به تمام منظومه و سیارات خود می‌رساند و بشر و جنبندگان روی زمین از آن بنحو اتم و احسن بهره‌مند میشوند و در تربیت و پرورش عناصر و ترکیب مرکبات تأثیر بسزائی دارد، و نور سایر کرات منظومه هم بوسیله او ایجاد میشود، دارای خصایص حیات بخش است. وجود مبارک ولی عصر نیز برای تربیت و پرورش عقول و ارواح و نفوس بشر و حیات و سعادت انسانی تأثیر بسزائی دارد، و میتوان گفت وجود او و پیروی دستوراتش موجب حیات جاودانی و رسیدن به مقام شایسته انسانیت و نیل بسعادت است.

مرحوم مجلسی در مجلد ۱۳ بحار باب علة الغيبة و كيفية انتفاع الناس به فی غيبة صلوات الله علیه ص ۱۲۹ در وجه تشبیه آنجناب بآفتاب توضیحی دارد که خالی از فائده نیست و طالبان بدانجا رجوع کنند. (بحار الانوار مجلد ۵۲ جدید ص ۹۳-)

### یا ابن السرج المضيئة، یا ابن الشهب الثاقبة، یا ابن الانجم الزاهر

ای فرزند چراغهای فروزان، ای فرزند اختران تابناک، ای فرزند ستارگان نور افشان خوش رنگ شرح: منشأ اختلاف این تعبیرات در دعا ممکن است بملاحظه اوضاع زمانی باشد، گاهی دارای قدرت ظاهری هم بودند و مردم کاملاً بنور هدایت آنان بهره‌مند میشدند همچون روشنائی ماه در شب چهاردهم در آسمان صاف، و دیگر زمانی بوده که این چنین نبوده ولی ممنوع از هدایت هم نبودند، و گاهی هم گرفتار خلفا و سلاطین جور بودند و استفاده از وجودشان و هدایتشان کم بوده،

و شاید علت اختلاف این تعبیرات از جهت انتساب به آباء و اجدادشان چون پیغمبر اکرم و علی بن ابی طالب و ائمه دیگر صلوات الله علیهم اجمعین بوده باشد. چنانکه در تأویل آیات سوره و الشمس و تطبیق بر مصادیق آن در بعضی روایات آمده است.

در مجلد ۷ بحار صفحه ۱۰۵- در باب انهم النجوم. ابو بصیر گوید از امام ششم (ع) از قول خدای تعالی و الشمس و ضحیها (قسم بخورشید و نور و روشنی آن) سؤال کردم؟ فرمود: شمس رسول الله است که خدا بوسیله او دینش را برای مردم واضح و آشکار ساخت. سپس از و القمر اذا تلاها از آن امام سؤال کردم؟ فرمود: مراد از ماه امیرمؤمنان است، (که از نور پیغمبر اقتباس مینمود) بعد سؤال کردم از آیه و النهار اذا جلاها (سوگند بروز که آنرا روشن نموده)؟ فرمود: مراد امام از ذریه فاطمه (سلام الله علیها) است که چون از او از دین رسول خدا سئوالی شود آن را برای سائل بیان می‌کند، آنگاه پرسیدم از آیه و اللیل اذا یغشاها؟ فرمود: پیشوایان جور آنانکه مستبد برآی خود هستند (و به فرمان پیغمبر علیه السلام توجه ندارند) و جای آل پیغمبر که شایسته ترند می‌نشینند، و دین رسول را آغشته می‌کنند به ظلم و جور، و این است قول خدا که می‌فرماید: و اللیل اذا یغشاها که ظلمت شب و روشنائی روز را می‌پوشاند.

در مجلد ۷ بحار ص ۱۱۲ بیاناتی از امام هشتم علیه السلام نقل شده تا آنکه گوید: امام ماه تام درخشان، و چراغ روشنی بخش، و نور تابنده، و ستاره راهنما در ظلمت های تیرگون، و سرزمین بی علامت و نشان، و امواج کوه پیکر دریاها- الخ(همان)

ادامه دعا:

يَا ابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ  
الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ  
الْمَشْهُودَةِ [الْمَشْهُورَةِ] يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ  
فِي أَمْرِ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا  
ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ  
طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ،

ای فرزند راههای روشن، ای فرزند نشانه‌های آشکار، ای فرزند دانشهای کامل، ای فرزند آیینهای مشهور، ای فرزند نشانه‌های حفظ شده، ای معجزات موجود، ای فرزند دلیلهای محسوس، ای فرزند راه مستقیم، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که در امر کتاب، نزد خدا، والا و حکیم است، ای فرزند آیات و نشانه‌ها، ای فرزند دلیلهای آشکار، ای فرزند برهانهای نمایان، ای فرزند حجتهای رسا، ای فرزند نعمتهای کامل، ای فرزند طه و آیات محکم،

### یا ابن السبیل الواضحة :

ترجمه : ای فرزند راههای روشن و آشکار :

مجلد ۷ بحار ص ۸۵- که خدا فرموده: و اتبع سبیل من اناب الی - لقمان / ۱۵- (و پیروی کن طریقه کسی که سوی من باز گشته است و در توحید و اخلاص و طاعت متوجه من بوده.)  
امام صادق علیه السلام فرمود: و اتبع سبیل محمد و علی یعنی پیروی کن راه محمد و علی را .

در ص ۸۴ همان مجلد- فرمود: بخدا قسم مائیم آن راهی که خداوند شما را امر کرده از آن راه پیروی کنید. و در زیارت جامعه آمده است: انتم السبیل الاعظم ای آل پیغمبر شمائید جاده و راه راست مهم و بزرگ خدائی.

امام زمان (ع) مصداق بارز قرآن ناطق است که با آمدن وی همه آیات قرآن تفسیر می شود، و قرآن بر جهان حکومت می کند و از مهجوریت بیرون می آید؛ وهمه مردم به معارف ناب آن به سرعت دست پیدا می کنند.

در تفسیر صافی از کتاب کافی و تفسیر عیاشی در تأویل طه و المحکمات از امام صادق(ع) روایت شد که فرمود: إِنَّ الْمَحْكَمَاتِ امير المؤمنين و الائمه اطهار(ع) است.

برای رسیدن به تأویل قرآن ؛ باید متشابهات قرآن را به محکّمات قرآن ارجاع داد که محکّمات با توجه به روایات اهل بیت تفسیر می گردد. پس نتیجتاً قرآن و عترت در کنار هم تأویل و تنزیل قرآن را نشان می دهد . پس با توجه به این بیان "طه" اسم پیامبر(ص) و المحکّمات ائمه (ع) هستند که هیچ وقت از قرآن جدا نیستند و این دو مکمل یکدیگرند.

"واسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنه"(لقرمان/۲۰) نعمتهای ظاهری و باطنی خویش را بر شما تمام کردم. از حضرت موسی بن جعفر (ع) در تأویل این آیه سؤال شد، ایشان فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطن ، امام غائب است (کمال الدین ۳۶۸/۲ باب ۳۴ ذیل ج ۶)

در جمع بندی به این نتیجه می رسیم: اوّل در همه احادیث حالت تقیّه و ترس از دشمن دیده می شود. علت اینکه اسم خاص حضرت مهدی(ع) است که از ذکر آن نهی شده است . علی(ع) می فرماید: " اسم خاص حضرت ودیعه الهی است و پیامبر (ص) اجازه ذکر آنرا نداده اند."

ثانیاً: حمل تمام احادیث منع بر زمان تقیّه و ترس از دشمن با توجه به تعداد زیاد آن احادیث و تصریح امام کاظم(ع) به عدم ذکر نام خاص امام مهدی(ع) را تا زمان ظهور کمی مشکل می نماید . اگر این احادیث ، حرمت ذکر اسم خاص امام مهدی(ع) را تا زمان ظهور ثابت نکنند حداقل کراهت آنرا اثبات می کنند. مرحوم آیت ا... محسن امین در جمع میان اخبار نهی و تسمیه می نویسد: تصریح به اسم خاص امام مطلقاً مکروه است ولی ذکر نام خاص آن حضرت صراحتاً با کنایه در زمان حضرت حرام است. بنابراین شایسته است که با توجه به تصریح احادیث نهی ، مانیز از ذکر اسم خاص امام زمان(ع) پرهیز کنیم و از القاب آن حضرت برای ذکر یاد و نام وی استفاده کنیم.(امین - سید محسن المجالس السند ج ۵ ص ۶۷۸)

### اسامی و القاب مبارک امام زمان در کلام معصومین علیهم السلام:

مهدی  
محسن  
حامد  
احمد  
منعم  
خاتم الائمه  
ابوالقاسم  
اباصالح  
خاتم الاوصیاء  
احسان  
قطب  
خلف  
مضطر  
قائم الزمان



خليفه الله  
قيم الزمان  
خليفه الاتقياء  
ناطق  
قاطع  
فتح  
بقية الله  
كاشف الغطاء  
داعى  
ثائر  
صاحب الزمان  
وارث  
كمال  
نورالاصفياء  
كلمه الحق  
صدره المنتهى  
لسان الصدق  
صاحب الغيبه  
ولى الله  
ميزان الحق  
منصور  
صاحب الرجعه  
هادى  
حجت  
صاحب العصر  
منتقم  
حق  
صالح  
منتظر  
صاحب الامر  
حجاب  
موعود  
برهان الله  
طاب التراث  
عالم  
صاحب  
عدل  
قائم  
غوٲ  
جوارالكنس  
ضياء  
غايب  
خليل  
غايه القصوى  
فجر  
باسط  
منان  
مدبر

مأمول  
 مؤمل  
 نورآل محمد  
 نجم  
 بلدالامین  
 بقیه الانبیاء  
 تالی  
 حاشر  
 لواء اعظم  
 خازن  
 صمصام الاکبر  
 عین  
 یعسوب الدین  
 جابر  
 برخی از نام ها والقباب حضرت که به خاطر شرایط سخت دوران ظلم جهت ناشناخته ماندن  
 توسط دوستان آن حضرت خطاب می شد:  
 فقیه  
 جعفر  
 ناحیه مقدسه  
 رجل  
 سید  
 صاحب الدار  
 غریم  
 صاحب الناحیه  
 ادامه دعا:

**يَا ابْنَ يَسِّ وَ الدَّارِيَاتِ يَا ابْنَ الطُّورِ وَ العَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ  
 أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَ اقْتِرَابًا مِنَ العَلِيِّ الأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيَّنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيُّ  
 أَرْضٍ تُثَلِّكَ أَوْ تَرَى أَمْ بَرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوًى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الخَلْقَ وَ لَا تَرَى  
 وَ لَا أَسْمَعُ [أَسْمَعُ] لَكَ حَسِيْسًا وَ لَا نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُونِي [لَا تُحِيْطَ  
 بِى دُونِكَ] البَلْوَى وَ لَا يَتَاكَ مِئِي صَحِيْحٌ وَ لَا شَكْوَى**

ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه درآویخت، تا  
 آنکه در دسترسی و نزدیکی به خدای علیّ اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود، ای کاش  
 می دانستم خانهات در کجا قرار گرفته، بلکه می دانستم کدام زمین تو را برداشته، یا چه  
 خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟ بر من سخت است که مردم را  
 می بینم، ولی تو دیده نمی شوی، و از تو نمی شنوم صدای محسوسى و نه رازونیاى، بر من  
 سخت است که تو را بدون من گرفتاری فرا گیرد، و از من به تو فریاد و شکایتی نرسد،

شرح:

منظور از "یس" وجود مبارک پیامبر(ص) است. منظور از الذاریات این است که باد ابرها را به حرکت در می آورد، همانطور که باد هوا را لطیف می کند و گرد و غبار را می رباید، ائمه(ع) فضا را از آلودگی پاک می کند. منظور از طور و العادیات؛ طور مصداق طور سینا است و العادیات، دویدن و سرعت، و مردان اهل تاخت و تاز.

اگر مهدی حجت روی زمین است پس آلودگی معنا ندارد. اگر مهدی حجت روی زمین است آثار ایمان بجا می ماند و از بین نمی رود. اگر مهدی فرزند شگفتیهای عالم است پس محرومیت مادی و معنوی معنا ندارد. اگر مهدی فرزند صراط مستقیم (علی) است پس فراغه جایگاهی ندارند. مهدی آیات و بیّنات و ام الكتاب است. مهدی حجت بالغه امر الهی است. مهدی فرزند دین است چون علی(ع) خود دین است. مهدی بقیة الله در روی زمین است. خبر عظیم این است؛ اگر از عمر دنیا جز یک شب نمانده باشد، در همان یک شب مردی از خاندان رسول خدا(ص) حکومت خواهد کرد. (کنز العمال ۳۸۶۶۷-۱۳۸۶۸۳)

در جلد ۶ بحار ص ۳۷۴- از حضرت رضا (ع) نقل شده که فرمود: من کذب بالمعراج فقد کذب رسول الله - هر کس معراج پیغمبر را تکذیب کند رسالت پیغمبر اسلام را تکذیب کرده.

بعضی از محققین گفته اند که این آیات (من دنی فندلی فکان قاب قوسین او ادنی) اشاره به مراتب عالیّه از علو رتبت و رفعت مقام و نهایت محبت که برای ادراک صاحبان فهم به این نوع تشبیه شده است؛ چون در زمان جاهلیت عادت بزرگان عرب این بود که چون می خواستند عقد مودت و وفا و صفا با یکدیگر ببندند و نقصی در آن راه پیدا نکند هر یک کمان خود را حاضر می ساختند و آن دو را بهم منضم می کردند و قبضه را می گرفتند به اتفاق هم تیری از آن می انداختند این عمل از آنها اشاره به آن بود که موافقت در میانشان محقق شده بود.

قاب قوسین رضا و سخط الهی را هم نشان می دهد - در این آیه اشاره به این دارد که مقام قرب پیامبر بجائی رسیده که محبوب پیغمبر محبوب خدا و مبعوض او مبعوض خداست.

**لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى:**

کاش می دانستم در کجا اقامت داری تا زمانی که بشر استعداد آمادگی پیدا نکند و خود را مهیا ظهور نکند آن حضرت از انظار مخفی است و در پس غیبت است و ظاهر نمی شود. امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: قائم ما را دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری دراز و طویل المدة؛ در غیبت اولی شیعیان خاص و اولیای او مکان و محل اقامت او را می دانند ولی در غیبت دوم اولیای او هم جا و مکان او را نمی دانند و آنچه بعضی که غیبت امام و ظهور ایشان

را به سرداب اختصاص می دهند صحیح نیست و پایه و اساسی ندارد ، پس نمی دانم در کدام نقطه هستی کوه رضوی یا کوه ذی طوی که از کوههای اطراف مکه است و در یک فرسخی راه تنعیم قرار دارد . طبق روایاتی که از حضرت باقر(ع) نقل شده حضرت ولی عصر (ع) از طریق ذی طول با مجاهدانی به تعداد نفرات بدر (۳۱۳تن) وارد مکه و کنار کعبه می آید و پرچم انقلاب و پیروزی را در آنجا بر پا می دارد.

### **عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى:**

گران و سخت است بر من که خلق را ببینم و تو دیده نشوی  
شرح : البته امام زمان دیده میشود ولی کسی او را نمی شناسد.  
از امام ششم علیه السلام روایت شده که فرمود: در موسم حج برای انجام مناسک حج حاضر میشود، و مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند. و فرمود: او مانند یوسف است با برادرانش که یوسف آنها را دید و شناخت ولی آنها او را می دیدند ولی نمی شناختند تاموقعی که خود را معرفی کرد؛ و این مستلزم اذن الهی است که او باید خود را معرفی نماید. و دیگر اینکه آن حضرت در بازارها رفت و آمد می کند، و در مجالس حاضر میشود ولی کسی او را نمی شناسد. و بسا موقعی که ظاهر میشود و خود را معرفی می کند مردم آن زمان گویند که ما بدفعات او را مشاهده کرده و نشناخته ایم.  
روایتی در مجلد ۱۳ بحار ص ۱۴۲- است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: صاحب این امر میان مردم رفت و آمد می کند و بر فرش آنان قدم می گذارد ولی او را نمی شناسند تا وقتی که خداوند به او اجازه دهد که خود را معرفی کند همچنانکه به یوسف اجازه داد و برادران یوسف به او گفتند تو یوسفی؟ گفت آری من یوسفم.

### **و لا اسمع لك حسیساً و لا نجوی**

(و نمی شنوم از تو نه صدائی و نه رازی)  
یعنی از تو هیچ صدائی حتی آهسته هم بگوش من نرسد، و از هر که سراغ تو بگیرم او هم مانند من بی اطلاع باشد، چه کنم، و این دردم را به که گویم، و این علاقه مندم را کجا برم؟  
شرح : صدوق در کتاب امالی خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: بنده ای بمرتبه ایمان نمیرسد مگر اینکه من محبوبتر از خود او، و خاندان من محبوبتر از خاندان او و عترت من محبوب تر از عترت او نزد او باشد.

### **عزیز علی ان تحیط بک دونی البلوی و لا ینالک منی ضحیح و لا شکوی**

و سخت گران است بر من که بلا و گرفتاری تو را فرا گیرد بطوری که ناله زار و شکوه من هم بتو نرسد، نه از غم روزگار و نه از غم پریشانی شیعیان.  
شرح : در کتاب خصال از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: پنج گروهند که

خواب (راحت ندارند)- تا آنکه گوید- دوستی که از محبوب جدا میشود. چنین شخصی وقتی مبتلا بمفارقت شود سخت متأثر و پریشان و حزنش بی اندازه است و خواب راحتی هم ندارد.

### بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مَغِيبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا

ترجمه : (جانم فدایت ای آن غایبی که از ما کناره نداری (بلکه در میان ما هستی و نگهبان و ناظر و حافظ مائی) جانم بقربانت ای آن کسی که پنهانی ولی از ما خالی نیستی، و دوری ولی از ما جدا نیستی.

شرح : از این دو جمله استفاده میشود که ما آن بزرگوار را نزدیک خود و میان خود معرفی می کنیم و معلوم میدارد که او در مکان خاصی که از دید ما پنهان باشد نیست بلکه در اجتماعات ما بصورت ناآشنا رفت و آمد می کند. و محل ثابتی برای او نیست.

آری کسی که ایمان بوجود و غیبت آن حضرت داشته باشد شب و روز متأسف و حیران است که چرا آن بزرگوار با آن عظمت و جلال و بزرگواری، و با آن کمال رأفت و احسانش که از پدر و مادر مهربان تر است آنچنان در پرده حجابی از حجابهای الهی پنهان و پوشیده است که نه دستی بدامانش رسد، و نه چشمی بجمالش روشن گردد و نه از مقرش خبری و نه از محل اقامتش اثری باشد.

ادامه دعا:

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مَغِيبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةُ شَائِقٍ يَتَمَتَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ دَكْرًا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عِزٍّ لَا يُسَامَى،

جانم فدایت، تو پنهان شده ای هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت، تو دوری هستی که از ما دور نیست، جانم فدایت، تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق ناله کنند، جانم فدایت، تو قرین عزّتی، که کسی بر او برتری نگیرد،

شرح:

در کافی به سند خود از محمّد بن حکم آورده که گفت: به حضرت امام صادق (ع) عرضه داشتم : معرفت ساخته کیست؟ فرمود: از ساخته های خداوند است، بندگان را در آن ساخت بهره ای نیست. (اصول کافی/۱۶/۲)

مؤمن از فراق و دور ماندن از آن حضرت اندوهگین و مهموم باشد و این از نشانه های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است. امام زمان (ع) حقیقت پنهان است که از دل های مؤمنین پنهان و

غایب است. خبر صحیح از محمد بن زیاد بن عیسی ازدی معروف به ابن ابی عمیر محدث امامیه در قرن سوم هجری و از اصحاب اجماع که گفت: از موسی بن جعفر (ع) سؤال کردم و ایشان فرمود: خدای عزوجل " اسبغ علیکم نعمة ظاهرة و باطنة" (لقمان/۲۰) خداوند نعمتهای ظاهری و باطنی خویش را بر شما تمام کرد . پرسیدم؛ آنحضرت در پاسخ فرمود: نعمت ظاهر امام ظاهر است و نعمت باطن ، امام غایب می باشد. پنهان زیستی آخرین ذخیره الهی به طور قطع از اسرار و رموزی است که طبق حکمت الهی تحقق یافته است.

حقیقت غیبت این است که جان مهدی(ع) باید حفظ شود و این حقیقت پنهان علت‌های دیگر دارد:

۱- ایجاد زمینه اجرای احکام الهی در جامعه

۲- امید بخشیدن به مؤمنان و منتظران که هر لحظه در انتظار باشند.

۳- تربیت و خودسازی .امام زمان(ع) در دوران غیبت مراقب حال پیروان خویش است.

۴- پاسداری از آیین خود در جلوگیری از آمیختن آن با سلیقه و افکار شخصی.

۵- امام زمان(ع) در زمان غیبت همچون خورشید پشت ابر است که مردم از برکات و هدایت‌های پنهان و آشکار ایشان بهره‌مند هستند.

او حقیقت پنهانی است ولی بصورت پنهان در غار نیست ؛ همانند افراد جامعه یک زندگی عادی دارند و در بین مردم رفت و آمد می کنند و مردم او را می بینند ولی ایشان را نمی شناسند که حضرت مهدی(ع) است.

سخنی از ایت الله فاطمی نیا در مورد رؤیت امام زمان(ع):

**اسرار رویت امام زمان(عج) که از عجایب ولایت است، این است که امام زمان(ع) این قدرت را دارند که در کسی که او را می بیند، تصرف کنند که او را نشناسد.** در زمان ما عده ای پیدا شدند که در اصطلاح به آنها می گویند شیاد، این افراد از عشق مردم به امام زمان(عج) سوء استفاده می کنند. این افراد برای مطرح ساختن خودشان می گویند. با آقا رابطه داریم و از این قماش کارها که بی حد و بی حساب است، البته اینها به نفرین امام زمان(ع) گرفتار می شوند. مردم نیز در این میان تقصیر دارند و به سادگی نباید تسلیم شوند.

عشق و علاقه به اهل بیت(ع) خیلی خوب است. اما اگر مواظبتش نباشید، آفت می زند و آسیب هایی در آن لانه می کنند. باید گفت که عشق ما آسیب پذیر است، امروز دشمنان ما حرکات ما را کنترل می کند و به تمام دنیا مخابره می کنند. ما شیعیان در این زمینه زیر ذره بین هستیم.

اگر بنا شود اهل علم نتوانند حرف بزنند و اگر هم بزنند، خانه نشین بشوند. چه کسی مردم را هدایت کند. به عنوان نمونه کسانی هستند تحت عنوان ولایتی و شیعه کارهایی می کنند که اهل بیت(ع) راضی نیستند.

باید عشق اهل بیت(ع) آسیب شناسی شود. چراکه عشق آنها اکسیر است، اکسیر چیست؟ به مجرد طلوع هلال محرم در تمام مناطق اعم از شیعه و غیرشیعه، کارها شروع می شود و تلاش برای زنده نگه داشتن نام و راه امام حسین می کنند، به خاطر همین اکسیر عشق است که شیاطین جن و انس سعی در گمراهی دارند پس باید به هوش باشیم.

عشق ما به امام زمان(عج) بسیار مهم است. ولی ما نباید تسلیم شیادان شویم، ما نباید بگذاریم دشمنان ما از این عشق اهل بیت(ع) سوء استفاده کنند، ما باید عاشق امام زمان(عج) باشیم اما نباید از شیادان این راه غافل باشیم، چند سال پیش کسی ۵۰-۶۰ کیلومتر مانده به جمکران به بقیه گفت: جایی که من نشستم جای پای امام زمان(عج) است، شیعه نباید ساده باشد، باید آنها را دعا کنیم که خدا آن ها را هدایت کند. اگر قابل هدایت نیستند، خدا آنها را از میان بردارد.

یکی از مسائل رؤیت حضرت ولی عصر(ع) است که مورد علاقه و منتهای آرزوی شیعه است، حال باید بررسی شود که آیا می شود دید یا نه؟

امام زمان(عج) را می شود دید. منتها یک بحث امکان داریم، یک بحث وقوع. اگر بگویند در حیات مسجد ممکن است درخت نارچ به عمل بیاد که اول امکان کاشتن بحث می شود. بعد نارنج می کاریم، می گوئیم واقع شد، امکان غیر وقوع است. خیلی چیزها امکان دارد ولی واقع نمی شود.

حالا باید دید که دیدن امام زمان(عج) در غیبت کبری امکان دارد یا ندارد؟ اگر امکان دارد، واقع شده یا نشده؟

باید گفت بله قطعاً امکان دارد که ما امام را ببینیم. البته باید توجه داشت که رویت عام بعد از ظهور صورت می گیرد و تاریخ ظهور را هر کس بگوید دروغ است. اما بزرگانی هستند که در کل می توانند حدس هایی بزنند. یکی از بزرگان که از دنیا رفته اند، ایشان به بنده فرمودند که زمان غیبت بسیارش سپری شده که مزده خوبی است. رؤیت امام زمان(عج) واقع نیز شده، هزاران هزاران نفر در طول غیبت کبری امام را دیده اند. البته عده ای بودند که امام را

شناختند که خیلی کم اتفاق افتاده، نوعاً امام زمان(ع) را می بینند ولی بعداً می فهمند که امام بوده که این از اسرار است.

امکان و وقوع دیدن امام زمان(ع) بوده و هست. اما این به این معنا نیست که هر کس گفت من امام را دیدم، ما باور کنیم و دکانی باز کند.

ظریفه اسرار رؤیت امام زمان(عج) این است که از عجایب ولایت است، امام زمان و همه ائمه این قدرت را داشته و دارند که در کسی که آنها را می بیند تصرف کنند که او را نشناسد. برای آنها کاری ندارد. البته امام یک بعد را آزاد می گذراند که بتواند آن شخص حرف بزند و سوال کند.

اتفاق افتاده که کسانی امام را دیده اند و حتی ۵۰ سوال هم کرده اند. حتی سوال های غیبی حتی اینکه طلاها کجاست و خودش هم تعجب می کند. البته بدون شناخت سوال را شروع می کند.

البته ممکن است برعکسش نیز اتفاق بیفتد و آقا تصرف کنند که افراد ایشان را بشناسند ولی نتوانند حرف بزنند.

آقا سیدعزیز طباطبایی حکایتی از علامه امینی برای من گفت یکی از کرامات علامه است، در بغداد کاغذ کوپنی شده بود و علامه می خواست کاغذ بگیرد، رفته بود حرم امام موسی کاظم زیارت کند و بعد از آن به بغداد برود. برای گرفتن کاغذ، در حرم آیت الله مظفر را دیده بود که وقتی فهمیده بود علامه برای گرفتن کاغذ می رود. بعداً گفته بود من عربم و تو عجمی من با این مناسباتم دو ماه است که کاغذ می خواهم و نمی توانم بگیرم.

ولی زمانی که علامه به اداره مربوطه می رسد و نوبتش می رسد، می گوید: ۳۵۰ بند کاغذ می خواهم، متصدی گفته بود: اینجا می گیرید یا نجف؟ گفته بود نجف، پولش را گرفت و گفت می فرستیم برایتان، وقتی علامه می روند بقیه به متصدی گفتند: چه شد که در این اوضاع به این فرد کاغذ دادید؟ که گفت من نشناختمش ولی وقتی به من نگاه می کرد، حالی پیدا می کردم که اگر هر کاری می گفت، می کردم و دست خودم نبود.

بسیاری امام زمان(عج) را در غیبت کبری دیده اند و باز هم می توان دید. اما مسئله ای که هست این است که این دیدار ناگهانی اتفاق می افتد.

در گذشته نیز گفتم امام زمان(عج) دیدن از اعظم مواهب الهیه است و واردات قلبیه نیز از موهبات است. مواهب الهیه و امام زمان دیدن نوعاً ناگهانی اتفاق می افتد، چرا چون افراد این دیدارها را به خودشان نسبت ندهند که من چون فلان کار را کردم، امام را دیدم.

البته گاهی مشکلاتی پیش می آید که به امام متوسل می شوند و گاهی وقت ها کسی می آید و مشکل حل می شود البته ما نباید فکر کنیم که آقا هستند. چراکه شاید از یاران امام باشد که مشکل را حل می کند، حضرت در این مواقع یارانشان را می فرستند (سخنان آیت الله فاطمی نیا در حرم امام رضا(ع) شبستان)



## حمایت امام در زمان غیبت از اسلام:

در بحار از شیخ نعمانی به سند خود از حضرت ابو جعفر باقر(ع) روایت است که فرمود: گویا می بینم دین شما پیوسته رو به ضعف و از بین رفتن خواهد نهاد و در خون خود دست و پا خواهد زد و کسی آنرا به شما باز نمی گرداند مگر مردی از ما اهل بیت(بحار ۳۵۲/۵۲-غیبت نعمانی ۱۲۵۰)

او حقیقت پنهانی است که "یحیی الارض بعد موتها" که عدالت را بعد از جور و ستم بر پا می دارد.

## چرا به پیغمبر و امام نیاز است؟

در غایة المرام به سند از جابر جعفی نقل شده ؛ به حضرت باقر(ع) عرضه داشتم ؛ چرا به پیغمبر و امام نیاز است؟ فرمود: برای باقی ماندن جهان بر صلاح خویش ، آنکه خداوند عزوجل در صورتی که پیغمبر یا امام بین اهل زمین باشد ، عذاب را از آنان بر می دارد " ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم" تا وقتی تو در میان آنهايي خداوند آنان را عذاب نمی کند.(انفال/۳۳)

ادامه دعا:

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلِ مَجْدٍ لَا يُجَارَى [يُخَادَى] بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نِعْمٍ لَا تُضَاهَى  
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى

جانم فدایت، تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد، جانم فدایت، تو نعمت دیرینه ای، که او را ماندی نیست، جانم فدایت، تو قرین شرفی، که وی را برابری نیست،

او حقیقت پنهان است که دور از ما نیست و منتهای عزت و شرف است ، و بدان، از منافع آن حضرت چه غایب و چه ظاهر بهره می گیرند.

۱- تمام خلائق در آن منافع شریک اند. وجه بهره برداری از ایشان مانند استفاده از خورشید است.

۲-افاضه علمی و عنایات ربّانی که به مؤمنین اختصاص دارد؛ مانند واضح نمودن وقت نماز های یومیه که این مسئله احتجاجی است بر کسانی که نماز را ضایع می کنند.

۳-این حقیقت پنهان وجودش نور است و نورانیت ایشان نشانه شرف و کمال است. این نور نه جوهر است و نه عرض بلکه آشکار کننده تمام جوهر ها و عرض هاست.

در خشندهی نور آن حضرت در دنیا ؛ هنگام ولادت . زمان ظهور و غیبت ، زمان غیبت بطور خصوص - زمان حضور بطور خصوصی- " اشرفت الارض بنور ربها" از امام صادق(ع) روایت شد که " ربّ الارض " یعنی امام الارض، که جهان به نور امامش روشن می شود و ظلمت بر طرف می گردد. (تفسیر قمی ۲/۲۵۳)

در کتاب نجم الثاقب از کتاب غیبت نعمانی نقل می کند که خداوند متعال آنچه را که به پیغمبران سلف داده با زیاده بآنحضرت میدهد و او را تفضیل میدهد. و در آن کتاب حدود چهل و هفت فضیلت برای آن بزرگوار نقل می کند .

ادامه دعا:

**إِلَى مَتْنِي أَحَارُ [أَحَارُ] فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَي مَتْنِي وَ أَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَ أَيَّ نَجْوَى**

تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم، ای مولایم، و تا چه زمان، و با کدام بیان، تو را وصف کنم، و با چه راز و نیازی؟

شرح:

اگر انسان جرعه ای از شربت محبت این حجت خدا و امام بحق را چشیده باشد چنان از مفارقت و دوری او مغموم و محزون باشد که خواب از چشمش ربوده شود چونکه از آن فیوضات الهیه و نعمت های غیر متناهیه دنیا و آخرت محروم، که دستی بدامان و مالش نمیرسد و دیده بنور جمالش روشن نمیشود.

مجلد ۱۳ بحار صفحه ۱۲۹) محمد بن نعمان از امام ششم علیه السلام روایت کرده است که فرمود: نزدیک ترین موقع بنده بخداوند عزوجل و خوشنودتر شدن خدا از بنده اش هنگامی است که مردم دست رسی بحجت خدا نداشته باشند و برای آنها آشکار نباشد، و از نظر آنها مستور و پنهان باشد و جایگاه او را هم ندانند، و با این وصف آنها میدانند که حجت خدا و نشانه او از بین نرفته، پس در آنوقت صبح و عصر (همیشه) در انتظار فرج او هستند. و شدیدترین موقعی که خدا بر دشمنانش غضب می کند هنگامی است که حجت خود را از میان آنها ببرد، و از نظرشان مخفی دارد، و این موقعی است که خدا میداند که اولیاء و دوستانش درباره حجت خدا تردید ندارند و اگر بدانند آنان درباره آن حجت تردید پیدا می کنند بمقدار لحظه و طرفه عینی او را مستور و مخفی نمی کند. (مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید محیی الدین العلوی طالقانی- در شرح ندبه)

شیخ صدوق به سند صحیح از ابو هاشم جعفری روایت آورده ؛ که گفت: شنیدم حضرت ابوالحسن العسکری (امام هادی-علیه السلام) می فرمود: جانشین بعد از من پسر حسن است پس چگونه خواهید بود در جانشین پس از جانشین.

راوی گوید: عرضه داشتیم : خداوند مرا فدای تو گرداند ! چرا؟ فرمود: زیرا که شما شخص او را نمی بینید و بردن نامش برای شما روانیست ، پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویند حجت از آل محمد(ص).

### انتظار چیست؟

پاسخ:

۱- از ابوالحسن الرضا(ع) آمده که فرمود: چقدر خوب است صبر و انتظار ! آیا نشنیده ای فرموده خدای عزوجل را "وارتقبوا انّی معکم رقیب"(سوره هود۹۳) چشم به راه باشید که من با شما چشم به راهم.

"فانتظروا انّی معکم من المنتظرین"-(اعراف / ۷۱) بنابراین بر شما باد صبر ، بدرستی که گشایش پس از ناامیدی می آید. البته آنان که پیش از شما بودند صبورتر از شما بودند (کمال الدین ۶۴۵/۲ باب ۵۵ ح ۵)

۲- در کتاب کمال الدین از حضرت صادق(ع) از پدرانش آمده که فرمود: منتظر امر (حکومت) ما بسان آن است که در راه خدا به خون غلتیده باشد(همان-ح ۶)

۳- در بحار از علی(ع) آمده که فرمود: منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نا امید نشوید به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.(بحارالانوار ۵۲/۱۲۲ باب ۲۲ ح ۷)

۴- در کتاب کمال الدین از مفضل بن عمر آمده که گفت: شنیدم حضرت صادق (ع) می فرمود: هر کس در حالی که منتظر این امر باشد بمیرد همچون کسی خواهد بود که از خواص حضرت مهدی(ع) بوده باشد، نه؛ بلکه مانند کسی باشد که در پیشگاه رسول خدا(ص) شمشیر زده است. (کمال الدین ۱۱ ح ۳۳۸/۲)

### حالت انتظار:

انتظار حالتی است نفسانی، که آمادگی برای آنچه انتظارش را می کشیم از آن بر می آید و ضد آن یأس و نا امیدی است. پس هر قدر که انتظار شدیدتر باشد آمادگی و مهیا شدن قوی تر خواهد بود و بنابر این مؤمنی که منتظر آمدن مولایش می باشد ، هر قدر که انتظارش شدیدتر است تلاشش در آمادگی برای آن بوسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و به دست آوردن خواهی پسندیده بیشتر می گردد تا به فیض دیدار مولای خویش و مشاهده جمال انورش در زمان غیبتش رستگار شود، همچنانکه برای عده بسیاری از نیکان اتفاق افتاده است.

امام صادق(ع) فرمود: هر آن کس که خواسته باشد از یاران قائم(ع) شود باید که منتظر باشد و باید در حال انتظار به پرهیزگاری و خواهی پسندیده عمل نماید که هر گاه بمیرد و قائم پس از مردنش بپاخیزد ، پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد(مکیال المکارم- ج ۲)

**حکم ضد انتظار – نا امیدی چیست؟ گونه های مختلف انتظار.....!**

**گونه اوّل :** یأس و نا امیدي از اصل ظهور حضرت قائم (ع)، بطور کلی و بدون شبهه همگي در حرام بودن آن اتفاق نظر دارند، زیرا که ظهور و قيام حضرت قائم (ع) از ضروریات مذهب است بلکه احتمال می رود که از ضروریات مذهب امامیه است، بلکه احتمال می رود که از ضروریات دین اسلام است ؛ در حدّ تواتر ، که از طریق خاصه و عامه رسیده ، و نیز علمای عامّه نیز به این امر اعتراف دارند و اختلاف در تعیین شخص (ظهور) اوست که آیا حالا وجود دارد یا نه، ! در مقابل آنهایی که قایل هستند که آن حضرت وجود خواهد یافت و متولّد خواهد شد که عقیده باطل است. بنابر این انکار آن بطور کلی انکار و تکذیب پیغمبر (ص) می باشد و این گفته در حدّ تواتر از حضرت رسول (ص) بیان شده است.

مجلسی از ابن ابی الحدید که از بزرگان علمای عامه است حکایت کرده که گفته : البتّه که فرقه های مسلمانان اتفاق دارند که دنیا و تکلیف پایان نخواهد یافت مگر پس از آمدن مهدی (ع) .

عجله کردن و تسلیم نبودن، سبب سبک شمردن احادیث ائمه (ع) می شود که به انتظار امام غائب امر فرموده اند؛ عجله کردن سبب می شود که شخص حکمت غیبت را انکار نماید و این در حقیقت انکار عدل خدای تعالی و نسبتهای ناشایست به او است.

عجله کردن مایه ردّ اخباری است که در مورد فرج و ظهور مولایمان رسیده ، خواهد شد و تسلّط شیاطین است.

عجله کردن و شتابزدگی در اخبار رسیده ، شک آور و یا ردّ روایات است که کفر است. عجله کردن و شتابزدگی در امر فرج موجب خشم بر خالق متعال و موجب هلاکت و تیره بختی است.

شتابزدگی و بی صبری در بعضی اشخاص مایه ترک دعا برای تعجیل در فرج می شود.

### **گونه دوّم:**

نا امیدي از ظهور حضرت حرام است. ظاهر امر وجوب انتظار است و ترک واجب قطعاً حرام است. احادیث مستفیض از تعیین کردن وقت ظهور نهی می کند- از علی بن یقطین به پسرش در اصول کافی به سند خود ، آورده شده است: اگر به ما می گفتند: این امر تا دو بیست یا سیصد سال دیگر تحقق نخواهد یافت ، البتّه دلها قساوت می گرفت و عموم مردم از اسلام بر می گشتند ولی می گفتند : به زودی این امر واقع می گردد خیلی نزدیک است تا دلها با هم الفت گیرد و گشایش نزدیک گردد (اصول کافی / ۱ / ۳۶۹ ذیل ج ۶)

پس از آنچه که امامان (ع) فرموده اند، استنباط می شود که وقت ظهور بر مؤمنین مخفی مانده ، تا در تمامی زمانها و سالها منتظرش باشند هر چند که حکمتهای دیگری نیز برای آن هست و خداوند حقایق امور را می داند.

**قیام- هنگام یاد شدن نام و القاب آن حضرت:**

روزی حضرت صاحب الزمان(ع) در مجلس امام صادق(ع) یاد شد، پس امام صادق(ع) به منظور تعظیم و احترام اسم آن حضرت بیا ایستاد.(بحار الانوار- ۲۷۸/۴۴)

اگر کسی از اهل مجلس بدون عذر با بردن القاب مبارک امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)برنخیزد ، هتک حرمت و توهین است که تردیدی در حرام بودن آن نیست زیرا که توهین خداوند عزوجل می باشد چنانکه پوشیده نیست (مکیال المکارم ج ۲ ص ۲۱۶)

**راز دل را با حضرت چگونه بیان کنیم؟ چگونه پاسخ خود را دریافت کنیم؟**  
پاسخ:

حضرت مهدی(ع) فریادرس خلق است او دادرس است باید از ایشان دادخواهی کرد . در بحار و روایات دیگر آمده است ، آن حضرت ؛ حصار محکم امت و فریاد رس بیمار و در مانده و پناه گریختگان و نجات دهنده بیمناکان و نگهبان مصونیت خواهان است.

"فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله(جمعه/۱۰) در زمین پراکنده شوید و فضل و کرم خداوند را خواستار باشید.

سید بن طاووس در کتاب کشف المحجّة به نقل از کتاب رسائل شیخ اقدم محمّدين يعقوب کلینی (ره) از کسی که نامش را برده چنین آورده است؛ به حضرت ابوالحسن الهادی(ع) نوشتم: شخصی مایل است حاجات خصوصی و اسراری را با امام خویش در میان بگذارد ، همانگونه که دوست دارد با پروردگارش باز گوید پس آن حضرت در جواب نوشت:اگر حاجتی داشتی پس لبهایت را به شکل گفتن آن کلمه حرکت بده که همانا جواب به تو خواهد رسید. مصنف کمال الدین، محمد تقی موسوی اصفهانی گوید: در یکی از سالهای گذشته قرض هایم بسیار و احوالم سخت شد در این حال ماه رمضان فرا رسید پس به سوی آن جناب توجه نمودم و در سحرگاه حاجتم را بر حضرت عرضه داشتم . وقتی نماز صبح را در مسجد بجا آوردم و به منزلم برگشتم ، به خواب رفتم و در خواب به دیدار آن جناب(ع) شرفیاب گشتم، به فارسی به من فرمود : قدری باید صبر کنی تا از مال خاص دوستان خاص خود بگیریم و به تو برسانیم . وقتی پس از خواب بیدار شدم فضا را معطرّ یافتم و غم و اندوه از من دور شده بودپس از آن چند ماهی نگذشته بود که یکی از متدیین وجوهی را برایم آورد که بوسیله آنها قرضهایم را ادا کردم و به من گفت: این از سهم امام است .

توجه : استغاثه و عرض حاجت به آن حضرت به زبان خاص و چگونگی معین و وقت مخصوصی مقید نیست بلکه آنچه در این باب مهم است : اصلاح دل و توجّه کامل و توبه از گناهان و یقین ثابت و اعتقاد راسخ می باشد؛ سپس استفاده از دعاها و رقعہ های وارد شده مهم است تا در تقرب به آن حضرت و محبوب شدن نزد او مؤثرتر گردد.

ادامه دعا:

**عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجَابَ دُوْنَكَ وَ [اَوْ] اُنَاغِي**

**عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُبْكِيكَ وَ يَخْذُلَكَ الْوَرَى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاَطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَ الْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوْعٍ فَاَسَاعِدُ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا هَلْ قَدِيْتُ عَيْنٌ فَاَسَاعِدُنَّهَا عَيْنِي عَلَيَّ الْفَدَى ،**

بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم، و سخن مسرت بخش بشنوم، بر من سخت است، که بر تو بگذرد و سخت است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تو را وا گذارند، نه بر دیگران آنچه گذشت، آیا کمک کننده‌ای هست، که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟ آیا بی‌تابی هست؟ که او را در بی‌تابی‌اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم، آیا چشمی هست چشم آلوده ای که می‌گرید تا چشم من هم با او مساعدت کند و زارزار بگرید.

شرح :

### **زوال هر محنت پس از تجدید هر نعمت:**

امام عصر واسطه تمام نعمتهاست و به برکت او هر محنت و رنج از ما دور می‌گردد، و دعا برای واسطه نعمت ، یکی از اقسام شکرانه نعمت است که به آن ترغیب شده و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد را نیز هنگام تجدید نعمتها ترجیح می‌دهیم زیرا که آنها از اولیای نعمتها هستند. پس ای آقای من در زمان سختی‌ها و گرفتاریها برای تعجیل فرج شما بسیار دعا می‌کنم زیرا دعا برای شما گونه ای از توسل به شماست و وسیله نجات از سختی‌ها و بلیات است.

### **گریستن و گریانیدن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت(ع) :**

از وظایف مؤمنان گریستن و گریانیدن و خود را شبیه به گریه کنندگان نمودن در فراق آن حضرت(ع) ؛ به جهت مصیبتها و محنتها و اندوههایی که بر او رسیده است. در جلد دهم بحار و غیر آن از حضرت رضا(ع) آمده که فرمود: هر آن کس که مصیبت ما را متذکر شود، پس بخاطر آنچه بر ما وارد شده است بگرید و بگریاند ، روز قیامت با ما در درجه مان خواهد بود و هر آن که مصیبتمان برایش یادآوری شود پس بگرید و بگریاند ، روزی که چشمها اشکبار خواهند بود دیدگانش گریان نشود.(مکیال المکارم - ترجمه ج ۲ ص ۲۱۷) در بحار از امام صادق(ع) آمده که فرمود: هرکس دیده اش در راه ما گریان شود بخاطر خونی که از ما به ناحق ریخته یا حقی که از ما سلب گردیده یا حرمتی که از ما هتک شده یا بخاطر یکی از شیعیانمان باشد ؛ خداوند تعالی به خاطر آن اشک سالها جایگاهش را در بهشت قرار خواهد داد.(بحارالانوار-ج ۴۴ ص ۲۷۹/۷)

**دیگر اینکه گریه بر مصیبتها ی اهل بیت(ع)، آمرزش گناهان است.**

**گریستن در فراق حضرت مهدی(ع):**

در کامل الزیارات و غیر آن در حدیث معاویة بن وهب روایت آمده که امام صادق(ع) در سجده خود دعا کرد تا آن جا که گفت: رحمت آور بر آن دیده هایی که بخاطر ما اشک ها فرو ریختند . و رحمت آور بر آن دلپایی که به خاطر ما بی تاب و سوزان شدند و رحمت آور بر آن فریاد و مویه کشیدنی که بخاطر ما است.(همان -ص ۱۱۷)

### **در خواست معرفت از امام عصر (ع) از خداوند عزوجل:**

یکی از ارکان ایمان بعد از شناخت خدا و رسول(ص)، شناخت ولی امر و صاحب الزمان(ع) است. هر کس که امام زمانش را نشناخته باشد در حالی بمیرد که به مرگ جاهلیت مرده است. معرفت او ، کلید تمام ابواب خیر و سعادت و رحمت می باشد.

در کافی به سند خود از محمد بن حکیم آورده که گفت: به حضرت امام صادق(ع) عرضه داشتم: معرفت ساخته کیست؟

فرمود: از ساخته های خداوند است، بندگان را در آن ساخت بهره ای نیست(اصول کافی ۱۶۳/۲)

والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا(عنکبوت ۶۹) آنان که در راه ما تلاش کنند البته آنان را به راه های خویش هدایت می نمایم.

سعی و کوشش وظیفه بنده است و به ثمر رساندن بر عهده خالق متعال می باشد. همچنانکه کشت و آبیاری و مانند اینها وظیفه بندگان است چون تحت قدرت و در اختیار آنها می باشد ، و رویانیدن و پروراندن و از آنها دور نگه داشتن تا به نتیجه برسد و مقصود حاصل گردد بر خداوند است ، زیرا این مرحله از قدرت بندگان بیرون است. ولی بر عهده بندگان دعا و در خواست است که نتیجه مقصود بدست آید. همینطور شناخت و معرفت امام وسائل و اسبابی دارد که خداوند آنها را برای بندگان فراهم ساخته و در توان آنان هست. انسان باید سعی کند و همت گمارد تا از طریق شؤونی که خدای تعالی به آن جناب اختصاص داده و دلایلی که بر آن دلالت دارد(مثل بررسی معجزات و اخلاق آن حضرت و شناخت سیره امامان(ع)) در تحصیل معرفت آن حضرت (ع) کوشا باشد.

### **تداوم در خواست در معرفت آن حضرت(ع):**

#### **با خواندن این ادعیه ورود به معرفت اولیای الهی :**

اللهم عرفنی نفسک فاتک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبيک - اللهم عرفنی رسولک فانک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجّتك اللهم عرفنی حجّتك فانک إن لم تُعرفنی حجّتك ضللتُ عن دینی-

مداومت بر خواندن دعای غریق "یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک"

(کمال الدین ج ۲/۳۴۲/۲۵۱) دعای مورد پرسش در روایت زیر با این سند نقل شده است  
وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ وَجَدْتُ بِحِطِّ جَبْرِئِيلَ بْنِ أَحْمَدَ حَدَّثَنِي الْعَبِيدِيُّ مُحَمَّدٌ

بُنْ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع):  
 «سَتَصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلَا عِلْمٍ يُرَى وَلَا إِمَامٍ هُدَى وَلَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ  
 قُلْتُ كَيْفَ دُعَاءِ الْغَرِيقِ قَالَ يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ  
 فَقُلْتُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ  
 جَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

( شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۲۵۲ - ۲۵۱، تهران، دار  
 الکتب الاسلامیه ج دوم - ۱۳۹۵)

## ادامه دعا:

### عزیز علی ان یجری علیک دونهم ماجری:

(بر من سخت دشوار است که بر تو (این غیبت ممتد) جاری شده نه بر دیگری :  
 مجلد ۱۸ بحار صفحه ۹۰۰- حضرت امام پنجم علیه السلام به عبدالله بن دینار راوی حدیث  
 فرمود: هیچ عیدی برای مسلمین نیست نه عید قربان و نه عید فطر مگر آنکه در آن عید حزن  
 و اندوه آل محمد تجدید میشود، راوی گوید چرا ؟ حضرت فرمود: برای اینکه آنان حق خودشان  
 را در دست غیر خودشان می بینند.

### هل من معین فاطیل معه العویل و البکاء:

آیا کسی هست که مرا یاری کند و با من همناله شود و من در فریاد و فغان با او همدم شوم  
 و ناله فراق را طولانی کنم.

### هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا:

کمال الدین صدوق از ابن محبوب نقل می کند که گفت حضرت علی بن موسی الرضا علیهما  
 السلام بمن فرمود: دنیا فتنه ای سخت شدیدی در پیش دارد که در آن فتنه هر خاص و عامی  
 درافتد، و این موقعی است که شیعیان سومین فرزند نسل مرا از دست بدهند، و اهل آسمان  
 و زمین و هر مرد و زن تشنه کامی و هر محزون و مصیبت زده ای بر فقدان وی بگرید. سپس  
 فرمود: پدر و مادرم فدای آنکس باد که همنام جدم و شبیه من و موسی بن عمران علیه  
 السلام است. و او را لباس هائی نورانی است که از شعاع نور قدس منور است، و از فقدان او  
 اهل آسمان و زمین افسرده شوند، و چه بسیار زن و مردی که چون آب گوارائی را که از  
 دست بدهند متأسف و سرگردان و محزون گردند، و در حالی که آنان را ناامید می بینم ناگهان  
 ندائی بشنوند با صدایی که دور و نزدیک میشوند، برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب  
 است.

مجلد ۱۳ بحار صفحه ۲۷ از علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام روایت  
 می کند گوید که از او پرسیدم که تأویل این آیه چیست ؟ که خدا می فرماید: قل ارايتم ان



اصبح ماوكم غوراً فمناً یأتیكم بماء معین - ملك / ۳۰- یعنی بگو اگر آبی که شما بدان زنده اید فرو رود بزمین چه کسی است که برای شما آب گوارا می آورد. فرمود: هنگامی که امام خود را از دست بدهید و او را نبینید چه خواهید کرد؟

ادامه دعا:

### هل قذیت عین فسادتها عینی علی القذی

آیا چشم آلوده ای می گرید تا چشم من هم با او مساعدت کند و زارزار بگرید. شرح: کمال الدین صدوق) از ابن محبوب نقل می کند که گفت حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام بمن فرمود: دنیا فتنه ای سخت شدیدی در پیش دارد که در آن فتنه هر خاص و عامی درافتد، و این موقعی است که شیعیان سومین فرزند نسل مرا از دست بدهند، و اهل آسمان و زمین و هر مرد و زن تشنه کامی و هر محزون و مصیبت زده ای بر فقدان وی بگرید. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای آنکس باد که همنام جدم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است. و او را لباس هائی نورانی است که از شعاع نور قدس منور است، و از فقدان او اهل آسمان و زمین افسرده شوند، و چه بسیار زن و مردی که چون آب گوارائی را که از دست بدهند متأسف و سرگردان و محزون گردند، و در حالی که آنان را ناامید می بینم ناگهان ندائی بشنوند با صدایی که دور و نزدیک میشوند، برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب است.

مجلد ۱۳ بحار صفحه ۳۷- از علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام روایت می کند گوید که از او پرسیدم که تأویل این آیه چیست؟ که خدا می فرماید: قل ارايتم ان اصبح ماوكم غوراً فمناً یأتیكم بماء معین - ملك / ۳۰- یعنی بگو اگر آبی که شما بدان زنده اید فرو رود بزمین چه کسی است که برای شما آب گوارا می آورد. فرمود: هنگامی که امام خود را از دست بدهید و او را نبینید چه خواهید کرد؟

ادامه دعا:

### هل الیک یا ابن احمد سبیل فتلقى:

ای پسر پیغمبر آیا بسوی تو راه ملاقاتی هست که بحضورت تشریف حاصل شود. شرح: البته غیبت امام زمان علیه السلام بمعنی این است که او خود را بکسی معرفی نمی کند و کسی هم او را نمیشناسد نه اینکه او در مکانی محبوس باشد، پس رؤیت آن بزرگوار در زمان غیبت امر غیر ممکن نیست، و ممکن است واقع شود، و چه بسا اشخاصی که در زمان غیبت بملاقات آن بزرگوار مشرف شده باشند و او را دیده باشند صدوق در کتاب کمال الدین، و مجلسی در مجلد ۱۳ بحار الانوار، و حاجی نوری در کتاب نجم الثاقب بابی را بدان اختصاص داده اند. پس رسیدن باین مقصود و تشریف بملاقات آن حضرت در

این زمان هم میسور و ممکن است، و میتوان بوسیله ایمان و عمل و تقوی تام و کامل و تهذیب نفس از اخلاق رذیله و صفات ذمیمه باین سعادت نائل آمد.

و راه رسیدن باین سعادت در مرحله اول انجام اعمال صالحه از دستورت واجبه و آدای مستحبات و ترک محرمات است، از تأمل در داستان آنانکه به لقای آن بزرگوار تشریف حاصل کردند استفاده میشود که مداومت بر اعمال خیر و عبادات شرعی و سعی و کوشش در انجام دستورات اسلامی و تضرع و زاری و مسألت از حضرت باری عزّ اَسمه یک نوع وسیله ایست برای ملاقات آن بزرگوار.

زیرا از تهذیب نفس و انجام وظیفه دینی اثر عظیمی در نفس پیدا میشود و رسول خدا فرمود: من اخلص لله اربعین صباحاً فجر الله ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه- یعنی هر که چهل روز کار و عمل خود را خالص برای خدا گرداند خداوند متعال چشمه های حکمت را از دل او بر زبانش جاری سازد. (بخار، ج ۶۷، ص ۲۴۹)

و در این باره دعائی هم در کتب ادعیه از جمله در کتاب مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی نقل شده که خواندن آن بعد از نماز صبح بعنوان تعقیب وارد شده و آن دعا صدرش این است اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه \*

ادامه دعا:

**هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ [بِعَدِهِ] فَتَحْطَى مَتَى :**

آیا امروز ما از تو بفردایش میرسد که بهره مند شویم یعنی امروزی که ما بفراق تو نشستیم ایم بفردائی میرسد که بدیدار جمالت محظوظ و بهره مند گردیم.

ادامه دعا:

**نَرِدُّ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي مَتَى نَتَّبَعُ مِنْ عَذْبِ مَايِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُغَادِيكَ وَ نَرَاوْحَكَ فَتَقَرَّ عَيْنَا [فَتَقَرَّ عَيْنُونَا]**

چه زمان به چشمه های پر آبت وارد می شویم، تا سیراب گردیم، چه زمان از آب وصل خشکوارت بهره مند می شویم؟ که تشنگی ما طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می کنیم، تا دیده از این کار روشن کنیم،

**شرح:**

**چشمها کی به دیدار آقا روشن می شود؟**

خداوند تعالی برای ظهور و دیدن حضرت قائم (ع) علامتهایی را قرار داده تا راستگو از دروغگو معلوم گردد و در قسمتی از روایات وقوع بعضی از رویدادها ی فتنه انگیز را خبر داده اند که گمراهان به سبب آنها به فتنه می افتند این گروه به سبب نشناختن امام در گمراهی قرار می گیرند. ولی گروهی که در سطح معرفت امام تلاش و همت داشته باشند و احادیث امامان (ع) را روایت کرده اند به گمراهی نمی افتند.

اگر می خواهید چشمه های ظهور را شناسائی کنید بدان که قائم (ع) را ۵ علامت است :  
**سفیانی، یمانی، صیحه آسمانی و کشته شدن نفس زکیّه و فرو رفتن در بیداء (بین مکه و مدینه)**

**عمر بن حنظله گوید:** از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: پیش از قیام قائم (ع) پنج نشانه حتمی است. (کمال الدین ج ۲ ب ۵۷ ح ۷)  
این ۵ علامت از علایم حتمی است:

ارتش **سفیانی** که زمین آنان را در بیداء بین مکه و مدینه فرو خواهد برد سفیانی که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) خروج می کند ، هنگامی که از ظهور ایشان با خبر می شود سپاهی عظیم به مدینه و مکه می فرستد و چون به سرزمین پیدا می رسند ، خداوند آنان را در کام زمین فرو می برد و هلاک می شوند (**خسف در بیداء**) . پیش از قیام حضرت مهدی (ع) مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تصرف بخشهایی از سرزمین اسلام ، برای یافتن و کشتن شیعیان جایزه تعیین می کند. (بحار الانوار- ج ۵۲ ص ۱۸۲)  
**یمانی:** سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدل دعوت می کند . خروج یمانی ، اجمالاً از نشانه های ظهور است هر چند جزئیات و چگونگی آن روشن نیست. (بحار ج ۵۱ ص ۲۱۸)

**صیحه آسمانی:** صدا و ندائی است که امام صادق (ع) می فرماید: آواز دهنده ای بانگ می زند به نام قائم و نام پدرش (ع) (الغیبة نعمانی- باب علامات الظهور- ۱۳۳ به بعد)  
از زراره است که گفت : آیا ندا حق است؟ فرمود: آری ، به خدا سوگند تا آنجا که هر قومی به زبان خود آنرا خواهند شنید.

امام باقر (ع) فرمود: ندا کننده ای از آسمان ، نام قائم ما را ندا می کند. پس هر که در شرق و غرب است ، آن را می شنود. (الغیبة نعمانی باب ۱۴ ج ۹ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۱۷)  
**کشته شدن نفس زکیّه:**

نفس زکیّه یعنی انسان پاک و بی گناه. در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) جوانی بی گناه ، مظلومانه در مسجد الحرام به قتل می رسد. (بحار ج ۵۲ ص ۲۰۶)  
\* از محمد بن صامت از امام صادق (ع) پرسید: آیا این امر (نشانه های ظهور) طول می کشد . امام فرمود: نه؛ البتّه بسان دانه های منظم تسبیح پی در پی خواهد بود. (کمال الدین ج ۲)

\* "أتی امرالله فلاتستعجلوه" (نمل ۱) امام صادق (ع) فرمود: آنگاه که حضرت ظهور کنند در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می گذارد سپس در حالی که اصحابش سیصد و سیزده نفر هستند ، پیرامونش حرکت می کنند. بدرستی که در میان اصحاب او کسانی هستند که شبانه از رختخواب خود هجرت می کنند ، پس خروج می نماید و با او سنگ مخصوصی هست که چون

آترا افکند ، از زمین گیاه می روید. (مسند فاطمه(س) تألیف شیخ ابو جعفر محمد بن حریر طبری به سند از ابان از امام صادق(ع) - تفسیر برهان ۲/۳۵۹ ذیل سوره نحل آیه ۱)  
 \*روایتی از شیخ صدوق در کتاب کمال الدین به سند صحیح از امام صادق (ع) روایت آورده ، فرمود: اولین کسی که با حضرت قائم بیعت می کند، جبرئیل است که بصورت پرنده سفیدی نازل می شود و با آن حضرت بیعت می نماید، سپس یک پای بر بیت الله الحرام و پای دیگر را بر بیت المقدس می گذارد و با صدای رسائی که همه جهانیان آترا می شنوند بانگ می زند "أتی امر الله فلا تستعجلوه)

\*از امام سجاد(ع) آمده که فرمود: همانا دین خدای عزوجل با عقلهای ناقص و آرای باطل و معیارهای فاسد درک نمی شود و جز با تسلیم بدست نمی آید پس هر کس بر ما تسلیم گردد از هلاک دین سالم مانده و هر آنکه به ما اقتدا نماید هدایت یابد و هر کس به قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود؛ و هر کس از آنچه ما می گوئیم یا حکم می کنیم در سینه خود تنگی احساس کند به آن خدایی که سبع مثنی و قرآن عظیم را نازل فرموده ، کافر شده است در حالیکه خود متوجه نیست. (کمال الدین ۲/۳۲۴-باب ۳۱ح ۹)  
 \*صله امام با صدقه؛ ابن طاووس در کتاب کشف المحجّه " فرزندش را سفارش و امر می کند به انجام اموری که مربوط به آداب و وظایف او نسبت به مولایمان صاحب الزمان(ع) است: ای فرزند، در پیروی و وفاداری و تعلق خاطر و دلبستگی نسبت به آن حضرت (ع) به گونه ای باش که خداوند و رسول او(ص) و پدران آن حضرت و خود او از تو می خواهند پس حوائج آن بزرگوار را بر خواسته های خود مقدم بدار، هنگامی که نمازهای حاجت را بجای می آوری و صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار ده و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار بر دعا کردن برای خودت و نیز در هر کار خیری که مایه وفای به حق آن حضرت است آن بزرگوار را مقدم بدار که سبب می شود به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان نماید. (کشف المحجّه ۱۵۲ و ۱۵۱ فصل ۱۵۰)

\*شیخ صدوق به سند خود از حضرت رسول(ص) آورده که فرمود: هیچ بنده ای ایمان نیاورد تا اینکه من نزد او از خودش محبوب تر باشم و خاندانم از خاندان خودش نزد من محبوبتر باشند و عترت من نزد او از عترت خودش محبوبتر باشند و ذات من از ذات خودش نزد او محبوبتر باشند (امالی شیخ صدوق ۲۰۱)

### صله امام - انجام حج و طواف به نیابت از امام زمان(ع)

\*روایت محمد بن الحسن در کافی و غیر آن آمده از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) از قول امام صادق (ع) فرمود: اگر هزار تن را در حج خود شریک گردانی (بطور مطلق- در حج مستحب) برای هر کدام از آنان حجّی خواهد بود بی آنکه از حجّ تو چیزی کاسته شود(فروع کافی ۲۱۷/۴۰)

## \*صله امام و زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه (ع) به نیابت از مولایمان صاحب

### الزمان (ع)

پس هر گاه به زیارت مشاهد متبرکه و یا حائر حسین (ع) رفتی و زیارت کردی و دو رکعت نماز بگذار و سپس بالای سر پیغمبر یا ائمه (ع) به ایست و بگو: سلام بر تو ای پیامبر از طرف پدرم و مادرم و همسر و فرزندانم و دوستان و تمام بستگانم و از سوی اهل شهر آزاد و برده و سفید و سیاه ، پس اگر به کسی بخواهی بگویی من از سوی تو بر رسول خدا و ائمه (ع) سلام کردم راست گفته باشی (فروع کافی/۴/۳۱۴)

\*خودت را به خدمت امام در شبانه روز وقف کن با انجام کارهای شایسته ؛ همسررداری، تربیت فرزندان، تعلیم و تعلم ، ایثار، مبارزه با هوای نفس، انجام واجبات ، دوری از محرمات، مبارزه با فتنه ها ، کاشتن نهال، حق گوئی و حق گرای، خوشحال کردن مؤمنین و خیر خواهی برای دیگران ، یاد و ذکری از اهل بیت (ع)، مبارزه با فتنه ها و دنیای مجازی باطل\* .  
\*در تحف العقول در سفارشهای امام صادق (ع) به مؤمن الطاق آمده : ای پسر نعمان هیچ بنده ای مؤمن نخواهد بود تا اینکه در او سه سنت باشد ؛ سنتی از خداوند و سنتی از رسول و سنتی از امام - اما سنتی که از خداوند عزوجل باید داشته باشد اینکه اسرار را کتمان کنند "عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احداً" (جن/۲۶) اما سنتی که از رسول خدا (ص) باید دارا باشد ، اینکه با مردم به رفتار و اخلاق اسلامی مدارا کند . اما سنتی که از امام (ع) لازم است در او باشد ، صبر در سختی ها و ناراحتی ها است تا اینکه خداوند برای او فرج برساند. (تحف العقول/۲۳۰)

\*شیخ صدوق در معانی الاخبار روایت کرده به سند خود از اسحاق بن عمار از حضرت صادق (ع) از پدرانش که رسول خدا (ص) فرمود: هر چه در کتاب خدای عزوجل یافتید باید به آن عمل کنید در ترک آن هیچ عذری برایتان نیست .

\*هر آنچه در کتاب خدا عزوجل نباشد در باره آن سنتی از من هست پس در ترک سنت من هیچ عذری برای شما نیست. و هر چیزی که در باره آن سنتی از من به دستتان نرسیده پس آنچه اصحاب گفتند بکار ببندید، که همانا مثل اصحاب من در میان شما همچون ستارگان است که به هر کدام گرفته شود ، راهنمایی گردد ؛ و هر کدام از گفته های اصحاب را که بگیرند ، هدایت شوند. آمد و شد نزد اصحاب من برای شما رحمت است . عرض شد : یا رسول خدا (ص) اصحاب تو کیانند؟ آن حضرت فرمود: اهل بیت من (ع) (معانی الاخبار /۱۵۶)

ادامه دعا:

مَتَى تَرَانَا [و] تَرَكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرَى أ تَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأَ وَ قَدْ  
مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَدْفَتِ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا وَ أَبْرَتِ الْعَنَاءَ وَ جَحَدَةَ الْحَقِّ وَ قَطَعَتِ  
دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ اجْتَنَّتْ أُصُولَ الظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

چه زمان مارا می‌بینی و ما تو را می‌بینیم، درحالی‌که پرچم پیروزی را گسترده‌ای، آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم، و تو جامعه جهانی را پیشوا می‌شوی درحالی‌که زمین را از عدالت انباشتی، و دشمنانت را خواری و کیفر چشاندی، و متکبران و منکران حق را نابود کرده‌ای و ریشه سرکشان را قطع نموده‌ای، و بیخ و بن ستمکاران را برکنده‌ای، تا ما بگوییم: ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است.

شرح: از خداوند تعالی در خواست داریم که دیدار مولایمان را نصیب ما گرداند.

سه مطلب در اینجا باید بررسی شود:

۱- استحباب طلب نایل شدن به دیدار آن حضرت در زمان ظهورش از خداوند متّان

۲- اینکه از خدای متعال مسئلت نمایی که آن دیدار را در حالی که عافیت و ایمان داشته باشی به تو روزی فرماید (عافیت و ایمان تسلیم بودن است) در دعای عهد "اللهم أرنی الطلعة الرشیده و الغرة الحمیة: خدایا آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنمای... (بحار الانوار ۱۰۲/۱۱۱)

۳- "فمهلّ الکافرین أمهلهم زویدا (سوره طارق ۱۷) اندکی کافران را مهلت ده و انتقام را تا زمان ظهور حضرت صاحب الزمان (ع) به تأخیر انداز. در آخر زمان محنتها و بلیات بسیار است و مردم در معرض و لغزشگاه آنها قرار دارند.

### "المنتقم":

از جمله القاب امام زمان (ع) المنتقم است. اوست که از جبارها و طاغوتها ی قریبش و بنی امیه و سایر مردم انتقام می‌گیرد. اوست که حدود الهی را اقامه می‌کند و اوست که دلها را متحد می‌کند و امت را از پراکندگی نجات می‌دهد. اوست صاحب صفت عدالت لذا به عدل ملقب گردیده "العدل المنتظر". حدیث اُبی در کتاب کمال الدین روایت شده از رسول خدا (ص) در وصف امام قائم (ع) "إنّ العدل و آخره" اول و آخر عدل است.

### معنای قسط و عدل:

قسط در مورد ایفای حقّ غیر بکار می‌رود و موافق با حقّ است در مورد خلاق - عدل شامل خود انسان می‌شود و هم دیگری. پس هنگامی که قائم (ع) ظهور کند، جور را بر طرف می‌کند (حکام و رؤسای قضات در آخر الزمان بر مردم ستم می‌کنند و به اصطلاح جائر هستند، و بر خودشان نیز ظلم می‌کنند.) (فرهنگ لغات - قاموس قرآن)

جور ضد قسط و ظلم ضدّ عدل است. ظلم آن است که از حریم حقّ تجاوز شود ولی جور تجاوز از حقّ است نسبت به غیر. هر گاه حضرت ظهور نماید ریشه و شاخه ظالمین را قطع می کند تا جائی که عدلش همه عالم را فرا گیرد و احدی بر دیگری ظلم نخواهد کرد.

### **چگونه ممکن است همه کافران در زمان ظهور گردن زده شوند؟**

#### **پاسخ:**

ابتداء اعلام تسلیم شدن برای خدا و بسوی خدا. اگر هر کس با طوع و رغبت مسلمان شود و اطاعت امر کند و واجبات را انجام دهد و آنچه بر هر فرد مسلمانی واجب است انجام دهد ، اهل نجات است و آنکس که مسلمان نشد گردنش را می زنند . عرض شد ، قربانت کردم این امر چگونه است ؛ آیا همه را مسلمان کند یا گردن نهد ؟ فرمود: هرگاه خداوند چیزی را بخواهد اندک را زیاد و زیاد را کم گرداند. (تفسیر العیاشی ۱/۱۸۲)

خداوند به شیطان مهلت داده است تا وقت معلوم ، این وقت معلوم کی می باشد؟ (حجر/۳۷/۳۸) فاتک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم- فرمود: وقت معلوم ، روز قیام قائم(ع) است که مهلت او به پایان می رسد.(بحار الانوار ۵۲/۳۷۶)

### **طهارت زمین از ستم بوسیله آن حضرت(ع):**

در کمال الدین از امام صادق(ع) روایت است که فرمود: خداوند تبارک و تعالی چهارده نور را به چهارده هزار سال پیش از خلقت خلق ، آفریده که آنها ارواح ما هستند. عرض شد: یابن رسول الله این چهارده نور کدامند؟ فرمود: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان حسین که آخرین آنها قائم(ع) است که پس از غیبت کبری بپا می خیزد. آنگاه دجال را می کشد و زمین را از هر گونه ستم و ظلمی پاک می کند(کمال الدین ۲/۲۳۵)

در تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت ابی عبدالله صادق (ع) در باره آیه " اذن للذین یقاتلون بانّهم ظلّموا و إنّ الله علی نصرهم لقدیر(حج/۳۹) به کسانی که در معرض جنگ قرار گرفته اند اذن جهاد عطا شده است چون که مورد ستم واقع هستند و خداوند بر یاری آنها تواناست. آورده که فرمود: عامه می گویند: این آیه در باره پیغمبر نازل شد هنگامی که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند و حال آنکه او قائم (ع) است که چون خروج کند برای حسین (ع) خونخواهی نماید و این است معنی فرمایش او که : ما او لیای خون و طالبان دیه هستیم (تفسیر البرهان ۳/۹۲)

## ظلم دشمنان در دنیا بر آن حضرت:

علی بن ابراهیم در تفسیرش به سند خود از امام باقر(ع) در باره آیه شریفه: "ولمن انتصر بعد ظلمه" (شوری/۴۱): و هر آن که پس از ظلمی که بر او رفته انتقام جویی کند روایت کرده است: یعنی قائم و اصحاب آن جناب، زیرا که آنها را کسانانی که هیچ راهی علیه ایشان نیست و هر گاه قائم(ع) بپا خیزد از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبیان او و اصحابش انتقام خواهند گرفت(المحجة ۱۹۶)

ادامه دعا:

**اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى وَ إِلَيْكَ أَسْتَعِيذُ فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا [الأولى] فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُنَيْدَكَ الْمُتَبَتِّلِي**

خدایا تو برطرف کننده سختیها و حوادث ناگواری، از تو یاری می طلبم، که یاری و کمک تنها نزد توست، و تو پروردگار آخرت و دنیایی، پس ای فریادرس درماندگان، به فریاد بنده کوچک گرفتارت برس،

شرح:

هر قدر عمل صالح نزد خداوند ارزنده تر و عظیم تر باشد تأثیرش هم در روشنایی دل بیشتر و تمام تر است. از خداوند تبارک و تعالی در خواست می کنیم که بندگان ضعیف خود را از یوق ظلم و ستم دشمنان اسلام نجات دهد. از خداوند در خواست می کنیم با ظهور فرزند رسول خدا(ص) امنیت و آرامش را برای بندگان خود به ارمغان آورد.

حضرت یعقوب (ع) منتظر فرج بود پس یک شبه امرش محقق شد و قائم (ع) منتظر فرج است تا از غیبت بیرون آید غایبی که در میان مردم راه می رود و آنان را می شناسد ولی آنها او را نمی شناسند.

یوسف امرش در یک شب اصلاح شد با خواب پادشاه مصر که بر اساس آن خواب و تعبیر آن ؛ یوسف از زندان آزاد گشت. امر غیبت انشالله در یک شب خاتمه می یابد و یاران امام زمان(ع) از بلاد دور جمع خواهند شد.

پیامبر (ص) فرمود: مهدی (ع) از ما اهل بیت(ع) است خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند. (بحار الانوار ۲۸۰/۵۲)

خدایا بنده کوچک تو در پیشگاهت در خواستی دارد که امر فرج را آسان بگیری و هرچه زودتر آن را محقق نما.

پروردگارا پرچم مهدی(ع) نشانه هایی دارد هر که از آن پیشی بگیرد سرکش و هر که از آن عقب بیفتد هلاک شده و هر آنکه از آن پیروی کند به مقصد رسیده است.(کمال الدین ۲/۶۵۴)

پروردگارا مرا از رؤیت این پرچم دور نکن؛



این همان پرچمی است که امیر المؤمنین علی(ع) هنگامی که با اهل بصره برخورد کرد پرچم را بر افراشت.

این همان پرچمی است که در جنگ صفین یاران آن حضرت خواهش کردند که آن پرچم را دوباره بگشاید ولی آن جناب نپذیرفت. حسن و حسین(ع) و عمار یاسر را واسطه قرار دادند، آن حضرت به حسین(ع) فرمود: فرزندم برای این مردم مدتی تعیین شده که به آن خواهند رسید و این پرچمی است که پس از من کسی جزء قائم (ع) آن را نخواهد گشود. (بحار الانوار ۵۲/۳۶۷)

ادامه دعا:

**وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ أَرِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُنْتَهَى**

ای خدای بزرگ و توانا ، سرورش را به او نشان بده ای صاحب نیروهای شگرف، و به دیدار سرورش، اندوه و سوز دل را از او بزدای، و آتش تشنگی اش را خاموش کن، ای که بر عرش چیره ای، و بازگشت و سرانجام به سوی اوست،

**علی العرش استوی:**

کنایه از استیلای خداوند بر عالم خلق - در توحید صوق باب ۵۲ از امام صادق(ع) نقل شده : العرش هو العلم الذی لا یقدر احدٌ قدره - ظاهراً مراد همان علم و دستورات در عرش است . در روایتی در قاموس قرآن به نقل از امام صادق(ع) در باب ۵۰ توحید صدوق ص ۳۲۱ شماره ۴- نوشته شده این روایت روشن می کند که عرش و کرسی هر دو مخلوق و از عالم غیب اند و کرسی قائم به عرش است. آنچه در اشیاء عالم جاری می شود از عرش به کرسی و از کرسی به عالم می رسد. کرسی باب ظاهر از غیب و عرش باب باطن غیب است. طلوع همه اشیاء از کرسی است ولی علم ، کیف، کون، قدر، حد، این، مشیّت، صفت اراده ، علم الفاظ و حرکات و ترک ، علم عود (بازگشت) و بدء همه در عرش است. عرش مرکز تدبیر عالم است. (قاموس قرآن- ج ۳-۴) (باب عرش)

ادامه دعا:

**اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَيْدُكَ التَّائِبُونَ [الشَّائِقُونَ] إِلَىٰ وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا، وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا وَ أَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّىٰ نُورِدْنَا جَنَّاتِكَ [جَنَاتِكَ] وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِن خُلَصَائِكَ**

خدایا، ما بندگان به شدت مشتاق به سوی ولی تو هستیم، آنکه مردم را به یاد تو و پیامبرت اندازد، و تو او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی، و او را قوم و امان ما قرار دادی، و او را

پیشوای اهل ایمان از ما گرداندی، از جانب ما به او تحیت و سلام برسان، و به این وسیله اکرام بر ما را ای پروردگار بیغزا، و جایگاه او را، جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده، و نعمت را با پیش انداختن او در پیش روی ما کامل گردان، تا ما را وارد بهشتهایت نماید، و به همنشینی شهیدان از بندگان خالصت نایل نماید.

شرح:

خداوند به برکت وجود حضرت مهدی(ع) تو و هر موجودی را آفرید و اگر او نبود هیچ کس نبود بلکه اگر او نبود نه زمین وجود داشت و نه فلک - از توقیعات شریفه دآن حضرت در کتاب الاحتجاج آمده است که فرمود: و نحن صنایع ربنا والخلق بعد صنائعنا" (الاحتجاج ۲/۲۷۸)

باید بدانی اگر آن وجود مؤثر و عصمت و پناه دین و کرامت نبود یکساعت هم زنده نمی ماندی و بلکه هیچ چیز در این دنیا بر قرار نمی بود.

در روایت دیگر از امام صادق(ع) آمده است: اگر زمین بدون امام بماند از هم می پاشد(اصول کافی ۱/۱۷۹)

در غیبت نعمانی از امام صادق(ع) از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است: که فرمود: و بدانید که زمین از حجت الهی خالی نمی ماند ولیکن خداوند چشم باطن بندگان را از شناختن امام کور می کند بخاطر ظلم و ستم و اسراف آنان بر خودشان و اگر زمین یکساعت از حجت الهی خالی بماند اهلش را فرو می برد.(الغیبة نعمانی ۱۴۱)

در کافی به سند خود از ابوحمزه روایت کرده که گفت: از حضرت باقر(ع) پرسیدم که حقّ امام بر مردم چیست؟ فرمود: حقّ او بر آنها این است که هرچه می گوید بشنوند و او را اطاعت کنند(اصول کافی ۱/۴۰۵)

### اشتیاق به دیدار آن حضرت (ع):

به حکم عقل و شرع ثابت است که مؤمن برای مؤمنین دعا کند که هم کیش و هم عقیده او هستند. در کافی حدیث مسندی از حضرت صادق(ع) آمده است که فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند: هیچ مؤمنی برای مرد یا زن مؤمنی دعا نکند مگر آنکه خداوند متعال آنچه که او برای آنها خواسته است، مانند آنها را به سوی او بر گرداند و خداوند شفاعت آنها را در باره یکدیگر قبول می کند که این شفاعت باعث نجات مؤمنین است(اصول کافی ۲/۵۰۷)

امام صادق(ع) فرمود: شش خصلت است که در هر که باشد در پیشگاه خداوند متعال و در طرف عرش او خواهد بود. ابن ابی یعفور عرضه داشت: فدایت شوم، آنها چیست؟ فرمود:

فرد مسلمان برای برادر دینی خود بخواهد آنچه برای عزیزترین خاندانش می خواهد ، و بد بدارد آنچه برای عزیزترین خاندانش بد می دارد، وبا پاکي و خلوص با او دوستي کند ، ابن ابی یغفور گریه کرد و گفت: به چه صورتی با او به پاکي و خلوص دوستي کند؟ فرمود: ای پسر ابی یغفور! اگر در دل او اینقدر منزلت داشته باشد که خوبی و بدی را برای او بسان عزیزترین کسان خود بخواهد ، انگیزه ای خواهد شد تا در غم و شادی او شریک باشد. که در خوشحال او شاد و در اندوهش اندوهگین می شود و اگر چیزی که مایه فرج و گشایش کار او است در اختیار داشته باشد، حاجت او را بر می آورد و گرنه برایش دعا می کند.

امام صادق(ع) فرمود: سه تا مربوط به شماست و سه تا مربوط به ما است. این که فضیلت ما را بشناسید و دنبال ما گام بر دارید و منتظر عاقبت امر و برنامه حکومت ما باشید. که هر کس چنین بود ، در پیشگاه خداوند عزوجل خواهد بود و کسانی که در مراتب پایین تر هستند از نور ایشان استفاده می کنند . اما کسانی که در طرف راست عرش الهی هستند اگر کسانی که در درجه پایین تر هستند ، آن ها را بنگرند زندگی برایشان تلخ و نا گوار می شود زیرا بر درجه آنها غبطه می خورند.

ابن ابی یغفور پرسید: چگونه است که نمی شود آنها را دید با این که در طرف راست "عرش" خداوند هستند؟ فرمود: ای ابن ابی یغفور! چونکه آنها در حجابی از نور الهی هستند و چشمه از دیدنشان عاجز است مگر این حدیث به تو نرسیده است که رسول خدا (ص) بارها می فرمود : به راستی که سمت راست عرش در پیشگاه الهی ، مخلوقات است که چهره شان از برف سفیدتر و از آفتاب هنگام ظهر تابان تر است. می پرسند که اینان چه کسانی هستند؟ جواب می رسد : اینها افرادی هستند که در حلال خدا با یکدیگر دوستی ورزیده اند.(اصول کافی ۱۷۲/۲)

### **آیا وجود امام سبب مستجاب شدن دعای مردم است؟**

پاسخ:

بلی، در جایی که امر به معروف رواج یابد ، اجابت دعای ما به برکت وجود آن حضرت (ع) میسر است "هل جزاء الاحسان الا الاحسان" (الرحمن / ۶۰) در جائیکه امر به معروف رواج یابد دعای آن حضرت در حق ما و دفع شر دشمنان و بر طرف ساختن محنتها وو.. میسر است. اگر امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم رایج باشد اغاثة و دادرسی ستمدیگان توسط ما امکان پذیر است. در توقیعی که آن حضرت به شیخ مفید نوشته اند: آمده: ما نظر خود را از شما بر نمی گیریم (که به حال خود وا بمانید) و فراموشتان نمی کنیم اگر چنین نبود گرفتاریها شما را از پای می انداخت و دشمنان شما را از بین می بردند(الاحتجاج ۳۲۳/۲)

ادامه دعا:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ [وَ] رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَ  
عَلَى [عَلِيِّ] أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرَ وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةَ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى  
مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أَتَمُّ وَ أَذْوَمُّ وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرُ مَا  
صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْغِيَانِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا  
وَ لَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر محمد جد او و رسولت، آن سرور  
بزرگتر، و بر پدرش آن سرور پس از پیامبر و بر جدّه اش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمد، و بر  
کسانی که بزرگزیدی، از پدران نیکوکار و بر خودش، برترین و کاملترین و تمامترین و بادوامترین و  
بیشترین و فراوانترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و انتخاب شدگان از میان آفریدگان  
فرستادی، و بر او درود فرست، درودی که پایانی برای عددش، و نهایتی برای مدتش، و به آخر  
رسیدنی برای زمانش نباشد،

#### درود و صلوات بی پایان :

پیامبر (ص) فرمود: ای ام سلمه ، جبرئیل به من خبر داد که این حسین (در حالیکه حسین  
روی سینه پیامبر(ص) بود و پیامبر(ص) گریه می کرد و در دست خود چیزی را زیرو رو می  
کرد) کشته خواهد شد و این خاک سرزمینی است که روی آن کشته خواهد شد . آن را پیش  
خود نگاهدار، هر گاه دیدی خون شد، بدان که حبیب من کشته شده است.

ام سلمه گفت: ای رسول خدا از خدا بخواه این مسئله را از او دفع کند.

پیامبر(ص) فرمود: خواستم ولی خداوند فرمود: او پیش من، دارای درجه ای است که هیچ یک  
از مخلوقات من به آن نرسیده است. او شیعیانی دارد که شفاعت خواهند کرد و پذیرفته  
خواهد شد. به درستی که مهدی از فرزندان اوست و خوش بحال کسی که از یاران و شیعیان  
حسین باشد که آنها در روز قیامت رستگارانند(امالی شیخ صدوق-ص ۲۲۲-ترجمه)

امام صادق(ع) نقل کرد، روزی رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: آیا مژده ای برای  
نهم؟ عرض کرد : آری. ای پدر و مادرم فدایت باد! که تو همانا همواره به هر چیزی مژده  
بخش هستی.

فرمود: جبرئیل امروز امر شگفت آوری را به من خبر داد هر کس از امت من برای من صلوات  
بفرستد و در دنباله اش بر خاندان من درود بفرستد درهای آسمان به روی او باز می شود و

فرشته ها هفتاد بار برایش درود می فرستند، حتی اگر گنهگار و خطاکار هم باشد، آنگاه گناهان او با شتاب می ریزد، چنان چه برگه های درخت می ریزد و خداوند می گوید:

"لبیک، ای بنده من و سعیدیک، به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من! شما هفتاد بار بر او صلوات بفرستید و من هفتصد بار .

و پیامبر (ص) فرمود: اگر برای من صلوات بفرستد و به دنبالش بر اهل بیتم درود نفرستد میان او و اهل آسمان هفتاد حائل می شود و خداوند جلّ جلاله می فرماید: لا لبیک، ولا سعیدیک، ای فرشتگان من! دعایش را بالا نیاورید، مگر آن که عترت را به پیامبر ملحق کند و او همواره در حجاب می ماند تا اهل بیتم را به من ملحق کند. (امالی شیخ صدوق- ص ۹۱۱- ترجمه)

ادامه دعا:

**اللَّهُمَّ وَ أَقِمَّ بِهِ الْحَقَّ وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَدِلِّ بِهِ أَعْدَاءَكَ**

خدایا حق را به وسیله او برپا دار، و باطل را به او نابود کن، و دوستانت را به سبب آن جناب به دولت برسان، و دشمنانت را به دست او خوار گردان،  
شرح:

اقامه حق و محو باطل به چه معناست؟

در زیارت آل پس بعد از معرفی خلیفه الهی و نصرت دهنده دین خدا (اسلام) و اقرار بوجود دوازده امام که حبیب خدا هستند، میثاق و عهد و پیمان با آن مقامات را تأکید دارد. پس در این دعا با درود و سلام به امام زمان (ع) و تکرار میثاق الهی، حق را تعریف و باطل را رد و محو می نماید. بنابراین می فرماید: اگر مرگ حق است بدانید این حجت الهی نیز حق است. اگر فرشتگان نگیر و منکر در قبر حق است، این حجت الهی نیز حق است. اگر قیامت حق است، پس وجود این حجت الهی حق است. اگر روز حسابرسی و رسیدگی به عملکرد بندگان و ثواب و عقاب اعمال حق است پس وجود مطهر امام زمان (ع) نیز حق است. اگر بهشت و جهنم خلّد حق است این وجود مبارک نیز بر حق است.

ای مولای من اگر کسی شقاوت کند و تو را نپذیرد یعنی پدر ایشان حسن عسکری (ع) را نپذیرفته و اگر حضرت حسن عسکری (ع) را نپذیرد پس امام هادی (ع) را نپذیرفته و این سلسله تا مولایمان علی بن ابیطالب (ع) ادامه خواهد یافت. پس با نپذیرفت یکی از امامان دوازده گانه خللی در ایمان و اصول دین شخص ایجاد می شود که او نه در دنیا و نه در آخرت رنگ سعادت نخواهد دید. حسین بن علی (ع) در راه احقاق حق و امر به معروف و نهی از منکر جهاد خالصانه کرد و جان خود را فدای دین و عزت اسلام کرد؛ آنچنان که زینب کبری (ع) در مجلس یزد در مقابل سر بریده حضرت فرمود: "ما رأیتُ الاّ جمیلاً" چیزی جز زیبایی نمی

بینم، زیبایی که در مسیر احقاق حق خود از هر باطلی گریزان است و تا قیامت بقاء دارد. معصومین (ع) در راه احقاق حقّ از هر کفر و نفاق بیزاری و برائت دارند "فالحق ما رضیتموه و الباطل ما أسخطتموه"

باطل ترک امر واجب الهی است و رواج محرّمات است. حرکت در مسیر باطل مسبب خشم خدا و اهل بیت(ع) است. باطل تعطیل احکام الهی است. باطل رواج بی بند و باری است. باطل آشکار شدن فساد در امور اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و هنری است. باطل خروج سفیانی و دجال در عصر غیبت است. باطل حملات داعش به مسلمانان و هتک حرمت به آنها در لباس دین است. باطل تغییر دادن عقاید سالم و اعتقادات پاک مردم از طریق ماهواره در شیوه ای از تهاجم فرهنگی است. سعی دشمنان در مسیر باطل این است که مردم مسلمان را از ولایت و لایتمداری دور نمایند. سوالی اینجا مطرح می شود؛ آیا ظهور حضرت بستگی به زیاد شدن ظلم و جور است؟

ظلم و جور از علائم ظهور است ولی در مقابل این ظلم و جور ایستادگی مردم در برابر ظلم و جور حائز اهمیت است که بصیرت روز افزون در مردم را می طلبد تا در برابر ظلم و جور مردم یک صدا بصورت امتّ واحده به ایستند.

#### **دعوت حضرت مهدی(ع) بسوی حقّ:**

در بحار از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون خداوند اذن فرماید که قائم(ع) خروج کند آن حضرت منبر می رود و مردم را بسوی خودش دعوت می کند و آنها را به حقّ سوگند می دهد و به حقّ خویش دعوت می نماید و اینکه در میان آنان به شیوه و سیره رسول خدا رفتار خواهد کرد و همان عمل او را انجام خواهد داد. پس خداوند جبرئیل را می فرستد تا نزد آن حضرت بیاید که بر خطیم نازل شود و به آن جناب عرض کند: به سوی چه چیز دعوت می نمایی؟ پس قائم(ع) او را خبر می دهد. آنگاه جبرئیل می گوید: من نخستین کسی هستم که با توبیعت می کنم، دستت را بده، پس بر دست او مسح می کند در حالیکه سیصد و اندی مرد (سیصد و سیزده تن) به خدمتش حاضر شده اند، با آن حضرت بیعت می کنند و در مکه می ماند تا وقتی که اصحابش به ده هزار نفر برسند، سپس از آنجا بسوی مدینه می رود (بحار الانوار ۳۲۷/۵۲)

از امام باقر(ع) در خبر طولانی است؟ سپس می رود، و مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر (ص) و ولایت علی(ع) و بیزاری از دشمنان دعوت می کند. (بحار ۳۴۲/۵۲)

و نیز از ایشان منقول است که فرمود: هنگامی که قائم ما بپاخیزد مردم را بسوی امر جدید دعوت خواهد کرد. چنانکه رسول خدا (ص) این کار را کرد و اسلام غریبانه آغاز شد. پس به حال غربت باز خواهد گشت پس خوشا به حال غریبان (بحار ۳۶۶/۴۲)

در کافی از حضرت صادق(ع) در باره بعد از ظهور و ذلت دشمنان منقول است که فرمود: حقّ را دولتی و باطل را دولتی است ، هر کدام از آنها در دولت دیگری ذلیل و خوار است.(غیبت نعمانی ۳۱۹)

### **پیروزی حق پس از ظهور امام(ع):**

#### **الف: ظفر و پیروزی آن حضرت بر معاندین!**

هر گاه حضرت مهدی(ع) قیام کند از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبیان . اصحاب آنها انتقام خواهد گرفت. چون ایشان خروج کنند برای حسین خونخواهی خواهند کرد (تفسیر قمی /ص۶۰۴) ما اولیای خون طالبان دیه هستیم(تفسیر قمی۳/۹۳)

#### **ب: تکیه به بیت الله الحرام در حالیکه ایشان می گوید:**

شما را به حقّ خدا و به حقّ رسول او و حقّ من که حقّ قرابت خویشاوندی با پیغمبر خداست سوگند می دهم که ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ستم نمایند از ما دور سازید. زیرا که ما ترسانیده شدیم و به ماستم نمودند و از شهر و فرزندانمان در بدر شدیم و مورد سرکشی قرار گرفته ایم. (بحار۵۲/۲۳۸)

#### **مجالست با اهل کفر و نفاق:**

و قد نزل علیکم فی الكتاب أن اذا سمعتم آیات الله یُکفرو بها و یستهزیئ بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره إنکم اذا مثلهم؛ این آیه حرمت نشستن در مجالس اهل ضلالت که گناه کبیره است. زیرا هر کس با اهل نفاق و کفر همنشینی کند مانند آنهاست. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (ره) آمده که منظور از آیات الله ؛ امامان معصوم هستند. در اصول کافی به سند صحیح از شعب عرقوفی آمده که گفت: از امام صادق(ع) در باره فرموده خدای تعالی "ولا تهنوا فی ابتغاء القوم إن تکنونوا تألمون فاتّهم یألمون کما تألمون و ترجون من الله ما لا یرجون و کان الله علیماً حکیماً" (نساء /۱۴۰) پرسیدم ، فرمود: منظور آن است که چنانچه شنیدی کسی حق را انکار می دارد و آن را دروغ می شمارد و نسبت به امامان (ع) ناروا می گوید، از کنارش بر خیز و با او همنشینی مکن ، هرکس که باشد.(اصول کافی/۲/۳۷۷)

در همان کتاب در خیر صحیح از آن حضرت (ع) آمده که فرمود: هر کس بخدا و روز بازپسین ایمان دارد در جایی ننشیند که امامی در آن مذمت شود یا مؤمنی اهانت گردد(اصول کافی/۲/۳۷۷)

#### **سه مجلس که خداوند آنها را دشمن می دارد نام ببرید؟**

#### **پاسخ:**

یکی از آن مجلسی است که کسی در آن قرار دارد که در فتوای خود دروغ می گوید. و دیگر مجلسی است که یاد دشمنان در آن تازه می شود و یاد ما در آن کهنه و فراموش شده

است. و مجلسی که در آن از پیروی ما جلوگیری می شود در حالیکه تو می دانی در آن مجلس چنین چیزی هست(همان)

در کافی به نقل از حضرت صادق(ع) آمده که فرمود: هر گاه به ناصبیان و مجالست با آنان دچار گشتی مانند کسی باش که بر روی سنگ سرخ شده ای باشد تا از آنجا بر خیزی زیرا که خداوند آنها را دشمن می دارد و لعنتشان می کند پس اگر دیدی که در باره یکی از امامان گفتگو می کنند بر خیز زیرا که خشم و کيفر خداوند در آنجا بر آنها فرود خواهد آمد.(اصول کافی ۲/۳۷۹/ح ۱۳)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (بقره ۱۹۵) خود را به مهلکه و خطر نیفکنید.

هر گاه شخصی مقداری گندم دارد که می خواهد آنرا پاک و پاکیزه حفظ کند؛ پس آنرا در جائی قرار می دهد و مدتی از آن می گذرد بعد به سراغ گندم می رود می بیند کرم گذاشته است ، کرمها را خارج می کند و گندم را پاک و پاکیزه می کند و سپس سر جایش بر می گرداند.چند بار در طول زمان اینکار را ادامه می دهد و تکرار می کند تا این که مقدار کمی از آن گندم باقی می ماند همچون گندم کمیابی که کرم به آن ضرر نمی رساند این گونه شما ها از هم تمیز خواهید یافت تا آنگاه که از شما باقی نماند مگر گروه کمی که فتنه هیچ گونه زبانی بر آنها نرساند(غیبت نعمانی ۱۱۲)

**ادامه دعا:**

**وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلِّ تُوَدِّي إِلَي مِرَافَقِهِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَ يَمُكُّ فِي ظِلِّهِمْ**

و پیوند خدایا بین ما و او، پیوندی که ما را به رفاقت گذشتگان او برساند، و ما را از آنانی قرار ده که به دامان عنایتشان چنگ زنند و در سایه لطفشان اقامت کنند، خداوند! بر ما منت گذار رضای اهل بیت را و ببخش بر ما مهربانی و عطوفت ایشان را - شامل حال ما بکن دعای ایشان را - خیر و برکت را بخاطر وجود مبارک ایشان بر ما ارزانی دار تا ما به رحمت واسعه و فوز سعادت نزد تو نائل شویم.

خداوند! نماز و طاعات ما را مقبول و برای گناهایمان آمرزش و دعای ما را به استجابت برسان- روزی ما را وسیع و هم و غم ما را برطرف و حوائج و نیازهای ما را بر آور- ما را بحق کرامت و رحمت خودت بپذیر و تقرّب ما را بسوی خودت بپذیر- "وانظر الینا نظرة رحیمه" رحمت و مهربانی خود را بر ما نظر فرما تا به حدّ کمال برسانیم این نظر رحمت تو را- "ثم لا یصرفها عنّا" سپس نظر لطف خود را از ما باز مگیر و ما را از حوض کوثر جدّش که درود خدا بر او باشد سیراب گردان سیرابی گوارا و خوش که دیگر تشنه بعد از آن نشویم.

**وصل به حضرت مهدی(ع) و خاندان گرامی ایشان:**



چون صبح کنی پس بدان که این زندگی که خداوند به تو داده به برکت وجود آن حضرت (ع) است پس او را سپاس بگذار و خدای تعالی را بر نعمتی که به تو عنایت فرموده شکر کن، و مواظب خودت باش که مبادا این نعمت را در غیر رضای او صرف نمائی که مایه تیره روزی و بار سنگینی تو خواهد بود. آنگاه که در برابر گناه قرار گرفتی به یاد آور که مولایت در این حالت زشت ؛ گونه بد تو را می بیند پس به پاس احترام به آن حضرت آن گناه را واگذار.

اگر کار خیر و خوبی پیش آید به انجام آن سبقت بگیر و بدانکه آن نعمتی است الهی ، که خدای تعالی آنرا به برکت مولایت بر تو بخشیده است و خدای را بر آن سپاس بگذار و آنرا به مولای و صاحب الزمان(ع) هدیه کن و با زبان حال و مقال عرضه بدار، و در تمام احوال خاضع و خاشع باش، همچون غلام حقیری که سر به فرمان اربابش نهاده است. در هر بامداد و شامگاه بر آن جناب سلام کن ؛سلام غلامی که مشتاق دیدار او است و از فرافش در سوز و گداز است. چون هنگام نماز خواندنت فرا رسد حال مولایت را در موقع ایستادنش در پیشگاه خدای تعالی متذکر شو، و با حضور قلب ، خشوع جسم، و چشم پوشی از ما سوی الله تعالی به آن بزرگوار تاسی بجوی. بدان توفیق یافتن تو به این امر جز به برکت مولایت نیست و این عبادت جز به موالات و پیروی و معرفت آن حضرت از تو پذیرفته نمی شود و هر وقت که پیروی و معرفت و سر به فرمان بودن نسبت به او فزونی یابد ، خدای تعالی منزلت و پاداش و کرامت و افتخار تو را خواهد افزود.

چون از نماز فارغ شدی آن حضرت را بسوی خدای عزوجل وسیله و شفیع قرار ده که آن را از تو قبول کند.

از عیسی بن داوود از حضرت موسی بن جعفر(ع) از پدرش آمده که در باره فرموده خدای تعالی " فی بیوت اذن الله أن ترفع و یذكر فیها اسمهُ" فرمود : خانه های آل محمد (ص) بیت علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) و حمزه و جعفر صلوات الله علیهم اجمعین می باشد.(مکیال المکارم ج۲ص۳۷۸)

### **تکالیف بندگان نسبت به حضرت مهدی(ع):**

#### **۱-تحصیل شناخت صفات و آداب و ویژگی های آن جناب با دلیل عقلی و نقلی.:**

الف: دلیل عقلی، ان حضرت امامی است که اطاعتش فرض و واجب می باشد و هر کس که اطاعتش واجب است باید صفاتش را شناخت بنابراین شناخت و دانستن صفات مولایمان حضرت حجت(ع) واجب است.باید دانست که لازم است صفات خاص آن حضرت شناخته شود تا از غیر خودش جدا و تشخیص گردد به گونه ای که بین مدعی راستگو و دروغگو فرق بگذارد.

ب: دلیل نقلی: شیخ صدوق از ابوالحسن موسی بن جعفر(ع) روایت آورده که فرمود: هر کس در چهار چیز شک کند به تمام آنچه خدای تعالی نازل فرموده کفر ورزیده است؛ یکی از آنها شناختن امام در هر زمان از جهت شخص و صفات او می باشد. بر هر مؤمنی واجب است که

امام زمانش را با صفات خاص و آداب مخصوصش بشناسد تا با ادعای شخص ملحدی که لایق آن مقام منیع نیست به شبهه نیفتد و در دلش تردیدی راه نیابد.

### ۲- رعایت ادب نسبت به حضرت مهدی(ع)

مؤمن حضرت را با القاب شریفش یاد کند مانند، حجّت، قائم، مهدی، صاحب الامر، صاحب الزمان، وغیره... چه در نوشتاری و چه در گفتاری. کمال ادب نسبت به اسماء ایشان رعایت شود تا مادامیکه غیبتش باقی است و ذکر ذات مقدّسش با القاب قدسیّه اش جاری باشد: الخلف الصالح و الامام القائم و المهدي المنتظر والحجة من آل محمد،- یاد کردن اسم شریف آن حضرت در غیر مجامع برای خواص (شیعیان) که خداوند از آنان خشنود باد.

### ۳- جذب بندگان نسبت به آن حضرت (ع) بطور خاص-

محبت و شناخت آن حضرت از محبت و معرفت امامان دیگر (ع) جدا نمی گردد. اگر انسان آن بزرگوار را بشناسد و او را دوست بدارد، حقیقت ایمان در او کامل می گردد (جلد نهم بحار به نقل از کتاب الفضائل) آمده از امام رضا(ع) و پدرانش از رسول خدا(ص) در حدیثی که در آن نامهای امامان را یاد کرده تا آنجا که فرمود: هر کس دوست می دارد خداوند را ملاقات کند، در حالیکه ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، باید که ولایت حجّت صاحب الزمان منتظر را دارا گردد. پس اینان چراغهایی در تاریکی و امامان هدایت و نشانه های تقوا هستند هر کس آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود من برای او ضمانت می کنم که خداوند او را به بهشت خواهد برد. (بحار الانوار ۳۶/۲۹۶/باب ۴۱ ح ۱۲۵)

### الف: محبوب نمودن او در میان مردم توسط مردم:

در مجالس شیخ صدوق به سند خود آورده از امام صادق(ع) که فرمود: خداوند رحمت کند بنده ای را که مودت مردم را بسوی ما کشاند و به آنچه می شناسند با آنان سخن بگوید و آنچه را منکرند واگذارد(امالی ۶۱)

### ۴- وجوب انتظار (حضرت مهدی(ع) بر همه افراد

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می کشیم از آن بر می آید و ضدّ یأس و ناامیدی است پس هر قدر که انتظار شدید تر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی تر خواهد بود. بنا براین مؤمنی که منتظر آمدن مولایش می باشد هر قدر که انتظارش شدید تر است تلاشش در آمادگی برای آن بوسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و بدست آوردن خوهای پسندیده بیشتر می گردد تا به فیض دیدار مولای خویش و مشاهده جمال انورش در زمان غیبتش رستگار شود همچنانکه برای عده بسیاری از نیکان اتفاق افتاده است و آخر دعای ندبه این استغاثه را از خداوند می خواهیم تا با انتظار و ندبه و گریه، آمرزش گناهان نصیب ما بگردد و امام زمان از ما خشنود و شفاعت ما را در دنیا و آخرت بپذیرد.

بی تردید هر قدر که انتظار شدیدتر باشد صاحب آن، مقام و منزلت بیشتری نزد خدای عزوجل خواهد داشت. انسان منتظر قصدش و انگیزه اش بر انتظار، اطاعت امر و نایل شدن به پاداش دنیوی و اخروی است. و دیگر اینکه انتظار به منظور رستگاری و به ثواب رسیدن است بدون تعیین وقت از سوی بشر؛ خلاصه قصد تقرب در انتظار واجب است و خلاف آن حرام، یعنی خلاف ان یأس و ناامیدی از اصل ظهور حضرت قائم(ع) حرام است.

**وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ الاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَ اٰمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزًا عِنْدَكَ وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَ دُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ،**

و ما را بر پرداخت حقوقش، و کوشش در فرمانبرداری اش، و دوری از نافرمانی اش کمک کن، و بر ما به خشنودی اش منت گذار، و رأفت و رحمت و دعای خیر آن حضرت را به ما ببخش، تا حدی که به سبب آن به رحمت گسترده ات، و رستگاری در پیشگاهت برسیم، خدایا به وسیله او نمازمان را پذیرفته، و گناهانمان را آمرزیده

**وَ دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ أَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَ انظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَبِينَا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**

و اندوهمان را و دعاهايمان را مستجاب گردان، خدایا روزیهایمان را به سبب او گسترده، برطرف شده، و حاجت‌هایمان را برآورده فرما، و به جانب ما به جلوه کریمت روی آور، و تقربان را به سویت بپذیر، و به ما نظر کن نظری مهربانانه که کرامت را نزد تو، به وسیله آن نظر به کمال برسانیم، و آن نظر مهربانانه را به حق جودت از ما مگردان، و از حوض جدش(درود خدا بر او و خاندانش) با جام او و به دست او، سیرابمان کن، سیراب‌شدنی کامل، و گوارا و خوش، که پس از آن تشنگی نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

والسلام علی من اتبع الهدی

## منابع:

- ۱- علامه طباطبائی- المیزان-
- ۲- شیخ عباس قمی- مفاتیح الجنان
- ۳- مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی- مکیال المکارم- ۲ جلدی ترجمه
- ۴- شیخ حر عاملی- کلیات احادیث قدسی- ترجمه الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه - ترجمه کریم فیضی- انتشارات قائم آل محمد(ع)
- ۵- شیخ صدوق(ره)- عقاب الاعمال و ثواب الاعمال- ترجمه ابراهیم محدث- ناشر نشر اخلاق
- ۶- محمدی ری شهری- دانشنامه امیرالمؤمنین- تلخیص مهدی غلامعلی
- ۷- شیخ صدوق(ره)- امالی- ترجمه کریم فیضی
- ۸- فرهنگ غدیر- جواد محدثی - نشر معروف
- ۹- علامه سید مرتضی عسکری - عقاید اسلام در قرآن- ترجمه محمد جواد کرمی(۳ جلدی) نشر منیر.
- ۱۰- سید محمد رضا طباطبائی نسب- تفسیر نفیس ج ۱-
- ۱۱- سید علی اکبر قریشی - قاموس قرآن سه جلدی-
- ۱۲- مرکز تخصصی مهدویت- آفتاب مهر و نگین آفرینش- نشر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی(ع)
- ۱۳- سایت حوزه و غدیر در بعضی موارد. استفاده از مقالات گوناگون نوشته اینجانب- مقاله اثبات و دفاع از ولایت غدیر- مقاله افضلیت امام علی(ع)-مقدم بودن فاضل بر مفضل